



حکایت آخر

زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گرایش برخی از مردم
به مدعیان مهدویت و نیابت در دو قرن اخیر

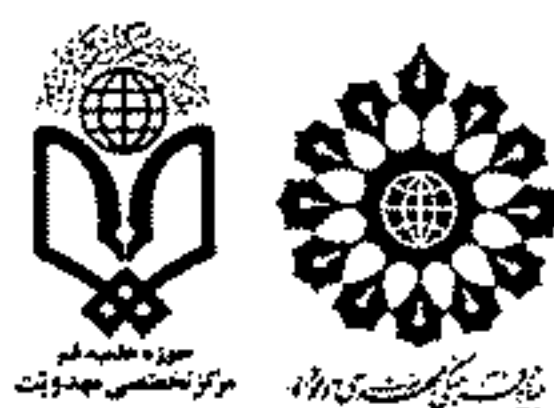
جواد اسحاقیان

پیچک انحراف

زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

گرایش برخی از مردم به مدعیان مهدویت و نیابت در دو قرن اخیر

جواد اسحاقیان



پیچک انحراف

(زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی)

گرایش برخی از مردم به مدعیان مهدویت و نیابت در دو قرن اخیر

مؤلف / جواد اسحاقیان

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

نوبت چاپ / چهارم - زمستان ۱۳۹۰

شمارگان / پنج هزار نسخه

ویراستار / مهدی خلیلیان

صفحه آرا / عباس فریدی

بها / ۳۵۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ ☎ تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ ☎ فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) ☎ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۰-۱-۴ ☎ فاکس:

۸۸۹۸۱۳۸۹ ☎ ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI۳۱۳.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۳-۵۸-۷۴۲۸-۹۶۴-۹۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این نوشته ناقابل را به ساحت مقدس حضرت ولی عصر،
حجت بن الحسن العسکری علیه السلام تقدیم می کنم
و امیدوارم مورد توجه و پذیرش آن حضرت قرار گیرد.

با سپاس فراوان از تمام استادان و معلمان بزرگواری که خالصانه از آغاز تاکنون در تعلیم و تربیت بنده، متحمل زحمات فراوان شده‌اند. و نیز از محضر والدین بزرگوارم که اساس و بنای اولیه تمام مراحل علمی و عملی خود را مدیون آن‌ها هستم. همچنین از همسر و فرزندانم - که بدون همکاری آن‌ها امکان این نوشتار فراهم نمی‌شد - کمال تشکر را دارم. در فرجام: لازم می‌دانم به طور ویژه از استادان مرکز تخصصی مهدویت، مخصوصاً مسؤول محترم آن، حضرت حجت الاسلام و المسلمین استاد کلباسی و نیز همراهی‌های فکری و راهبردی حجت الاسلام و المسلمین استاد جعفری، معاون پژوهشی مرکز، قدردانی کنم، علاوه بر آن که بدون امکانات علمی و نرم افزاری آن مرکز، این پژوهش به انجام نمی‌رسید.

فهرست مطالب

چکیده.....	۱۳
مقدمه.....	۱۷

بخش اول:

کلیات و تاریخچه کوتاه مدت	۱۹
فصل اول: کلیات.....	۲۱
۱. منظور از واژه‌های «زمینه‌ها، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی».....	۲۲
۲. انگیزه انتخاب موضوع و ضرورت بحث درباره آن	۲۴
۳. پیشینه موضوع	۲۵
فصل دوم: تاریخچه کوتاه مدعیان مهدویت و نیابت در دو قرن اخیر.....	۲۹
۱. در ایران	۳۰
شیخیه، بابیه، بهاییه.....	۳۰
۲. در هند و پاکستان	۳۴
۳. در سودان	۳۴

بخش دوم:

زمینه‌های گرایش مردم به مدعیان شیخیه.....	۳۷
فصل اول: خصوصیات مدعیان و تاریخچه آنان	۳۹
حاج محمد کریم خان کرمانی.....	۴۰
برخی از آثار وی	۴۱
حاج محمد خان کرمانی.....	۴۱
برخی از آثار او	۴۲
بشرویه	۴۲
ادعای مدعیان شیخیه	۴۳

- ۴۴ برخی ادعاهای نقل شده برای شیخ احمد احسائی
- ۴۶ ادعای مقام خاص یا نیابت ویژه از سوی ائمه
- ۴۸ زمینه‌های ادعای بابت و مهدویت
- ۴۹ برخی از عقاید شیخیه کرمانیه در فروع دین
- ۵۱ فصل دوم: زمینه‌های گرایش مردم
- ۵۳ ۱. زمینه‌های فکری جامعه دیندار ایرانی
- ۵۳ ۲. زمینه‌های قومی، نژادی و سیاسی و اجتماعی
- ۵۴ ۳. متون دینی ضعیف یا تحلیل نشده
- ۵۶ ۴. سوء استفاده از متون ضعیف یا جعلی
- ۵۷ ۵. نقش بیگانگان و استعمار

بخش سوم:

مدعیان بابیه و بهائیه ۵۹

- ۶۰ ذکر مدعیان و تاریخچه آنان
- ۶۰ بابیه (علی محمد باب و پیروانش)
- ۶۲ مدعیان پس از علی محمد باب، و جریان بهائیت
- ۶۴ مواردی از ادعای بابت علی محمد شیرازی
- ۶۴ مواردی از ادعای مهدویت و قائمیت
- ۶۵ ادعاهای مربوط به حسینعلی بهاء (مؤسس بهائیت) و رهبران بعدی
- ۶۶ عوامل و زمینه‌های گرایش مردم به مدعیان بابیه و بهائیه
- ۶۹ نمونه‌ای از سوء استفاده از اصطلاحات دینی
- ۶۹ ۲. جهل مردم و عوام‌فریبی مدعیان
- ۶۹ ۱-۲. شخصیت فریبنده
- ۷۱ ۲-۲. نمونه دیگر عوام‌فریبی: مرحله‌ای بودن ادعاها
- ۷۲ ۳-۲. نمونه دیگر از عوام‌فریبی و سوء استفاده از جهل مردم
- ۷۴ ۴-۲. وعده‌های موهوم از جمله موارد عوام‌فریب
- ۷۵ ۵-۲. ژست عوام‌فریبانه و صلح‌طلبی
- ۷۵ ۶-۲. غفلت و عدم توجه به تناقض‌ها
- ۷۶ ۷-۲. عوام‌فریبی با تخریب رقبا

۳. دین فروشی برای جاذبه‌های نفسانی ۷۷
۴. نقش استبداد و حکومت‌های داخلی ۷۸
- ۱-۴. نا برابری‌های اجتماعی، اختناق و فشار و نجات باوری مردم ۷۸
- ۲-۴. مطرح شدن مدعیان توسط حکومت ۷۹
۵. نقش استعمار در تقویت فرق بابیه و بهاییه برای جلب مردم ۸۲

بخش چهارم:

مدعیان قادیانیه ۸۷

- فصل اول: سر گذشت رهبران قادیانیه و ادعاهایشان ۸۹
- ادعاها ۹۰
- آثار غلام احمد ۹۲
- عقاید خاص گروه احمدیه ۹۳
- فصل دوم: زمینه‌های گرایش به قادیانیه ۹۵
- ۱- عوام‌فریبی ۹۶
- ۱-۱. ادعای ارتباط با غیب و دارا بودن تأییدات الهی و قدرت پیش‌گویی غیبی ۹۶
- ۲-۱. شخصیت فریبنده ۹۸
- ۳-۱. تلقین مطالب و مسلم جلوه دادن ادعاها ۱۰۰
- ۴-۱. سوء استفاده از متون دینی یا منابع تاریخی ۱۰۲
۲. نقش استعمار و فرهنگ غربی در جریان قادیانی ۱۰۳

بخش پنجم:

مهدی سودانی ۱۰۷

- فصل اول: قیام سودانی و ادعاها ۱۰۹
- تاریخچه مهدی سودانی و جانشینان وی ۱۱۰
- فصل دوم: زمینه‌های گرایش به جریان سودانی ۱۱۳
۱. عوام‌فریبی ۱۱۴
- ۱-۱. فریبندگی شخصیت ۱۱۴
- ۲-۱. تلقین ادعاها و غیبی و مسلم جلوه دادن آن‌ها ۱۱۶
- ۳-۱. سوء استفاده از متون دینی و تاریخی و آمیختگی آن‌ها با شخصیت مدعی ۱۱۷

- ۱-۴. سوء استفاده از ظرفیت‌های دینی - اجتماعی ۱۱۹
۲. زمینه‌های اجتماعی ۱۱۹
- ۱-۲. انتظار عمومی و فراگیر ظهور مهدی ۱۲۰
- ۲-۲. گرایش به بازگشت به دوران پاکی صدر اسلام ۱۲۰
- ۳-۲. جهالت و تحلیل غلط اجتماعی ۱۲۱
۳. عوامل سیاسی و نقش استعمار و فرهنگ غربی ۱۲۲
- تأثیرپذیری فرهنگی از غرب ۱۲۳

بخش ششم:

برخی مدعیان دهه‌های اخیر (قبل و پس از انقلاب اسلامی) ۱۲۵

- فصل اول: مدعیان و انحراف‌های غیر سازمان یافته ۱۲۷
- الف. رشد عقاید خرافی و فرقه‌های شبه عرفانی ۱۲۸
- ب. ادعای‌های فردی غلو آمیز و باطل ۱۳۱
- ذکر برخی دیگر از مدعیان اخیر ۱۳۵
- فصل دوم: مدعیان سازمان یافته ۱۳۹
۱. گروه الف . و ۱۴۰
- ادعاهای الف . و ۱۴۱
- زمینه‌های گرایش مردم به گروه الف . و ۱۴۲
۲. ح . الف ۱۴۵
- برخی فعالیت‌ها و دعاوی وی ۱۴۵
- برخی زمینه‌های جذب افراد به طیف ح . الف ۱۴۶
۱. تشکیلاتی عمل کردن در مورد تزکیه نفس ۱۴۶
۲. توجه افراطی به خواب و مکاشفه ۱۴۷
۳. رمان پردازی و شخصیت سازی و دروغ ۱۴۷
۴. توجه زیاد به مسایل احساسی و ترویج مطالب سست ۱۴۷
۵. غفلت و توجه نکردن به وجود تناقض‌ها در رهبری تشکیلات ۱۴۷
۶. جلو گیری از تفکر و سؤال و تحقیق در مورد مسائل ۱۴۸
۷. ضعف علمی ۱۴۸
۸. انحراف‌های مالی و اخلاقی ۱۴۹

۳. علی . ی.....	۱۴۹
- ادعای رجعت	۱۵۰
- طرح نظریه نصب در غیبت کبری	۱۵۰
نظریه وجود هادی در زمان غیبت	۱۵۰
۴. ک . ب.....	۱۵۲
تاریخچه زندگی و فعالیت‌های وی	۱۵۲
نقش استعمار و بیگانگان	۱۵۳
زمینه‌های گرایش مردم به وی.....	۱۵۴
۱. نوآوری و بدعت در سخنرانی‌ها و جلسات	۱۵۴
۲. سوء استفاده از القاب و عناوین و آموزه‌های مهدویت.....	۱۵۴
۳. ژست‌های تبلیغی و به اصطلاح شهادت طلبانه و قیام گونه.....	۱۵۵
۴. فعالیت‌های شبه عرفانی و عوام فریبانه.....	۱۵۵
۵. تساهل و تسامح در فعالیت‌ها.....	۱۵۵
۶. حمایت مراکز استعماری و بیگانگان.....	۱۵۶
۵. یمانی.....	۱۵۶
۶. احمد بن الحسن	۱۵۷

بخش هفتم:

پژوهش میدانی	۱۵۹
فصل اول: روش کار و اطلاعات اولیه.....	۱۶۱
مقدمه.....	۱۶۲
فصل دوم: نمودارها و نتایج	۱۶۵
جمع‌بندی اطلاعات	۱۷۳
برخی از دیگر نتایج احتمال نمودارها.....	۱۷۴

بخش هشتم:

جمع بندی و تحلیل نهایی	۱۷۵
فصل اول: ویژگیهای شخصی و شخصیتی مدعیان	۱۷۷
۱-۱. اختلال روانی.....	۱۷۸

- ۱-۲. خود کم بینی و حقارت..... ۱۷۹
- ۱-۳. افراط و تفریط..... ۱۸۰
- ۱-۴. ایجاد جذابیت‌های فردی و گروهی و کار تشکیلاتی..... ۱۸۱
- فصل دوم: زمینه‌های موجود در مردم و پیروان..... ۱۸۳
- ۲-۱. خلأ معنوی پیروان و آسیب دیدگان و به دنبال راه حل بودن آن‌ها..... ۱۸۴
۱. قابل جمع بودن عرفان‌های کاذب با شهوات و نفسانیات..... ۱۸۵
۲. نو بودن عرفان‌ها..... ۱۸۵
۳. احساس ناکارآمدی و بی‌حاصلی روش‌های رایج در عرفان اسلامی..... ۱۸۶
۴. غرب زدگی و تهاجم فرهنگی..... ۱۸۶
۵. اجتماع ظاهری بین عشق مجازی و حقیقی..... ۱۸۶
- ۲-۲. بن بست‌ها و شکست‌های زندگی..... ۱۸۷
- ۲-۳. انحراف پیروان از کودکی و نوجوانی..... ۱۸۸
- ۲-۴. غفلت مردم و حاکمان از تناقض‌ها و انحراف‌های مدعیان..... ۱۸۹
- فصل سوم: نقشه‌های مشترک استعمار و دشمنان اسلام..... ۱۹۲
۱. نفوذ استعمار در مراکز و امور فرهنگی..... ۱۹۳
۲. سوء استفاده استعمار از فرهنگ کهن و اصیل ایران و تحریف آن..... ۱۹۴
۳. تأثیر اهداف و نقشه‌های استعمار در جذب مردم در جریان‌هایی مثل بایبه و اسماعیلیه..... ۱۹۵
۴. نقش صهیونیسم در بهائیت..... ۱۹۷
۵. نقش مراکز فرهنگی استعمارگران غربی..... ۱۹۷
- فصل چهارم: دیدگاه متون دینی درباره عوامل انحراف مدعیان و پیروان آن‌ها..... ۱۹۹
- تعبیرات بزرگان..... ۲۰۱
- قرآن و منحرفین..... ۲۰۲
- چهل از عوامل فریب مردم از دیدگاه قرآن..... ۲۰۴
- نظر یکی از علما درباره انحراف‌های مهدوی در عراق..... ۲۰۴
- ضمیمه: تصاویر..... ۲۰۵
- فهرست منابع..... ۲۳۲

چکیده

به دلیل تواتر احادیث مربوط به مهدویت در روایات فریقین و خصوصاً تأکیدات پیامبر اعظم اسلام ﷺ و اخبار ائمه علیهم السلام در این زمینه، تقریباً از صدر اسلام، مدعیان دروغین مهدویت یا نیابت، یا وساطت از جانب موعود، ظهور یافتند و در پی آن بودند که از فضای مناسب و ظرفیت بالای موجود در این اعتقاد فراگیر و راسخ مسلمانان استفاده کنند؛ لذا از فرقه سبائیه (که در مورد امیرالمؤمنین ادعای غیبت کردند) تا زیدیه و اسماعیلیه و نیز واقفیه (در زمان امام صادق و امام کاظم) و تا زمان ائمه دیگر، و نهایتاً در خود زمان غیبت صغری، برای شخص ائمه، فرزندان‌شان یا دیگران این ادعا مطرح شده است و مدعیان خواسته‌اند مردم را در پوشش مذهبی و با بهره‌گیری از عقیده نجات به سوی خود بکشانند و حتی شاید تصور می‌کردند که ائمه را هم می‌توانند به بهانه قیام و حاکمیت اسلام اصیل با خود همراه کنند؛ ولی اهل بیت علیهم السلام همواره راه خود را از آن‌ها جدا، و مردم را در انتظار موعود مشخص با شرایط ویژه خود نگاه داشتند.

همان‌گونه که گفته شد از همان زمان غیبت کبری و ایجاد خلأ ظاهری در حضور آشکار معصوم، مدعیان با شگردهایی جدید وارد شدند و گاهی فرد یا گروهی قد علم کرد تا آن که حدود دو قرن پیش از این، که مسلمانان مدتی بود

که دوران طلایی شکوفایی و رشد همه جانبه خود (از آغاز اسلام تا قرن ۶ و ۷ و حداکثر ۱۱) را پشت سر گذارده بودند و در ذلت و وابستگی به بیگانگان واقع شده، از نظر معنوی و فرهنگی نیز در تشتت بودند دشمنان اسلام - که متوجه باز بیداری جهان اسلام شدند - برنامه‌ای دراز مدت برای تخریب جهان اسلام سامان دادند که این بار از راه تخریب عقاید کارآمد؛ مانند جهاد و شهادت طلبی و انتظار - که مسلمانان و خصوصاً شیعیان را امیدوار و آگاه نگاه می‌داشت و آینده روشن ظهور و حاکمیت جهان اسلام و موعود اسلام را فراروی آن‌ها روشن می‌ساخت - وارد عرصه مبارزه با مسلمانان شدند، بنابراین از طرفی جریان وهابیت را در همان سال‌ها (حدود قرن ۱۱) پی ریزی کردند و نیز جریان‌های انحرافی جدید در موضوع مهدی موعود، در کلّ دنیای اسلام و خصوصاً مناطق شیعه نشین راه اندازی کردند.

در شبه قاره هند و پاکستان، فردی به نام غلام احمد قادیانی را تقویت کردند که ابتدا به عنوان مدافع اسلام در برابر کفار و مشرکین، به مباحث علمی می‌پرداخت ولی پس از تبدیل شدن به قهرمان ملی، به ادعای مسیحیت و مهدویت روی آورد و خاتمیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را نفی کرد و مورد حمایت انگلیسی‌ها قرار گرفت. در منطقه سودان، مهدی سودانی مانند قادیانی با عنوان دفاع از اسلام اصیل و حاکمیت اسلام، وارد شد، اما پس از مدتی با جنگ و خونریزی فراوان و با ادعای مهدویت، حکومت مهدیون را تشکیل داد که مورد بهره‌برداری استعمار در شکست اتحاد مصر و سودان و کشورهای اسلامی قرار گرفت. در ایران هم با شکل‌گیری شیخیه، ادعای نیابت خاصّ توسط برخی گروه‌های شیخیه، زمینه برای مدعیان بابیت و مهدویت فراهم شد؛ لذا علی محمد باب و یارانش نیز نخست به عنوان زمینه ساز ظهور و شاگردان شیخی مسلک وارد عرصه شدند، ولی بعداً با ادعای مهدویت و پس از آن ادعای نسخ اسلام (یا شریعت جدید) مورد حمایت استعمار گران واقع شدند. بنابر نقل مستدلی، اساساً بابیه را استعمار شخصاً ابداع کرد و پس از آن، هم بهابیت از درون بابیه شکل

گرفت، که تاکنون بر بدعت‌های خود به اسم دین و وحی (!) پافشاری می‌کند. این جریان‌ها ادامه داشت تا اینکه با هوشیاری امام راحل علیه السلام و همکاری و جانفشانی مردم دیندار ایران اسلامی، دست استعمار و طاغوت از ایران جدا شد و زمینه‌های رشد فکری و فرهنگی آغاز شد. پس از پایان دفاع مقدس و غفلت‌های فرهنگی پس از آن، با وجود هشدارها و رهنمودهای مهم مقام معظم رهبری - حفظه الله - متأسفانه آموزه‌های دینی و خصوصاً مهدویت تا حدودی مهجور ماند و رغم تأکید بر احساسات و شور معنوی، بر عمق و استحکام آن عقاید تأکید نشد، و بر اساس اسناد موجود، دشمن نیز از این فرصت استفاده کرد و با راه اندازی فرقه‌های شبه عرفانی یا به اصطلاح مدعیان کاذب عرفان و معنویت، سعی کرد خلأ موجود را با خوراک مسموم و جاهلی خود پر کند. متأسفانه همان‌گونه که نمودارهای پژوهش میدانی نشان می‌دهد زمینه‌های گرایش مردم به این مدعیان وجود داشته است. در مجموع به نظر می‌رسد به رغم لزوم گسترش بیش از پیش فضای احساسی در مسایل معنوی، همچون مهدویت، لازم است روشنگری و تعمیق در تمام قشرها انجام شود و از سوی دیگر نقشه‌های استعمار در این مورد برای مردم تشریح گردد. نکته مهم‌تر آن که پالایشی در کتاب‌های مهدوی، مقالات، سخنرانی‌های عمومی و خصوصی و نیز رسانه‌های مکتوب و صوتی و تصویری واقع شود تا مطالب ضعیف و دارای تردید، یا تحلیل نشده، مستند آن برنامه‌ها قرار نگیرد.

مقدمه

خداوند متعال، راه مستقیم توحید را توسط پیامبران خویش، به مردم نمود، تا آن‌ها را از شرک و بت پرستی دور بدارد، اما همواره گروهی بر اثر غفلت، جهل و عناد، از مسیر توحید منحرف شده، به بت پرستی در اشکال گوناگون آن روی آورده‌اند. یکی از زمینه‌های این انحراف و شرک، غلو یا زیاده‌گویی در مورد بزرگان دینی و اولیای الهی بوده است؛ لذا خداوند در قرآن کریم یهود و نصاری را از غلو در مورد پیامبران و بزرگان‌شان نهی نموده است.^۱ همچنین انبیا را از ادعای معبود بودن بازداشته تا کسی را به بندگی خود فرا نخوانند.^۲ شبیه این جریان‌ها در دنیای اسلام رخ داد و گروهی به افراط در زمینه مقام اهل بیت علیهم‌السلام پرداختند. ائمه علیهم‌السلام همواره این گروه را طرد کردند و درباره آن‌ها هشدار دادند.^۳ گروهی دیگر نیز با استفاده از عقاید مردم به اهل بیت و امامان، خود را تجلی یا مظهر خاص آنان معرفی کردند، یا مدعی مقام نیابت آن‌ها شدند؛ پس از غیبت کبری که مردم از حضور مشهود امام، محروم شدند ادعای مدعیان، اوج گرفت.

در همین زمینه افکار و عقاید انحرافی که در فرهنگ‌های غلط، ولی

۱. نساء، ۱۷۱ و توبه ۳۰ ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ﴾.

۲. آل عمران، ۷۹-۸۰ ﴿مَا كَانَ لِشَيْءٍ أَنْ يُوتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِّي﴾.

۳. بحار/انوار، ج ۲۵، ص ۲۸۸؛ قال امیرالمؤمنین علیه‌السلام (یہلک فی رجلان محبة مفرط يضعنی غیر موضعی و یمدحنی بما لیس فی...).

رایج کشورهای اسلامی وجود داشت و آن‌ها را از نسل‌های گذشته به میراث برده بودند، به این مشکل افزوده شد و جریان‌هایی همچون تصوف - که به نفی عبادات، پرستش قطب، رئیس فرقه و انجام اعمال خلاف شرع می‌پرداختند - نیز مشکل مضاعفی ایجاد کرد. هواهای نفسانی، ضعف اطلاعات دینی و پشتیبانی استعمار باعث شد گروهی از مردم به مدعیانی، که آلوده به مفسد اعتقادی و عملی بودند، پیوندند و خصوصاً در دهه‌های اخیر که جاذبه‌های رسانه‌ای، صوتی و تصویری فراهم شد و بالأخص، در سال‌های اخیر که اطلاعات و آموزه‌ها، به سرعت در اختیار تمام دنیا قرار گرفته است، این مسأله نگران کننده‌تر جلوه می‌کند.

در این تحقیق به بررسی زمینه‌های گرایش مردم به مدعیان مهدویت و نیابت در دو قرن اخیر می‌پردازیم و در بخشی جداگانه، نتیجه تحقیقات میدانی انجام شده در سال ۱۳۸۶ را ضمیمه می‌کنیم تا به شکل محسوس‌تری بیان شده باشد. هر چند تلاش شده است که نسبتاً، گردآوری کاملی در گستره اطلاعات و منابع مرتبط با بحث انجام شود، همواره نقص و کمبود از لوازم این گونه نوشته‌های خاص مربوط به انحراف‌ها است، که البته با زحمات فراوان و راهنمایی‌های سودمند استادان معظم، خصوصاً استادان راهنما و مشاور، در کاستن آن عیوب کوشیده‌ام باشد که این تحقیق مورد رضای حضرت ولی عصر علیه السلام قرار بگیرد ان شاء الله.

بخش اول:

کلیات و تاریخچه کوتاه مدت

فصل اول:

کلیات

۱. منظور از واژه‌های «زمینه‌ها، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی» منظور از زمینه‌ها: عواملی است که لزوماً، علت تام و اصلی گرایش مردم به مدعیان نبوده، ولی به گونه‌ای آن را تسریع کرده است؛ لذا در زمان و مکانی که تمام آن زمینه‌ها وجود نداشته است، این تمایلات و گرایش‌ها همچنان دیده می‌شود.

زمینه‌های فرهنگی: معنای فرهنگ در لغت و اصطلاح متعدد است و حتی شامل تمام آداب و رسوم و هنرها، می‌شود. در این‌جا نیز زمینه‌های فرهنگی به مفهوم موارد مذکور و نیز موارد مشابه است که نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

۱. متون روایی و تفسیری (خصوصاً موارد ضعیف و غیر مشهور) که در فضای عمومی جامعه منتشر شده، و رفتار و عقاید برخی مردم را به شکل نادرست، جهت داده است؛ مانند عبارت جعلی «یأتی بدین جدید» درباره ظهور قائم علیه السلام.

۲. فضای معنوی و حالت انتظار در جامعه شیعه، که احساسات و رفتارهای خاصی را ایجاد کرده، در مواردی چند به انحراف و افراط کشیده شده است. مراد از زمینه‌های سیاسی: در بُعد داخلی، سیاست‌گذاری‌های

حکومت‌های جور و مستبد در کشورهای اسلامی است که برای حفظ منافع حکومتی و سلطنتی به حفظ یا تقویت مدعیان پرداخته‌اند و یا حداقل در برابر آن‌ها به انفعال و سکوت روی آوردند و گاهی نیز منافع آن‌ها، اقتضای ایجاد اختلاف بین مردم و مشغول کردن آنان به جریان‌های انحرافی را داشته است. و در بُعد خارجی، منظور سیاست‌های نظری و عملی قدرت‌های استعماری و بیگانه است که برای تفرقه افکنی و حفظ منافع خود به راه اندازی فرقه، یا وسوسه مدعیان، حفظ تشکیلات آن‌ها، یا سرکوب مخالفان، یا تحمیق مردم پرداخته‌اند.

- منظور از زمینه‌های اجتماعی، در این تحقیق، موارد ذیل است:

الف: وجود طبقات و شکاف‌های اجتماعی که به ظلم و ایجاد تنگنا در قشرهای مختلف مردم منجر شده، آنان را پذیرای هر ندای آزادی‌خواهانه و منجی‌گرایانه کرده است.

ب: روابط و تعصبات خاص بین قومیت‌ها، نژادها و... که گاهی برخی مردم را، واداشته برای حفظ یا تقویت آن‌ها به حمایت یا تقویت مدعیان بپردازند. منظور از گرایش: معنای اعم از قبول کامل ادعا و به اصطلاح ایمان آوردن به کلام مدعیان است و شامل: ۱. دلبستگی مردم به کلام آن‌ها، ۲. ترس از مخالفت با آن‌ها و گرفتار شدن به عقوبت الهی در صورت مخالفت با مدعیان [به زعم پیروان]، ۳. تردید در باطل یا حق بودن مدعیان (به جای رد کردن صریح و کذاب خواندن آن‌ها) است.

در جریان تحقیق نیز روشن می‌شود انواع این گرایش‌ها وجود دارد که بهتر است گاهی واژه تمایلات را به کار ببریم؛ البته علاوه بر ترس از

عقوبت، شوق یا امید رسیدن به ثواب الهی [به زعم فریب خوردگان] و رفع مشکلات و رواشدن حاجات آن‌ها در مقابل اطاعت از مدعیان، هم به عنوان نوعی گرایش در نوشتار حاضر، مدّ نظر قرار داده می‌شود.

۲. انگیزه انتخاب موضوع و ضرورت بحث درباره آن

با توجه به آن که بحث مهدویت و عناصر وابسته به آن، جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی فراوان دارد و خصوصاً در کشورهای اسلامی، همچون: ایران و برخی کشورهای دارای فرهنگ شرقی؛ مانند هند مورد توجه خاصّ قرار گرفته است، مدعیان دروغین مهدویت و نیابت نیز از این ظرفیت و گرایش عمومی سوء استفاده کرده‌اند؛ لذا لازم است زمینه این گرایش‌ها و شیوه بهره‌برداری مدعیان روشن شود.

از سوی دیگر در سال‌های اخیر با توجه به گسترش فضای معنوی که به برکت انقلاب اسلامی ایران حاصل شده است و توجه خاصّ ملت ایران به مباحث ظهور، انتظار فرج و ... مدعیانی جدید با ترفندهایی ویژه بروز کرده‌اند و با استفاده از امکانات و فن‌آوری روز؛ مانند ماهواره، و اینترنت و مطبوعات به تحریک احساسات عمومی می‌پردازند؛ لذا اگر تحقیقی جامع درباره نقاط مشترک، راهکارهای تأثیر و نفوذ مدعیان انجام دهیم و بتوانیم نقشه‌های دیرینه استعمار و استبداد را که به یاری آن‌ها شتافته است ردیابی کنیم، در واقع زمینه گرایش عمومی به جریان‌های فعلی و احتمالی آینده را مهار و کنترل کرده‌ایم. از طرفی این کار انگیزه‌ای می‌شود تا نقاط آسیب‌پذیر روایی مربوط به مهدویت را که دستاویز مدعیان قرار گرفته، شناسایی کنیم و با بررسی سندی و دلالتی صحیح، زمینه روشنگری همه

شیفتگان مباحث مهدوی را فراهم آوریم. علاوه بر موارد پیش گفته، با توجه به اهمیت ویژه اتحاد ملی و انسجام اسلامی در سالیان اخیر، درمی‌یابیم که اگر کارنامه همین مدعیان دو قرن اخیر را مدّ نظر قرار دهیم پر از تفرقه افکنی، خسارت به جان و مال مردم و استقلال کشور و تضعیف معتقدات عمومی بوده، که امید است با یاری خدا و عنایت امام زمان، در پرتو چنین تحقیقاتی، قدمی در رفع آن برداشته شود.

۳. پیشینه موضوع

همان‌گونه که نخستین هدایتگران و راهنمایان انسان پیامبران بوده‌اند و کتاب‌های آسمانی و عقول دینی پیش از تمام متفکران و نظریه پردازان، راه‌های سعادت را به انسان نموده‌اند، اولین هشداردهنده‌ها و تبیین کننده‌های انحراف‌ها و عوامل سقوط انسان‌ها نیز اولیای الهی و کتاب‌های مقدس بوده‌اند؛ لذا به طور خاص، آیات فراوانی در قرآن به علل انحراف افراد و جوامع انسانی پرداخته، زمینه‌های گرایش انسان‌های گمراه و متمایل به شیطان و شیطان صفتان را معرفی می‌کند. همچنین مکرها و ترفندهای شیطان را نیز باز می‌گوید، که انحراف‌های مربوط به مقوله مهدویت و نیابت نیز مصداقی از آن انحراف‌ها است. از سوی دیگر در روایات و سیره اهل بیت هم با مطالعه موضعگیری ائمه در برابر مدعیان دروغین امامت و نیابت، می‌توان زمینه‌های انحراف را جست‌جو کرد. اما از آن‌جا که تحقیق فعلی، مربوط به مدعیان دو قرن اخیر است، علاوه بر آن که مباحث فوق (آیات و روایات) اساس پاسخ به سؤال این تحقیق محسوب می‌شود، می‌توان با

تحقیق جزئی، در واقع تجسم و کاربرد آن رهنمودهای نورانی را در وقایع مربوط به انحراف‌ها، وارسید.

بنابراین: اگر به تاریخ مدعیان دو قرن مراجعه شود ابتدا به بحث ادعای نیابت خاصّ خواهیم رسید.

با توجه به آن که مدعیان نیابت خاصّ امام زمان (در پوشش اصطلاح رکن رابع یا شیعه کامل) که از شیخیه کرمانیه بروز کرده‌اند و نیز مدعیان نیابت در فرقه بابیه، و داعیه‌داران مهدویت مربوط به قادیانیه (مانند شخص غلام احمد قادیانی) همگی در فاصله سال‌های ۱۱۶۶ تا ۱۲۶۶ پیدایی یافته‌اند (یعنی از تولد شیخ احمد احسائی تا زمان ادعای علی محمد شیرازی مسماً به باب) که در آن دوران بحث‌های مردم‌شناسی در تاریخ مدّ نظر قرار نمی‌گرفته است. و از سوی دیگر، فضای استبدادی و استعماری آن سالیان که مقارن عصر قاجار و نیز حکومت‌های دست‌نشانده استعماری در هند و... بوده است؛ لذا معمولاً نویسندگان و تحلیل‌گران، این حوادث را از جنبه مردمی و گرایش‌های عمومی بررسی نکرده‌اند؛ زیرا عموماً در تاریخ نویسی مرسوم آن زمان، تنها شاهان و حکومت‌ها، محور تاریخ و مبدأ و مقصد آن بوده‌اند.

به عنوان نمونه، یکی از اولین منابع اصلی تاریخی در مورد بابیه و ادعای باب، کتاب *روضه‌الصفای ناصری* است که با مطالعه نسخه خطی آن دریافتیم نویسنده آن، کاتب رسمی دربار بوده، جریان‌های ادعای باب و مناظره عالمان باوی و حوادث مردمی مربوط به آن را به شیوه‌ای نگاشته که به تقویت دربار منجر شود. از این رو غالباً مستشرقین (دین پژوهان غربی) که دید جامع‌شناسانه و مردم‌پژوه داشته‌اند به مباحث موردنظر ما پرداخته‌اند؛

لذا اولین اثر تحلیلی در مورد بابیه، کتاب *نقطه الکاف* میرزا جانی کاشانی (از عناصر بابیه) است که توسط ادوارد براون، شاگرد کنت دو گوپینو، احیا شده، خود براون بر آن مقدمه نوشته است. تحلیل قیام مهدی سودانی و تحرکات مردمی درباره این مدعی مهدویت، نیزگاهی از سوی غربی‌ها انجام شده است. البته در سال‌ها یا دهه‌های اخیر نیز بعضی منابع به تحلیل قیام سودانی پرداخته‌اند که در کتاب‌نامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است. در مورد قادیانی‌گری نیز، چون عمدتاً مربوط به هندوستان بوده است، کم‌تر مورد تحلیل پژوهشگران ایران واقع شده، ولی تعدادی از پژوهندگان عرب به آن پرداخته‌اند، که نمونه آن‌ها در کتاب‌نامه روشن می‌شود.

اما در مورد مدعیانی که کمی قبل و بعد از انقلاب بروز کرده‌اند پژوهشی در زمینه گرایش‌های احتمالی مردم به آنان صورت پذیرفته است (مگر در تحقیقات، مقالات یا متون درسی مراکزی مانند مرکز تخصصی مهدویت، آینده روشن و...). همچنین در بخش‌هایی از کتاب‌هایی که در متن مورد استفاده واقع شده است، به شکل پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند؛ لذا می‌توان گفت: در موضوع خاص این پایان نامه، تحقیقی جامع انجام نشده است.

فصل دوم:

**تاریخچه کوتاه مدعیان مهدویت
و نیابت در دو قرن اخیر**

۱. در ایران

شیخیه، بابیه، بهاییه^۱

شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶ - ۱۲۴۱ ق) در احسا متولد شد، با طیّ تحصیلات اولیه، در سال ۱۱۸۶ به کربلا رفت و از دروس بزرگانی همچون صاحب ریاض و سید بحر العلوم بهره گرفت. او از برخی علوم طبیعی و تجربی نیز آگاهی داشت. در ۱۲۰۹ به زادگاهش باز گشت. در ۱۲۲۱، به خراسان و سپس یزد رفت و شهرت فراوانی کسب کرد. پس از آن به دربار فتحعلی شاه قاجار دعوت شد و مورد احترام فراوان قرار گرفت. پس از مدتی به قزوین رفت و محبوب مردم و علما بود، تا آن که با طرح عقاید خاصّ خود در زمینه معاد و انجام مناظره علمی، توسط ملا محمد تقی برغانی (شهید ثالث) و عده‌ای دیگر تکفیر شد. شیخ احمد سرانجام در ۲۱ ذی‌قعدة ۱۲۴۱ درگذشت و در بقیع دفن شد.

۱. «هزق و مذاهب کلامی»، ص ۳۳۸ - ۳۵۲ با تلخیص و تصرف.

پس از او شاگردش سید کاظم رشتی (۱۲۰۳ - ۱۲۵۶ق) به عنوان شیعه کامل و واسطه فیض، جانشین وی شد و حوزه درسی‌اش را ادامه داد. وی آثار و کتاب‌های شیخ احمد را احیا کرد و در برخی از آن‌ها به غلو در مورد ائمه پرداخت. پس از مرگ او حاج محمد کریم خان کرمانی (۱۲۲۵ - ۱۲۸۸ق) فرزند ظهیر الدوله: داماد فتحعلی شاه، از مدعیان جانشینی او بود و در نشر عقاید احساسی و ترویج شیخی‌گری کوشید و آثاری ارائه کرد. رقیب او علی محمد شیرازی [معروف به باب] است که با کمک برخی از یارانش و نقشه‌ای خاص، ابتدا مدعی جانشینی سید کاظم و سپس مدعی بابیت و مهدویت شد، ولی حاج محمد کریم خان در رد او کتاب نوشت.

پس از مرگ حاج محمد کریم خان، طبق وصیت او، پسرش حاج محمد خان بیش‌تر مورد توجه واقع شد. از آن پس بر اثر نارضایتی گروهی از شیخیه در نوع جانشینی و ریاست و بر اثر اختلافات دیگر، انشعاب‌هایی انجام شد که از ذکر آن صرف‌نظر می‌کنیم.

مهم این نکته است که بر اساس عقاید پیروان شیخی مسلک، شیخ احمد و دیگر رهبران شیخی، دارای مقام شیعه کامل، یا رکن رابع، یا حتی به عبارتی: نیابت خاص هستند؛^۱ مانند دیگر غالیان در مورد پیشوایان دینی، غلو کرده‌اند.^۲ و نیز همچون: صوفیه در کلمات رمز گونه و شطحیات،^۳ با استناد قرار دادن خواب و رؤیا و به اصطلاح کشف و شهود، عقاید نادرستی را ابداع کرده‌اند.

۱. شیخی‌گری و بابی‌گری / ۷۳ و ۷۵ و قصص العلماء / ۴۴ و ۵۰.

۲. روضات الجنات، الخوانساری / ۲۸۵ - ۲۸۷.

۳. اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۲، ص ۵۸۹ - ۵۹۰.

علی محمد باب که از شاگردان درس شیخیه بود، اندکی از تحصیلات ابتدایی را در شیراز گذراند و سالیانی در بوشهر اقامت داشت. از همان آغاز، به کارهای غیر متعارف، همچون: ریاضت‌های غیر شرعی، و ذکر اوراد و طلسمات می‌پرداخت. سپس رهسپار عراق و حجاز شد و در کربلا از شاگردان سید کاظم رشتی و مریدان خاص او شد. پس از مرگ سید کاظم رشتی، طبق برخی اسناد، مانند خاطرات کینیازدالگورکی (سفیر روس)، تحت تأثیر تطمیع بیگانگان، ادعای نیابت را مطرح کرد. وی و یارانش در ایران آشوب‌های فراوان راه انداختند. پس از مدتی ادعای مهدویت و حتی نبوت و الوهیت و خدا آفرینی کرد؛ اما بر اثر فشار علماء و مردم متدین بازداشت و زندانی شد. یک بار نیز توبه کرد ولی به دلیل ادامه ادعاها و پافشاری بر آنها در جلسات مناظره علماء، به دستور امیر کبیر در تبریز اعدام شد. وی کتاب‌هایی به عنوان وحی نوشته است که *بیان فارسی و بیان عربی* از آن جمله هستند. پس از اعدام، براساس وصایایش، میرزا یحیی صبح ازل، جانشین او شد، اما میرزا حسینعلی (۱۲۳۳ - ۱۳۱۰ ق) برادر بزرگ‌تر وی پس از چندین سال تبعیت از صبح ازل او را منزوی، و خود را جانشین (و مظهر الهی وعده داده شده توسط باب) معرفی و مسلک جدید بهائیت را تأسیس کرد. وی با آن که متهم به شرکت در ترور نافرجام ناصرالدین شاه و آشوب‌های بابیه بود، با حمایت استعمارگران به آسانی از ایران خارج شد و بعدها بر اثر بد رفتاری متقابل او و برادرش، وی را به عکاء تبعید کردند؛ لذا فلسطین اشغالی مأوا و مرکز بهاییان تا کنون است.

پس از مرگ وی عباس افندی برادر بزرگ‌ترش بر اساس وصیت

جانشین او شد و لقب عبدالبهاء گرفت. وی سفرهایی به اروپا و امریکا داشت و فرقه بهائیت را از لحاظ محتوایی و سیاسی گسترش داده، از طرف انگلستان به دلیل خدماتش در اشغال فلسطین، لقب «سِر» گرفت (۱۹۱۴م). پس از او شوقی افندی (نوه دختری حسینعلی بهاء) تا ۱۹۵۷ ریاست کرد و بر خلاف وعده عبدالبهاء به آمدن ۲۴ ولیّ امر و وصیّ الهی در به اصطلاح «دین بهایی»، رهبری به یک شورای ۹ نفره به نام بیت‌العدل در اسرائیل محول شد. حسینعلی بها نیز با ادعای موعود بودن و نیز نبوت و الوهیت، کتاب‌های به اصطلاح وحیانی به نام *قدس* و *ایقان* دارد و احکام و عقاید خاص خود را که ناسخ اسلام است، در آن‌ها آورده است. اکنون نیز این فرقه ضاله در ایران و برخی مناطق دیگر فعالیت دارد.

فعالیت غیر قانونی

در دهه‌های اخیر نیز مدعیان و گروه‌هایی خاص بروز کردند، از جمله گروه‌های مهم آن، جریان ع . ی. است که به نوعی ادعای مستجاب‌الدعوه بودن و وساطت فیض در زمان غیبت را دارد و با شیوه تفسیر قرآن و نیز به اصطلاح عارف‌پروری کار کرده است. جریان نام‌بردار به سید حسن الف. نیز تقریباً با همان جریان به اصطلاح عارف‌پروری، ادعای ارتباط خاص با امام زمان در زمان غیبت را عنوان کرده است. نمونه دیگر: جریان کاظمینی بروجردی است که مدعی زمینه‌سازی خاص ظهور، تطبیق علائم ظهور با حوادث مربوط به خانواده خود و به نوعی نیابت از امام یا ائمه بوده است. تفصیل مطالب در این مورد و نیز مدعیان دیگر خواهد آمد.

۲. در هند و پاکستان

غلام احمد قادیانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۶ ق) در قادیان (ایالت پنجاب هند) متولد شد. وی نیز علایق صوفیانه داشته؛ اهل ریاضت‌کشی‌های غیر شرعی و از ابتدا به تشنجات عصبی مبتلا بود. او در پنجاه سالگی ادعای خواب‌نما شدن و مورد الهام قرار گرفتن کرد و بر اثر سابقه نیکویش در مناظره‌های علمی با مسیحیان و دیگر افراد غیر مسلمان، مورد توجه مردم قرار گرفت. وی با طیّ چند مرحله، ادعای مهدویت و رجعت مسیح، مورد وحی قرار گرفتن، مظهر پیامبر اسلام بودن و سرانجام نبوت و آوردن شریعت جدید را مطرح و به نوعی خود را مظهر مسیح و حضرت محمد و نیز جلوه‌ای از کریشنای هندوان معرفی کرد. او تألیفات متعددی اعم از کتاب و مجله داشت. پس از مرگ غلام احمد نیز انشعاب‌هایی واقع شد. البته گروهی از پیروان قادیانیه غلام احمد را فقط، مجدد دین اسلام و نه نبی مستقل، می‌دانند. پس از این ادعاها، وی مورد حمایت استعمارگران قرار گرفت و مانند برخی مدعیان دیگر، جهاد اسلامی را منسوخ اعلان کرده، به حمایت از استعمار پرداخت. تفصیل مطالب و منابع آن در جای خود خواهد آمد.

۳. در سودان

محمد احمد سودانی در جزیره، نبت در ۱۸۴۸ م. متولد شد. وی پس از طیّ دوران مدرسه و طرد شدن توسط اقوام خود، مانند سایر مدعیان، وارد جریان‌های صوفی مسلک شد که در سودان شهرت داشتند. او با زیرکی و قدرت بیان، پس از مدتی مردم را به بازگشت به اسلام اصیل و مبارزه با

ظلم فراخواند. سپس بر اساس آمادگی مردم سودان برای ظهور مهدی موعود، تدریجاً خود را مهدی موعود خواند و با فراهم ساختن ارتشی از پیروان و یاران خود به تدریج خارطوم را تصرف کرد و حکومتی مقتدر تشکیل داد. وی نیز مورد بهره، برداری سیاسی استعمار انگلستان در تفرقه افکنی بین مسلمانان و تخریب آموزه مهدویت واقع شد. پس از مرگش در سال ۱۸۸۵ م بر اساس وصیت او خلیفه‌هایش حکومت کردند و تا مدتی حکومت مهدیون در آنجا برقرار بود. تفصیل مطالب و منابع آن در بخش سودانی خواهد آمد.

بخش دوم:

زمینه‌های گرایش مردم به مدعیان شیخیه

فصل اول:

خصوصیات مدعیان و تاریخچه آنان

همان گونه که خواهد آمد بیش تر ادعاهای مورد نظر ما مربوط به شیخیه کرمانیه است؛ لذا در این جا تنها نامی از شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی، رهبر اول و دوم شیخیه می آوریم.

شیخ احمد احسائی (مؤسس فرقه شیخیه): که در حد لازم به تاریخچه زندگی وی، در بخش قبل پرداختیم.

سید کاظم رشتی: وی نیز هر چند مطالب غلو آمیزی در تبیین شرح زیارت جامعه کبیره شیخ احمد احسائی و نیز خطبة التطنجیه (منسوب به امیرالمومنین علیه السلام) می آورد؛ در بحث خاص «نیابت مهدویت» مطالب صریح مکتوبی ندارد. اگر چه از بین کلمات وی بحث رکن رابع و نیابت و تعیین زمان خاص برای ظهور، استفاده می شود.

حاج محمد کریم خان کرمانی^۱

وی در ۱۸ محرم ۱۲۲۵ ق/ ۱۸۰۹ م. در کرمان متولد شد و در ۲۲

۱. مکتب شیخی از حکمت الهی تیسعی / ۴۹ و ۵۰.

شعبان ۱۲۲۸ ق. در راه کربلا وفات یافت. او تألیفاتی فراوان داشت و از بسیاری علوم مذهبی زمان خود، آگاه بود. وی از ابتدا در ۱۷ سالگی از عقاید احمد احسائی مطلع شد و به گفته خویش در شرح احوالش، مادرش قبل از تولد او خواب‌های مرموز معنادار دیده است. خود نیز گفته که: پس از رؤیت امام جواد در خواب، متوجه کشف اشیای پنهان و دارای بینش و بصیرت شدم و تمام علم من نتیجه دید باطنی، و بصیرت من مأخوذ از اصول و حکمت ائمه هدی است که راهنمای تحقیقات معنوی هستند و لا غیر.

پدر وی، ابراهیم خان، پسر عموی فتحعلی شاه قاجار و حاکم کرمان و بلوچستان بوده است؛ لذا ابراهیم خان، مکان و مدرسه و کتابخانه‌ای خوب برای پسرش سامان داده تا او فارغ از هر هم و غم، تحت تعلیم استادان قرار گیرد.

برخی از آثار وی

- فصل الخطاب (مجموعه اخبار)؛
- طریق النجاة «علم طریقت»؛
- ارشاد العوام (بحث‌های عقیدتی مهم).

حاج محمد خان کرمانی^۱

وی در ۱۹ محرم ۱۲۶۳ متولد شد و در ۲۰ محرم ۱۳۲۴ / ۱۶۰۶ م. وفات یافت. او تمام تعلیم و تربیت خود را وامدار پدرش حاج محمد کریم خان است. [بر اساس آثار رسیده] حالت سخاوت به مردم داشت. بر اثر برخی

۱. هنری کرین «مکتب شیخی»، ص ۵۹ - ۶۴

ناملایمات با خانواده‌اش به تهران می‌رود ولی در راه، گروهی از بزرگان حکومتی از جمله شاهزاده رکن‌الدوله به وی می‌رسند و پس از عذرخواهی از او می‌خواهند به کرمان باز گردد. وی نیز پذیرفته، راهی آن دیار می‌گردد.

برخی از آثار او

- کتاب المبین (اخبار ائمه اطهار)؛

- هدایة المستر شد؛

- وسیله النجاة؛

- نتایج الحکمة.

ملاحسین بشرویه

ملا حسین بشرویه یکی از شاگردان سید کاظم رشتی و از یاران اصلی باب (علی محمد شیرازی) و به همین دلیل مورد حمایت بابیه و بهاییه است. ظاهراً با سخنان فریبکارانه مردم را به علی محمد باب دعوت می‌کرد و از آموزه‌های سید کاظم رشتی بهره‌های فراوان می‌برد؛ لذا تاریخ نبیل زرندی - از آثار معتبر بهاییان - چنین می‌نویسد:

«جناب ملا حسین بشرویه بعد از ایام سوگواری، عده‌ای از شاگردان مخلص سید مرحوم را نزد خویش فرا خوانده، از آن‌ها پرسید: «استاد بزرگوار ما، در اواخر ایام چه وصیتی فرمود؟» در جواب گفتند: استاد بزرگوار تأکید فراوان فرمود و چندین بار تکرار کردند که بعد از وفاتش ترک منزل و خان و مان گوئیم... به جست‌جوی حضرت موعود بپردازیم... می‌فرمود: «ظهور موعود نزدیک است؛ خود را آماده کنید.» حتی افزود: حضرت موعود آشکارا، بین شماست. میان شما و آن بزرگوار، حجاب‌هایی مانع است. خداوند در

قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۱.
 جناب ملاحسین پس از شنیدن سخنان شاگردان سید مرحوم به آن‌ها
 فرمودند: پس چرا با وجود این همه تأکیدها در کربلا مانده‌اید؟ گفتند: همه
 ما مقصریم... هر چه بفرمایی اطاعت می‌کنیم. حتی اگر خود را حضرت
 موعود معرفی کنی، بی‌درنگ ادعایت را می‌پذیریم. جناب ملاحسین فریاد
 برآورد، فرمودند: ما بنده استانییم. استغفرالله که من چنین ادعایی داشته
 باشم... اولین چیز واجب بر من و شما آن است که وصایای سید مرحوم را
 اجرا کنیم. همه اطاعت کردند^۲.

بر اساس این متون، حتی قبل از آن که ملاحسین ادعایی داشته باشد،
 پیروان سید کاظم، به دلیل جهالت و تعصب موعود بودن وی را مطرح می‌کنند.
 البته نوشتنی است که ملاحسین بشرویه بعدها لقب «باب الباب» گرفته،
 دومین شخصیت بابیه، و به نوعی از مدعیان بابیه نیز گردید؛ ولی ذکر وی
 در این جا به دلیل موقعیت خاص او در حوزه درس سید کاظم رشتی است.

ادعای مدعیان شیخیه

قبل از پرداختن به جزئیات ادعاها چند نمونه از قرائنی را که در مورد
 انحراف‌های عقیدتی وجود دارد ذکر می‌کنیم:

الف: در برخی موارد، شیخیه کتابی مستقل در مورد نیابت دارند، از جمله:
تکریم الاولیا^۳ که عبدالرضاخان (از سران شیخیه) در اثبات وجود نایب

۱. عنکبوت/۶۹

۲. نبیل زرنندی، تاریخ نبیل/۳۶ و ۳۷.

۳. از احساء تا کرمان/۳۶.

[خاص] امام زمان نگاشته است.

ب: سران شیخیه از تعابیر مربوط به عالم مثال، مثل هورقلیا برای بیان محل زندگی امام زمان، یا معاد وبرزخ استفاده کرده‌اند.

ج: عبدالرضاخان در رساله *علل اربعه و اصول دین* نوشته است: محمد و آل او اول خلق الله و علت سایر خلق هستند. ائمه علل غایی، فاعلی، مادی و صوری خلق‌اند.^۱

حاج زین‌الدین خان در *مجمع الرسائل*، شماره ۸، ص ۳۹ از قول شیخ احمد احسائی گفته است: سید [کاظم رشتی] از من علم را آموخته است و من خود از ائمه، مشافهتاً آموختم.^۲

این قراین و موارد دیگر نشان می‌دهد که ادعای ارتباط مستقیم و شفاهی با ائمه، و نیابت خاص در زمان غیبت کبری و غیر مادی بودن محل زندگی امام زمان، از آغاز نیز جزو معتقدات شیخیه بوده است.

برخی ادعاهای نقل شده برای شیخ احمد احسائی

۱. ارتباط شفاهی همیشگی با ائمه

«به تواتر در یزد معلوم است که شیخ جلیل [احسائی] فرمودند: بگیری از سید کاظم؛ چرا که او از من علم را مشافهتاً آموخته است و من از ائمه خود مشافهتاً آموختم».^۳

۱. همان/۴۷.

۲. همان/۴۹.

۳. هدایة الطالبین/ص ۷۳.

بدیهی است ادعای آموختن شفاهی از اهل بیت به معنای وجود رابطه ویژه با معصومین است که از سنخ پیوند عالمان با امام زمان در نیابت عامه نیست و اگر این ادعا را با ادعاهای دیگر [مثل عصمت سران شیخیه در گفتار و...] ضمیمه کنیم روشن‌تر می‌شود.

فرزند شیخ احمد می‌گوید: «...گرفتم تحقیقات خود را از ائمه هدی، در کلمات من خطایی نیست،... و هر کس از ایشان گرفت، خطا نمی‌کند...»^۱

باز از شیخ در مورد مأموریت یافتن وی از سوی خداوند و ائمه نقل می‌شود که گفته است:

«... شبی حضرت پیغمبر را در خواب دیدند که فرمود: باید بروی و علم خود را که ما به تو انعام کرده‌ایم در میان خلق آشکار کنی چرا که مذاهب باطل در عالم، شیوع گرفته است. چون بیدار شدند... متوسل به حضرت امیر شدند که این مسؤولیت را از عهده ایشان بردارند... [باز در قالب رؤیا] حضرت امیر هم فرمودند: باید بروی و فرمایش حضرت رسول را اجرا کنی... سرانجام به یکا یک امامان متوسل شدند. ولی همه آنان فرمودند: از فرمایش پیغمبر گریزی نیست، باید آنچه فرموده، عملی سازی...»^۲

همان گونه که در نتیجه تحقیقات میدانی این پژوهش روشن شده، از گذشته تا کنون ادعای دریافت مأموریت الهی در خواب و... عامل گرایش برخی مردم به مدعیان بوده است.

۱. اعترافات (۲) / ۳۱۴.

۲. همان / ۳۱۵.

[نقل قول یک نویسنده در مورد شیخ احمد]: این شیخ جلیل و مولای نبیل [احسائی] که او را به چشم می‌بینیم و جلالت او را مشاهده می‌کنیم، اگر بگوید: من امام را می‌بینم، قول ایشان را ترک کنیم و به آن سیاهی که روی سفید کشیده شده است [یعنی روایات ائمه در نفی رؤیت] ایمان بیاوریم؟^۱

در این گفتار ترجیح دادن ظاهر افراد بر ادله روایی و احادیث مکتوب، آشکار است. اطمینان به ظاهر افراد در پژوهش میدانی نیز مورد توجه قرار گرفته است و جالب آن که، سخنان مذکور بنابر نقل صاحب کتاب، توسط فردی دانشمند ارائه شده است. این مطلب نشان می‌دهد که صرف علم [بدون هوشیاری و دقت کامل] نمی‌تواند انسان را از گرایش به افراد مدعی دور بدارد. چنان که این نتیجه در آمار میدانی مربوط به دارندگان تحصیلات بالا روشن می‌شود.

صاحب *هدایة الطالبین*... از عالمان نقل می‌کند: «... می‌فرمودند که: اگر بعد از پیغمبر ﷺ جایز بود آمدن پیغمبری، و جناب شیخ احمد، ادعای نبوت می‌فرمودند، اول کسی که اقرار می‌فرمود، من بودم...»^۲

ادعای مقام خاص یا نیابت ویژه از سوی ائمه

در این جا به مواردی اشاره می‌کنیم که به شکل مکتوب، ادعای مقام خاص برای شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی شده است و این مقام مسلماً مقام نیابت عام نبوده است؛ زیرا این نوع نیابت، قبلاً نیز برای مردم روشن بود و به وظیفه خود در برابر آن عمل کرده‌اند، بلکه مقامی است که ابتدا

۱. *هدایة الطالبین* / ۴۷.

۲. همان / ۴۸.

شیخ و سید، آن را تحقق بخشیده‌اند و احتمالاً از آن پس [در فرقه شیخیه] دوام می‌یابد.

– «... دانستید که امام شما یعنی امام مهدی به جهت مصلحت از نظرها مخفی است، پس: بدانید که خدا در زمان غیبت امام، باز مردم را بی‌حاکم نمی‌گذارد... و اول ظاهر شدن امر این رکن، که رکن چهارم دین است به واسطه شیخ احمد پسر شیخ احمد پسر شیخ زین‌الدین احسائی بود اعلی الله مقامه و رفع فی الخلد اعلامه. پس: آن بزرگوار به حول و قوه خدا این رکن را اظهار کرد و بعد از آن بزرگوار، ظاهر کننده امر، جناب سید کاظم پسر سید قاسم رشتی اجل الله شأنه [است]... پس این دو بزرگوار به حول و قوه خداوند احکام دین را از فروع و اصول در همه عالم پهن کردند... و بندگان به واسطه این دو بزرگوار آزمایش شدند... و هر کس قبول نکرد گمراه شد... و باید دانست که خداوند بعد از ایشان باز زمین را خالی نگذاشته و نخواهد گذاشت [مخالفان سید و شیخ] هم ناصب و کافر و منکر بدیهی مذهب شیعه شده و کافی است آنچه در این فصل ذکر شد از معرفت رکن چهارم دین. خامس شهر ذی حجه، من سنة ۱۲۶۰»^۱

این مطالب نشان می‌دهد که مقام رابع، توسط شیخیه ابداع و در یک درسنامه رسمی کودکان (هدایة الصبیان) بیان شده است. و منظور، مقام خاص مافوق علما و در حد حجت‌ها و واسطه‌های فیض الهی است؛ اما آنچه مربوط به بحث ما است این که ترفند ادعای وجود همراهان خاص امام و لزوم حجت الهی و حاملان علم معصومین، شیوه‌ای است که باعث جذب

۱. کریم بن ابراهیم، هدایة الصبیان، کرمان، ۱۳۷۹؛ نقل از: (اعترافات ۲) / ۳۵۶ - ۳۵۸.

مردم به آن‌ها شده است. و دقیقاً همین عامل را در گرایش به مدعیان دهه‌های اخیر مشاهده می‌کنیم.

ادعای وجود نیابت خاص

حاج محمد کریم خان در *مجمع الرسائل* نگاشته است:

«چنین شیخی در ملک خدا که هست، نایب خاصّ اسلام، و بر همه کس تسلیم امر او فرض است... نایب خاص، مسلم یک نفر است، حال ما اصطلاح کردیم اسم او را ناطق گذاریم... و اما در ظاهر میان علماء هم بسا می‌گوییم ناطق یکی است. و مراد: این است که حامل علم [احمد احسائی] مرحوم اعلی الله مقامه یکی است... نایب خاصّ امام یک نفر است، و در سلسله ما (حامل علم شیخ) هم یک نفر است»^۱.

این عبارات نشان می‌دهد که منظور از ناطق و رکن رابع، عالمان و مجتهدان نیستند؛ بلکه همان نایب خاصّ و مصطلح است که در موارد دیگر اشاره می‌شود که شیخ احمد، معارف را به صورت مستقیم از ائمه، می‌گیرد و دیگران (حامل علم او) از شیخ می‌گیرند، معلوم می‌شود ادعای نیابت خاصّ توسط شیخیه، امری است انکار ناپذیر.

زمینه‌های ادعای بابیت و مهدویت

برخی از کلمات رهبران شیخیه گرچه صراحت در ادعای امامت یا مهدویت ندارد، به دلیل وجود مفهوم حلول و اتحاد، زمینه‌های آن ادعا برای خود یا دیگران را فراهم می‌کند. از جمله: شیخ احمد احسائی می‌گوید:

۱. *مجمع الرسائل فارسی* / ۲۳۴؛ به نقل از: بهایان، نجفی، سید محمد باقر.

«امام غایب هم دارای دو جنبه است: جنبه حقیقت و جنبه صورت و حجاب است؛ از این رو هر کس به مقام «شیخی کامل» برسد می‌تواند قابلیت آن را داشته باشد که جسمش محل حلول حقیقت و روح امام غایب باشد، یا به کلام دیگر: می‌تواند این شیعی شیخی کامل جنبه حجاب و صورت امام غایب به خود بگیرد»^۱

این نوع ادعا، اگر به بحث رکن رابع و شیعه کامل - که توسط رهبران بعدی همچون: سید کاظم و حاج محمد کریم خان کریم توسعه داده شد - ضمیمه شود، کاملاً زمینه فرهنگی و اجتماعی ادعای بابیت یا مهدویت را لااقل در حوزه درسی شیخیه، فراهم کرده، دیگر دست کم، آن ادعاها در چنین فضایی، غریب و نامأنوس جلوه نخواهد کرد و زمینه پذیرش مردم را بیش‌تر فراهم خواهد ساخت.

برخی از عقاید شیخیه کرمانیه در فروع دین^۲

۱. ۳۰ روز بودن ماه‌های رمضان در تمام سال‌ها؛

۲. تحریف قرآن؛

۳. لزوم اطاعت از طاغوت‌ها و سقوط حدود و امر به معروف و نهی از

منکر، که این اعتقاد کاملاً مورد سوءاستفاده دشمنان قرار می‌گیرد.

۱. تاریخ جامع بهائیت/۳۵.

۲. از احساء تا کرمان/۲۷ و ۲۸ و رساله‌ی سی فصل/فصل ۲۲۷.

فصل دوم:

زمینه‌های گرایش مردم

قبل از وارسیدن اصل مطالب، پرداختن به مقدمه‌ای لازم، ضرورت دارد: فرهنگ و اعتقادات، مانند رودخانه‌روان مردم را فرا می‌گیرد؛ لذا همواره پیشینه‌اعتقادی و فرهنگی ملت ما، در رفتار مذهبی آن‌ها در آینده، مؤثر است. جریان شیخیه نیز از نظر آموزه‌ها و نیز سایر نظریات با صوفیه و اسماعیلیه - که از شیخیه ریشه دارترند - روابط پنهان داشته است؛ لذا در این قسمت به رگه‌های مشترک عقیدتی آن‌ها می‌پردازیم:

رگه‌های مشترک اعتقادی شیخیه، صوفیه و اسماعیلیه:^۱

۱. خود را از دیگر فرقه‌ها جدا می‌دانند و مماشات ندارند.
۲. هر سه گروه، باب تأویل را باز می‌کنند.
۳. به علوم غریبه توجه خاص دارند.
۴. هر سه مکتب، رهبری خاص (رکن، رابع، قطب) را در هر زمان پذیرفته‌اند.

۵. هر سه مسلک برای رهبر وقت خود، ولایت کامل قائلند.

۱. / از احساء تا کرمان / ۱۳۹ و ۱۴۰ (درباره عقاید و آداب مراسم مذهبی شیخیه).

۶. هر سه گروه از فلسفه و تعابیر آن بهره‌می‌جویند.
 ۷. جانشینی به اولاد ارشد آن‌ها می‌رسد.
 ۸. هر سه گروه، مدعی وحی، الهام، و علم لدنی برای پیشوایان خود هستند.
 ۹. همه رهبران آن‌ها در اندک مدتی از ثروتمندان معروف شدند.
 ۱۰. با آن‌که تسلط کامل به علوم عربی ندارند، مدعی هستند، که اگر وارد آن شوند، بسیار ماهرند.
 ۱۱. هر گروه، جایگاه مذهبی خاص را ویژه رهبر گروه خود می‌دانند.
- پس از ذکر این مقدمه، زمینه‌های گرایش را در چند قسمت بیان می‌کنیم:

۱. زمینه‌های فکری جامعه دیندار ایرانی

همان‌گونه که در مقدمه آمد، عقاید صوفیه و اسماعیلیه شباهت زیادی با معتقدات شیخیه دارد و جریان تصوف نیز از مدت‌ها قبل در ایران گسترش داشته، برخی از مناطق ایران تحت تأثیر عقاید اسماعیلیه بوده است. این فضای فکری و فرهنگی می‌تواند پذیرای افکار خاص بوده، که ظاهراً با آموزه‌های مربوط به مهدویت و نیابت، همراه شده به قانع کردن مردم کم اطلاع یا غافل کمک کند.

۲. زمینه‌های قومی، نژادی و سیاسی و اجتماعی

همان‌گونه که در تاریخچه شیخیه کرمانیه مشهود است وابستگی به دربار قاجار، نوعی منافع دو سویه را ایجاد می‌کند که این خود باعث می‌شود حکومت از تبلیغ و ترویج عقاید شیخیه کرمانیه حمایت کند. نشانه این سخن آن است که از شیخیه آذربایجان - که انشعاب دیگری از شیخیه

است، این وابستگی‌ها وجود نداشت و از طرفی عقاید ملایم تری وجود دارد - حمایت خاصی نشده است و حتی یکی از رهبران آن [میرزا موسی ثقة‌الاسلام] در سال ۱۳۳۰ به جرم مشروطه خواهی و مبارزه با روس‌های تزاری در تبریز به دار آویخته شد. از سوی دیگر عقاید خاص کرمانیه در نفی جهاد و امر به معروف و نهی از منکر باعث ساختن چهره مسالمت آمیز از آنان می‌شود و احتمال درگیری طاغوت و استعمار با آن‌ها را به حداقل می‌رساند؛ ولی این حالت در گروه‌های دیگر شیخیه دیده نمی‌شود؛ لذا این آموزه‌ها هم برای پیروانی که به دنبال آسایش و رفاه و گریز از مسؤولیت‌های اجتماعی دین بودند، جاذبه داشت و هم باعث جذب کمک‌های بیش‌تری از سوی حکومت به نفع آن‌ها می‌شد.

بنابراین اگر چه هر دو گروه آذربایجانی و کرمانیه، ریشه در عقاید انحرافی سید کاظم رشتی و شیخ احمد احسائی دارند، مجموعه عوامل فوق باعث می‌شود، به رغم مخالفت و دشمنی ظاهری کرمانیه با جریان بابیه، عملاً مدعیان بابیه و پیروان نسبتاً فراوان آن، از دست‌مایه عقاید و فضای شیخیه کرمانیه برای ادعای نیابت استفاده کنند، هر چند علی محمد باب و حاج محمد کریم خان کرمانی، همزمان بوده باشند.

۳. متون دینی ضعیف یا تحلیل نشده

گفته شد که شکل و نوع زندگی امام زمان از جمله محورهای خاص عقیدتی شیخیه است. از طرفی گاهی حتی امام زمان را غیر از امام دوازدهم

خوانده‌اند و حضرتش را همان رکن رابع دانسته‌اند؛^۱ لذا این ابهام در شخصیت و ویژگی‌های امام زمان نزد شیخیه علاوه بر آن که خود زمینه ساز پیدایی بابیه و ادعاهای متعدد و متفاوت علی محمد باب و پذیرش پیروانش می‌شد، از سوی دیگر باعث می‌گشت پیروان و گروندگان به شیخیه دیگر لزوماً منتظر شخصیت حقیقی موعود اسلام نباشند و به اصطلاح آماده پذیرش تجلی یا مظهر او در افراد دیگر باشند، به عبارت دیگر: مجموع عقاید فوق باعث می‌شد، مردم احساس کنند، نیاز به واسطه فیضی هست که بین امام و امت قرار گیرد و مردم را به امامی که دور از دست است برساند و این همان رکن رابع یا شیعه کامل است. به همین دلیل بود که وقتی علی محمد باب ادعای بابیت کرد، گروهی از شاگردان شیخی مسلک به وی پیوستند و اعتراض نکردند، و حتی نپرسیدند: منظور از بابیت چیست؛ چون منظور از باب در واقع همان رکن رابع بود^۲ که اکنون اندکی صریح تر مطرح شده بود.

محل و شکل زندگی امام زمان همراه با نظریات مختلف مطرح شده است، بحث جزیره خضرا و روایات مربوط و پیوند داده شدن آن با جزیره مذکور - که هم اکنون در رد اثبات آن مطالبی نوشته می‌شود - از نشانه‌های اختلاف در این بحث است. همچنین در مورد چگونگی حضور امام زمان در جامعه و نحوه رسیدگی ایشان به امور، تردیدهایی در حضور جسمی یا روحی ایشان وجود داشته است. این ابهام‌ها می‌توانسته زمینه استفاده مدعیان

۱. هدایة المسترشدين / ۱۹۶ - ۲۰۲؛ به نقل از: شیخی گری، بابی گری / ۵۶ و ۵۳.

۲. شیخی گری، بابی گری / ۶۹ و مقدمه نقطة الکاف / ۲۷ - ۳۰.

شیخیه و به کرسی نشاندن نظریه‌شان در این موارد را فراهم کند. علاوه بر آن که همواره انسان بر اساس نگاه مادی و محدود خود، متمایل است که در مورد خداوند و نیز در کُلّ امور غیبی به شکل محسوس دسترس داشته باشد؛ لذا پیروان حضرت موسی به وی گفتند: همانند بت پرستان، خدای ملموس و مادی برای ما قرار بده.^۱ در بحث مورد نظر ما وجود فردی خاص که واسطه ویژه امام باشد و حتی طبق برخی تعبیرات شیخیه، مظهر امام و در واقع محلّ حلول و تجلی وی باشد می‌توانست گروندگان به شیخیه را قانع کند و بحث را برای آنان ملموس جلوه دهد.

۴. سوء استفاده از متون ضعیف یا جعلی

یک نمونه از اخباری که مورد استناد شیخیه واقع شده، خبر مجدّد است، متن حدیث چنین است:

«عن رسول الله قال ان الله يبعث لهذه الامه على راس كل مئة سنة من يجدد بها دينها؛ ترجمه: خداوند برای این امت در هر صد سال کسی را می‌فرستد که دین را به واسطه او تازه کند.

برخی از شیخی‌ها گفته‌اند: شیخ احمد احسائی، مجدّد است.

این خبر در سنن ابی داوود، نقل شده است^۲، ولی عده‌ای آن را جعلی می‌دانند: از جمله: صاحب کتاب بازرگان حدیث (ابوهریره)، این خبر را از مطالب جعلی ابوهریره می‌شمارد.

۱. «جُعِلَ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمُ إِلَهَةٌ»، اعراف / ۱۳۸.

۲. سنن ابی داوود، کتاب الملاحم، ج ۴، دارالکتب العربی، لبنان، با حاشیه عون المعبودین، ص ۷۸ و ۱۸۷.

استاد شهید مطهری در ده گفتار (میرزای شیرازی) آن را رد می‌کنند.

۵. نقش بیگانگان و استعمار

هر چند نقش آشکار استعمار در جریان بایه بیش‌تر روشن می‌شود [چنان که در خاطرات کینیاژ دالگورکی روسی آمده است]^۱ در مورد برخی سران شیخیه نیز ابهام‌هایی وجود دارد. از جمله در مورد سید کاظم رشتی که بر اساس گزارش مورخان شیخیه، اجدادش اهل حجاز بوده‌اند و به دلیل بیماری طاعون، به رشت در شمال ایران کوچ کرده‌اند، و سید کاظم در همان شهر به دنیا آمده است. ولی عده‌ای هویت خانوادگی او را زیر سؤال برده‌اند و وی را جاسوس روس معرفی کرد گفته‌اند: مخفیانه از طرف روس برای ایجاد فتنه در بلاد عثمانی فرستاده شد و اصلاً مسلمان نبود. وی اهل قیس (شهری در ولادستوک) بود و بعداً اسمش را «کاظم» گذاشت و ادعا کرد اهل رشت است.^۲

البته بی‌اعتمادی علمای عصر وی به عقاید انحرافی‌اش را می‌توان بر ابهام شخصیتش ضمیمه کرد.^۳

به هر حال، حتی اگر مطالب مذکور را هم نادیده بگیریم، مسایل دیگری نیز وجود دارد؛ مثل حمله دوم به کربلا توسط عثمانی‌ها (پس از حمله اول

۱. خاطرات سیاسی کینیاژ دالگورکی در ایران.

۲. شیخ محمد خالص، *الاعتصام بحبل الله* / ۸؛ به نقل از: فرقه شناسی، بخشی یکم، جزوه درس کارشناس ارشد فرق و مذاهب، عزالدین رضا نژاد، دفتر تدوین متون دری مرکز جهانی علوم اسلامی، ص ۹۵.

۳. *عیان الشیعه*، ج ۲، ص ۵۹۰ «الطائفة الشیخیة فی هذا الزمان معروفة... و اکثر الفساد نشأ من احد تلامذته السید کاظم الرشتی».

در زمان شیخ احمد احسائی و فرار او به مکه) و در امان ماندن خانه سید کاظم، با وجود گلوله باران شدن حرم امام حسین و حضرت ابوالفضل،^۱ که نشانه نوعی احترام سید کاظم نزد عثمانی‌ها است و می‌توانست خود عامل تفرقه‌ای درون شیعه و گسترش تنش بین فرقه‌های اسلامی بوده، در نتیجه سرکوب عوامل حکومت شیعی ایران را در پی داشته باشد.^۲ حوادث دیگر نیز نشان می‌دهد تفرقه بین گروه‌های کشورهای مسلمان آرزوی استعمار بوده است و فعال شدن جریان وهابیت در همان سال‌ها که عاملان حمله اول در زمان شیخ احمد احسائی به کربلا هستند، این را نشان می‌دهد و بعید نیست این حمایت‌ها، از جمله حمایت از شیخیه هر چند پنهانی انجام شده باشد باعث تقویت موضع اجتماعی و سیاسی آن‌ها می‌شد و این قدرت و اقتدار، زمینه ساز فریب و جذب مردم می‌گردید.

۱. هدایة الطالبین ۱۵۸ - ۱۶۰.

۲. روضة الصفای ناصری، ج ۱۰، ص ۲۵۶.

بخش سوم:

مدعیان بایه و بهایه

ذکر مدعیان و تاریخچه آنان

بابیه (علی محمد باب و پیروانش)

علی محمد شیرازی در اول محرم ۱۲۳۵ ق در شیراز متولد شد و پس از وفات پدر، تحت کفالت دایی خود قرار گرفت. وی تعلیمات ابتدایی را نزد شیخ عابد از شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی آموخت. وی فردی گوشه گیر بوده و بر اثر دعا نویسی و ریاضت‌هایی؛ مثل رفتن روی پشت بام و ورد خوانی در هوای گرم بوشهر،... مردم او را به نام سید ذکر^۱ می‌خواندند. همچنین عده‌ای او را خورشیدپرست و برخی نیز پریشان‌گو و دچار اختلال می‌دانستند.

او سپس به کربلا رفت و در درس سید کاظم رشتی حاضر شد. چون سید کاظم به نزدیک بودن ظهور وعده می‌داد و برای پس از مرگ خود رهبر شیخیه را تعیین نکرد، در سال ۱۳۶۰ علی محمد با یاری ملا حسین بشرویه، مدعی

۱. بهاییان؛ به نقل از: هشت بهشت/ ۲۷۶ و روضة الصفاى ناصرى.

جانشینی سید کاظم رشتی شد. او پس از مدتی، ادعا کرد نایب خاص و باب امام زمان است و ۱۸ نفر اول را که به او گرویدند حروف حی خواند.^۱ این ادعاها و مطالب، باعث آشوب در بین مردم شد. برخی از کتاب‌های بابی و بهایی دلالت بر آن دارد که علی محمد به مکه رشت و ملا حسین را به خراسان فرستاد، تا با سوء استفاده از احادیث مربوط به قیام خراسانی و نیز ظهور امام زمان از مکه، زمینه‌های ادعای مهدویت را آماده سازد، وی پس از بازگشت از مکه، اعلام کرد: من همان امامی هستم که هزار سال منتظر او هستید. به دستور والی فارس دستگیر و تنبیه گردید و در مسجد وکیل، حرف‌هایش را پس گرفته، محبوس شد. به دلیل روابطی که با حاکم گرجی اصفهان (معمدالدوله) داشت به آن شهر رفت و بعد از استقبالی گرم، مخفی شد. ولی روابط او با همراهانش ادامه داشت تا آن که مدعی شد: به پیامبری رسیده و کتاب بیان بر وی نازل شده است! در زمان حبس او، یارانش در نقاط مختلف همچون: مازندران، زنجان، نیریز فارس، بدشت و... آشوب‌ها بر پا کرده، گاهی با نام یاران امام زمان به مردم حمله و گاه نسخ اسلام را اعلام می‌کردند. پس از مناظره‌های علما با وی و جهل و غلط‌هایی بسیار که در علوم مختلف از خود نشان داد، دیگر بار زندانی شد. وی سرانجام بر اثر ادامه فتنه‌ها با تلاش‌های عالمان و امیرکبیر اعدام شد. البته توبه نامه‌ای از وی پس از ادعای باییت او باقی مانده که اکنون در مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

کلمات باب دارای اضطراب است؛ لذا خود را باب، ذکر، ذات حروف سبعة

(بر اساس هفت حرفی بودن نام خود) و گاهی قائم، مهدی، و نقطه نامید. بابیان و بهاییان می‌کوشند القا کنند که علی محمد، مانند پیامبران الهی، اُمّی بوده، درس نخوانده، یا به مدرسه نرفته است.^۱ و حتّی گفته شده که: او در مباحث عرفانی و طریقت - که ادعای پیمودن آن را دارد - پیر یا مرشدی نداشته و محتاج کسی نبوده است.^۲

با وجود این بر اساس مدارک، او به درس شیخ عابد، می‌رفته^۳ و صفحات مشق داشته است. حتّی خطاب به معلم خود در کتاب بیان عربی، به اصطلاح جمله‌ای نازل می‌کند که «یا محمد معلمی! فلا تضربنی قبل ان یقضی علی خمس سنة؛ مرا قبل از پایان ۵ سالگی نزن».^۴

مدعیان پس از علی محمد باب، و جریان بهائیت^۵

علی محمد باب پس از دعوت ۶ ساله، وصیتی نوشت که در آن میرزا یحیی صبح ازل را به جانشینی خود برگزید و پس از مرگ او در سال ۱۲۶۶ ق. رسماً، صبح ازل جانشین او شد. برادر صبح ازل، یعنی میرزا حسینعلی، ۱۸ سال رهبری وی را پذیرفت؛ ولی به تدریج بنای مخالفت با او را گذاشت. حسینعلی نوری، فرزند میرزا عباس نوری، متولد سال ۱۲۳۳ ق. در تهران است. وی تحصیلات

۱. فرهنگ فرق اسلامی/ ۸۹ و مفاوضات عبدالبهاء/ ۱۹ و ۵۲۰.

۲. نقطة الکاف/ ۱۰۹.

۳. پیام تسعه، مطلب ۳، فصل اول؛ ریحی محروم، اشراق خاوری ج ۲، ص ۱۰۴۵، کواکب الدریه، ج ۱، ص ۳۱.

۴. فاضل گلپایگانی، کشف الغطاء/ ۵۶ - ۵۷.

۵. تلخیص جزوه فرقه شناسی (۳)، بهایی‌گری، استاد رضا نژاد، مرکز جهانی علوم اسلامی، همراه با اضافات.

ابتدایی را در زادبومش گذراند، شوهر خواهر او، منشی سفیر روس بود و از سوی دیگر خود به حلقه و لباس درویشان در آمد. در ۲۷ سالگی به ترویج بابیت پرداخت. پس از ترور نافر جام ناصرالدین شاه توسط بابیان در سال ۱۲۶۸، وی که از عوامل اصل ترور بود، بازداشت شد، ولی با کمک سفارت روس آزاد گردید و به بغداد رفت. سپس بر اثر بدرفتاری با دیگران به ترکیه تبعید شد و در همان دوران، ادعا کرد: من شخص موعود باب (یعنی من یظهره الله) هستم و یحیی صبح ازل باید از من پیروی کند. در این جا فرقه بهائیت شکل گرفت. بر اثر اختلافات این دو برادر، حسینعلی در ۱۲۸۵ به عکا در فلسطین اشغالی تبعید شد و صبح ازل به قبرس فرستاده شد و ازل و ازلیه فراموش شدند. حسینعلی پس از ادعای اول، ادعای مهدویت و رجعت حسینی و رجعت مسیحی و سرانجام تجسد خداوند در خود را نمود؛ البته وی در بغداد و اسلامبول و ادرنه و عکا، همواره در عبادات مسلمانان شرکت می کرد و ظاهراً اهل نماز و روزه بود. پس از مرگ او در سال ۱۸۹۲ م پسر ارشدش (عباس افندی) ملقب به عبدالبهاء بر اساس وصیت پدر، جانشین وی شد. و پس از او شوقی افندی آمد. در سال های اخیر نیز فردی به نام «جمشید معانی» در اندونزی خود را اسماء الله نامید و ادعای رهبری بهائیان را کرد. او هم جمله های عربی به شیوه عربی علی محمد باب دارد. شوقی افندی در تلگرامی در ۱۹۵۱ م. اسرائیل را به رسمیت شناخت.^۱ و همواره رابطه صهیونیسم و امریکا با بهائیان تاکنون دوستانه و همراه با منافع دو طرف بوده است.

۱. انشعاب در بهائیت / ۱۶۹.

مواردی از ادعای بابیت علی محمد شیرازی

– در بوشهر، قدوس را روانه کرد تا در اذان نماز بگویند «اشهد أن علیاً قبل نبیل باب بقیة الله: گواهی می‌دهم که علی قبل از محمد باب امام زمان است.^۱

توضیح: [علی قبل نبیل به حساب حروف ابجد=علی محمد]

– در احسن القصص می‌گوید: یا ایها الملاء! أنا باب امامکم المنتظر: ای مردم من باب امام زمان شما هستم.
– در احسن القصص خود را ذکر می‌داند، که امام زمان از جانب او به مردم پیام می‌رساند.^۲

مواردی از ادعای مهدویت و قائمیت

– در سال ۱۲۶۰، اعلان کرد که: انا القائم الذی کنتم به تنتظرون: من قائمی هستم که منتظر او بودید.^۳
انتی أنا القائم الحق الذی انتم بظهوره تُوعدون^۴: من قائم هستم که به ظهور او وعده داده شده
– در زمان تبعید به تبریز بدون هیچ هراسی در حضور ناصرالدین شاه که

۱. تلخیص تاریخ نبیل زرنندی/۱۲۷.

۲. رحیق مختوم، ج ۱، ص ۲۲ و اسرار الآثار، ج ۲، ص ۱۱.

۳. احسن القصص، خطی، ص ۱.

۴. نقطه‌ی اولی/۱۴۲ و کتاب ظهور الحق، فاضل مازندرانی، ص ۱۷۳.

۵. کتاب ظهور الحق/۱۷۱.

آن هنگام ولیّ عهد بود ادعای مهدویت کرد.^۱

- پس از رسیدن به تبریز صریحا ادعای قائمیت کرد، که عده‌ای در قبول آن مردد بودند ولی به هر حال پذیرفتند.^۲

- در زیارتی که برای امام حسین ساخته می‌گوید: شهدالله انه لا اله الا هو الذی أتى انه هو الموعود فی الکتب و الصحف و المذکور فی افئدة المقربین المخلصین.

در این جا خدا را موعودِ کتب و صُحف آسمانی معرفی می‌کند.^۳

ادعاهای مربوط به حسینعلی بهاء (موسس بهائیت) و رهبران بعدی

در موارد مختلف در منابع بهائیت، از سران خود به عنوان موعود الهی یاد کرده‌اند، که نمونه‌هایی از ادعاهای مزبور را می‌خوانیم:

الف: «... ظهور حضرت بهاءالله، ظهور موعود کُلّ ادیان و ملل است».^۴
 ب: «اگر حضرت بهاءالله شیخ حسن را منع نفرموده بودند با شدت اشتغال و کثرت انجذاب، ندای ظهور موعود را اعلان می‌نمود و بشارت رجعت حسینی را به مردم می‌داد».^۵ «عباس افندی در امریکا گفت: من عیسی هستم، و این نغمه را به گوش امریکاییان زد».^۶
 ج: در کتاب دلیل و ارشاد می‌گوید:

«مقصود از حضرت عیسی، بهاءالله است و این حدیث

۱. الکواکب الدریة، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲. تفسیر سوره کوثر ۸۸ و ۱۲۳ و بیان فارسی ۵۸.

۳. نقطة الکاف/ ۱۴۵.

۴. آهنگ بدیع، (ارگان رسمی بهاییان) سال ۵ شماره ۱۹ ص ۴۱۲، بیانات فروتن در مدرسه تابستانی.

۵. کشف الحیل، ج ۳، چاپ سوم ۱۲۷.

۶. تلخیص تاریخ نبیل زرندی، ص ۶۲۵ به نقل از: ادوارد براون/ ۷۷.

در کتاب صحیح بخاری و مسلم و سایر کتب معتبره روایت شده و حضرت رسول فرمود که: عیسی می‌آید و مقصودش حضرت بهاء‌الله است.^۱

د: حسینعلی بهاء خود را بهرام موعود خوانده است و در قسمتی از کتاب *آیین بودا*^۲ نقل می‌کند. من اولین بودا نیستم و آخرین بودا هم نخواهم بود (با این توجیه که «آمیت ابها»، به معنی امر مورد پرستش یک بودایی است و بهاء‌الله: یعنی بهاء لاحظه؛ یعنی همان آمیت ابها).^۳

موارد مذکور نشان دهنده سوء استفاده از متون روایی و مذهبی مشهور در مورد رجعت مسیح و رجعت حسینی است؛ از آن جا که بهاییان، «باب» را موعود اسلام خوانده‌اند با تطبیق بهاء و عبدالبهاء به افرادی که پس از موعود می‌آیند به فریب مردم پرداخته‌اند و شاید مسافرت‌های اروپایی و امریکایی عبدالبهاء هم مزید علت شده باشد.

اما پیروانی که این مطالب را پذیرفته‌اند به دلیل تسلط نداشتن بر متون روایی، به خصوصیات مسیح (نزول او به آسمان، نداشتن پدر، فتح قدس توسط او و...) توجه نکرده‌اند.

عوامل و زمینه‌های گرایش مردم به مدعیان بابیه و بهاییه

۱. سوء استفاده از متون روایی و تاریخی و انجام جعل و تحریف در آن‌ها: میرزا حسینعلی (رهبر اول بهائیت) که مشروعیت خود را به جمله‌های باب

۱. دلیل و ارشاد/ ۷۷.

۲. همان/ ص ۲۴۵.

۳. مجله/ هنگ بدیع، سال ۱۸، ۱۳۴۲ (۱۲۰ بدیع)، ص ۲۶۶ - ۲۷۲ و کشف الحیل، ج ۳، ص ۱۲۷.

می‌داند، برای اثبات ادعای مهدویت علی محمد باب به تحریف و جعل روایات دست می‌زند. از جمله حدیث «زوراء» را تحریف می‌کند و به جای «ثمانین ألفاً»، ثمانین رجلاً ذکر می‌کند. اصل روایت آن است که در شهر زوراء (رنی)، ۸۰ هزار نفر کشته می‌شوند و این از علائم آخرالزمان و ظهور مهدی است، اما چون حسینعلی می‌دانسته است که هرگز ۸۰ هزار بابی در تهران کشته نشده‌اند، لذا به جای «الف» واژه «رجال» را آورده است.^۱

به هر حال این روایت در *بحار الانوار* آمده، و اصل آن، با آنچه بهائیت استفاده کردند، متفاوت است. همچنین در بسیاری از کتاب‌های بهائیت بابیه برای تضعیف موقعیت عالمان، به روایاتی استناد می‌کنند که به منحرف بودن برخی علما و فقهای آخرالزمان اشاره دارد و اخیراً نیز در رسانه‌های خود از جمله در تلویزیون بهائی^۲ به تضعیف موقعیت علماء از گذشته تاکنون می‌پردازند.

یکی دیگر از مواردی که می‌توان آن را سوء استفاده از متون تاریخی و نیز دیگر سوء استفاده از حوزه درسی شیخیه خواند، بحث نزدیکی ظهور است. سید کاظم رشتی که برترین شاگرد و جانشین احساسی محسوب می‌شد مردم را به قرب (نزدیکی) ظهور بشارت می‌داد و بر اساس همین سبک گفتاری وی است که شاگردان و معتقدان به مسلک او؛ پس از وفاتش

۱. سیری در کتاب‌های بهاییان ۲۶/ و ۲۷.

۲. در سایت bahaiview یا تلویزیون بهایی، که در برخی از برنامه‌های آن مثل «تو آوری در ادیان» و «برنامه رسالت باب» که شخصاً آن را بررسی کردم، مخالفت خود با علما را مستند به آن روایات می‌کنند، یا آنکه مخالفت علما با آن‌ها را با مخالفت علمای منحرف ادیان با پیامبر بعدی (مثل مخالفت علمای اهل کتاب با حضرت رسول) مقایسه می‌کنند.

احساس وظیفه کرده‌اند که حتماً باید امام زمان، یا دست کم نایب خاص - که جانشین سید کاظم باشد - را بیابند. حاج محمد کریم خان (تئوری پرداز شیخیه کرمانیه) می‌گوید:

«بعد از درگذشت سید جلیل، بنای تخمین قوتی گفت و جزم بر امر سید کردند و از پی وحی ایشان بر آمدند و هر کس را محلّ مظنه می‌بینند طلب علامت و کرامت می‌کنند».^۱

بر همین اساس است که حاج محمد کریم خان، مرحوم میرزا شفیع تبریزی و به طور کلی ۳۸ نفر از شاگردان سید کاظم، مدعی آن جانشینی شدند و برخی، فرقه‌هایی جداگانه تشکیل دادند. حتی شخص علی محمد شیرازی (باب) در پاسخ یکی از پیروان خود با آوردن شعر «یا صغیرالسن یا رطب البدن / یا قریب العهد من شرب اللبن»^۲ می‌گوید: این که نوشته بودی سید رشتی همانند من مدعی [بابیت] نبود، باید بگویم امر بر تو مشتبه شده است. آیا نشنیده‌ای که سید در حق کسی که بعد از خودش می‌آید، این اشعار را می‌گفت: ای کسی که سن کم داری و بدن لطیف، و به دوران شیر خوارگی نزدیک هستی!

بیت مذکور از اشعار حجاج خطاب به امام زمان است (در حالی که حضرت پنج ساله بودند) و باب خواسته است جمله‌های سید رشتی را قرینه‌ای بگیرد که من [علی محمد] که جوان هستم، منظور گفته‌ها و وعده سید رشتی بوده ام که ظاهر شده ام. بدیهی است شاگردان و پیروان شیخیه که هنوز در

۱. تیر شهاب در راندن باب خسران مآب / ۳۳۱؛ مندرج در مجمع الرسائل فارسی.

۲. ظهور الحق / ۱۴.

سلک مسلمانی بودند، تحت تأثیر این گفتارها و انطباق آن با سید کاظم، در معرض گرایش به مدعیان بابیت واقع می‌شدند و تصور می‌کردند ظهور نزدیک وعده داده شده، فرا رسیده است.

نمونه‌ای از سوء استفاده از اصطلاحات دینی

حاج محمد کریم خان در *مجمع الرسائل* می‌نویسد: باب نوشته که مؤذنان! در اذان بر مناره‌ها نام مرا بگویند، و ادعای نیابت خاصه کرده است... [و حاج محمد کریم خان نیز خطاب به او گفته]: وعده کردی که عاشورا و نوروز خروج کنی و مریدهایت ساختند که بداء شد.^۱

سوءاستفاده از عنوان بداء از مواردی است که بهائیت هم از آن استفاده کرده‌اند و می‌گویند با آن که وعده دوازده امام توسط حضرت رسول... داده شده، ولی برای شخص خاص یعنی امام دوازدهم، بداء حاصل شده است.^۲

۲. جهل مردم و عوام‌فریبی مدعیان

۲-۱. شخصیت فریبنده

به طور کلی مجموعه عملکرد فرد ممکن است باعث ایجاد جذابیت وی و شگفتی مردم شود و عوام که قدرت تحلیل و دقت ندارند، تنها به استناد غیر عادی و شگفت آور بودن اعمال فرد، شخصیتی استثنایی و دارای قدرت فوق العاده برای او تصور کنند.

۱. *مجمع الرسائل* ۱۲۴ و ۲۰۷؛ به نقل از: *احساء تا کرمان* ۴۵.

۲. سایت bahaiview

گفته شد: علی محمد شیرازی در ایامی که هوای بوشهر بسیار گرم بود و آب در کوزه می‌جوشید از صبح تا شام بر بالای بام خانه می‌ایستاد و رو به آفتاب، اذکار می‌خوانده است.^۱ و مردم نادان و غافل چنان می‌پنداشتند که [باب] آفتاب‌پرست است.^۲

آیتی نیز می‌نویسد: او به «سید ذکر» شهرت یافت و به گرد آوری و رونویسی مناجات‌ها و ادعیه اسلامی پرداخت و کم‌کم دعا نویس و مناجات پرداز شد.^۳

قابل توجه است که اشتغال دعا نویسی به عنوان عوام‌فریبی در مدعیان دهه‌های اخیر نیز دیده می‌شود.

باید توجه کرد که دعا نویسی و مناجات پردازی که علی محمد به آن روی می‌آورد بر اثر توجه مردم به وی بوده است و گرنه در ابتدا، بحث وردخوانی و ریاضت فردی مطرح بوده است. اما پس از آن که شخصیت ویژه‌ای نزد مردم می‌یابد از آن برای بهره‌گیری از مردم استفاده می‌کند، در چنین شرایطی اگر ادعای باییت را مطرح کند برای گروهی از مردم امر غریبی بود. ادوارد براون هم در مقدمه *نقطة الکاف* گفته: ادعای میرزا علی محمد شیرازی که وی باب و واسطه امام غایب و شیعیان است از نظر شیخیه چندان تازگی و غرابت نداشت.^۴

۱. هشت بهشت / ۲۷۶.

۲. تلخیص تاریخ نبیل زرنندی / ۶۶.

۳. کواکب الدرية فی مآثر البهائیه، ج ۱، ص ۳۴.

۴. نقطة الکاف / ۲۰، از مقدمه.

۲-۲. نمونه دیگر عوام‌فریبی: مرحله‌ای بودن ادعاها

توجه در مرحله‌ای بودن ادعاها، باب، این نکته را روشن می‌کند که تغییر ملایم و تدریجی در باورهای مردم، امری مُحال نیست؛ چنان که در طول تاریخ نیز برخی مسلمانان که سالیان در سپاه حضرت رسول اکرم ﷺ شمشیر می‌زدند، در برابر وصی یا اهل بیت او (و البته به عنوان دینداری و وظیفه) جنگیدند و در زمان ظهور حجت نیز این انحراف‌ها روی خواهد داد. در آغاز ادعاها و مکتوبات علی محمد شیرازی، ادعای قائمیت مطرح نبود، بلکه حتی اثبات قائمیت و غیبت امام دوازدهم نیز در آن‌ها مطرح شده بود؛ لذا شوقی افندی (رهبر سوم بهاییان) اعتراف می‌کند که: «فرازهای مهیج کتاب تفسیر سوره یوسف علی محمد شیرازی بود که جنگجویان طبرسی و نیریز و زنجان را به آن نبردها وا داشته بود»^۱

بنابراین؛ مریدان علی محمد و سران آن‌ها، خود را جزو مسلمانان مجاهد می‌دانستند که هیچ انحراف و خطایی در اسلام ایجاد نکرده‌اند و در برابر سپاه مقابل، سرسختانه ایستاده‌اند. بر همین اساس ملاحسین بشرویه (نایب علی محمد) در گیلو دار وقایع مازندران نماز جماعت خوانده. و نیز ملا محمد علی زنجان‌ی در وقایع شورش در زنجان، به همین شکل عمل کرده است. همان‌طور که در تاریخچه کوتاه رهبران بهائیت گفته شد، آن‌ها نیز ابتدا به نماز و روزه می‌پرداختند و حتی در نماز جماعات و جمعه مسلمانان شرکت و بتدریج ادعاها را دیگر را مطرح می‌کردند و حتی هنوز هم در

۱. قرن بدیع، جزء اول: نشوتی است که در تفسیر سوره یوسف، اثبات قائمیت و غیبت حضرت مهدی انجام شده است و بایست علی محمد را هم توجیه کرده است.

تبلیغات رسانه‌ای و محیط‌هایی که بهاییان هستند خود را معتقد به تمام چهارده معصوم می‌دانند و تنها می‌گویند: امام زمان ظهور کرده است؛ لذا برخی شیعیان که در کنار آن‌ها زندگی می‌کنند، دچار شبهه می‌شوند که: چگونه این افراد که ائمه ما را قبول دارند، باید نفی و طرد شوند؛ از همین رو حرکت منافقانه از جمله عوامل فریب مردم بوده است. مثلاً باییان خطاب به مهاجمان می‌گفته‌اند: مگر ما حلال خدا را حرام، یا حرامی را حلال کرده‌ایم؟^۱

اما زمانی که بحث ادعای نسخ اسلام پیش آمد، و قره‌العین در بدشت، کشف حجاب، و احکام اسلام را منسوخ اعلام کرد، بسیاری از همان پیروان بابی، گریختند و این نشانه همین مطلب است که اگر در آغاز، ادعای صریح قائمیت یا پیامبری می‌کردند، با اعتراض مردم مواجه شدند.

۲-۳. نمونه دیگر از عوام‌فریبی و سوءاستفاده از جهل مردم

همواره افراد یا گروه‌های مدعی، می‌کوشند از حوادث به نفع خود استفاده کنند و آن‌ها را خارق‌العاده جلوه دهند؛ لذا در وقایع اعدام باب، مقاومت بابیه در قلعه طبرسی و حوادث مشابه، نمونه‌هایی دیده می‌شود که زمینه سوءاستفاده برای فریب توده‌های مردم را داشته است؛ به عنوان نمونه در جریان اعدام باب اتفاقی افتاده است، که خلاصه آن را نقل می‌کنیم:

«صدای تیرها بلند گردید... اما باب: پس: تیر به طناب وی خورده، طناب بریده شده و او به زمین افتاده بود و فوری به درون یکی از حجره‌های سرباز خانه که نزدیک

۱. کواکب‌الدریه، ج ۱، ص ۱۹۵ و ۲۰۴.

محل سقوط وی بود فرار کرده، در آنجا پنهان شده بود... چون مردم باب را ندیدند، فریادشان بلند شد و در وهم و خیال افتادند، پیش خود چنین فکر می کردند آیا باب به هوا پرواز کرده؟ آیا به آسمان رفته؟ آیا از نظرها غایب شده؟... سرجوخه های لشکر از هیجان مردم و هجوم آنها به وحشت افتادند... [لذا فرمانده آنها باب] را در یکی از حجرات پیدا کرده... از حجره بیرون کشید...^۱

این نمونه از رفع خطرهای موقت از مدعیان، یکی از مواردی است که به عنوان دلیل حقانیت مورد سوء استفاده آنها واقع می شود و ازسوی دیگر همین عامل نزد گروهی از مردم، به عنوان قرینه ای بر شکست ناپذیری و الهی بودن آن مدعیان، تلقی می شود، [در پژوهش میدانی این تحقیق، میزان اعتقاد مردم به این موضوع، روی نمودار نشان داده خواهد شد]. مورخان دیگر نیز نوشته اند: جریان پاره شدن طناب و فرار موقت باب باعث شد مردم تصور کنند او غایب شده و لذا مردم آماده هجوم شدند.^۲ این نشان می دهد که تمایلاتی در مردم به وی وجود داشته است و اگر واقعاً آنان او را کاملاً گمراه و مرتد می دانستند (و تردیدی در انحراف او و عدم وجود کرامات و مقامات خاص برای او نداشتند)، با یک واقعه [پاره شدن طناب اعدام]، ناگهان به سوی او جذب نمی شدند؛ لذا بابیه و بهائیه از چنین حوادثی به عنوان نشانه های الهی و کرامات یاد کرده اند. یا در واقعه طبرسی گفته اند: معجزاتی فراوان اتفاق افتاد، در حالی که طبیعی بوده و مقاومت چند

۱. ناسخ التواریخ؛ به نقل از: بهایان/ ۲۵۴ - ۲۵۵.

۲. فتنه ی باب.

ماهه بابیان در قلعه طبرسی نیز به پشتوانه خشونت محوری و روحیه ترور و نیز کمک‌های مشکوک پنهان از خارج قلعه (و احتمالاً از سوی روسیه) واقع شده است، نه کرامات و معجزات.

۲-۴. وعده‌های موهوم از جمله موارد عوام‌فریب

وعده‌های موهوم از عواملی است که باعث جذب گروهی از مردم به باییه شده است و این را می‌توان از آن‌جا فهمید که پس از ایجاد شرایط سخت جنگی برای بابیان در وقایعی مانند قلعه طبرسی، پیروان، زبان به اعتراض گشودند و سران بابی، به توجیه در مورد آن وعده‌ها پرداختند:

«لذا وقتی بسیاری از بابیان عملاً با نابودی غیر قابل اجتناب رو به رو شدند و وعده‌های زعمای مبنی بر تسلط حکومت مرکزی و گرفتن مقامات و تصاحب اموال، بی‌اساس از آب در آمد، زبان به اعتراض گشودند، زعمای بابی از آن وعده‌ها تأویلاتی کردند که سلطنت، سلطنت باطنی است».^۱

– یکی از نمونه‌های عوام‌فریبی، القای مطلب یا ادعا به عنوان امر ثابت شده و مسلم است؛ لذا بهاییان، آیین خود را همواره دین می‌خوانند و می‌گویند: «بهائیت، دینانی مستقل و هم‌تراز اسلام و مسیحیت و سایر ادیان شناخته شده جهان است».^۲

۱. نقطة الکاف/۱۸۵.

۲. دیانت بهایی، آیین فراگیر جهانی/۵.

۲-۵. ژست عوام فریبانه و صلح طلبی

به طور کلی در شعارهای بهاییان، صلح عمومی و صلح کُل یکی از آموزه‌های اساسی است و آن را در تبلیغات و سایت‌های خود مطرح می‌سازند [به رغم عملکرد حقیقی خود]؛ جالب آن است که در جایی حتی منازعه و دشمنی با شیطان را به همین دلیل تقبیح می‌کنند: «[از بیانات عبدالبهاء، سفرنامه، ج ۱] ... به سبب منازعه با شیطان، حضرت آدم از بهشت بیرون شد. پس منازعه؛ با شیطان نیز، جایز نه! [نیست] و نزاع و جدال با دشمن هم ممنوع است».^۱

۲-۶. غفلت و عدم توجه به تناقض‌ها

یکی دیگر از عوامل آن است که پیروان بدون توجه به دو گانگی‌ها، ادعاها را پذیرفته‌اند.

یک نمونه: حسینعلی بهاء در *اشرافات*، ص ۲۴ می‌نویسد: «در آن [کتاب] یوم بیان نفع نمی‌بخشد و به آن تمسک ننمایند (قال و قوله الحق انه یشار باشارتی و لا بما نزل فی البیان)» ص ۳۱ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۴» اما خود حسینعلی در کتاب *اقتدارات*، ص ۴۵ و ۴۶ و ۱۰۳ چنین آورده که: هر کس بگوید کتاب بیان - نوشته میرزا علی محمد - نسخ شده، ظالم است. توجه در این مطالب نشان می‌دهد که رهبران بهایی از سویی برای حفظ موقعیت و اثبات ادعایشان نیاز به حفظ مشروعیت باب و کتاب‌های آن‌ها داشته‌اند تا خود را مصداق وعده‌های باب بدانند، ولی از سوی دیگر چون

۱. مجله/هنگ بدیع، سال ۵، شماره ۹، ص ۱۹۴.

وصیت باب برای جانشینی صبح ازل بوده است و وعده‌های باب بر حسینعلی بهاء منطبق نبوده، ابتدا گفته‌اند که به کتاب و نوشته‌های باب، تمسک نکنید؛ ولی متأسفانه گروندگان به بهائیت به این تناقض آشکار توجه نکرده‌اند.

۲-۷. عوام‌فریبی با تخریب رقبا

یکی از ارکان اصلی حفاظت دین در زمان غیبت، علماء هستند. بر اساس روایات نیز آن‌ها مرزبانان دین و کفیل ایتم آل محمداند؛ لذا مدعیان دروغین برای جلب نظر مردم به خود، لازم دانسته‌اند موقعیت این رقیب بزرگ (عالمان) را تضعیف کنند. به عنوان نمونه فرقه‌های ضاله ازلی و بهایی حملات سنگینی را بر عالم بزرگ، آقا نجفی، وارد کردند و حسینعلی نوری (بهاء) بنیان‌گذار بهائیت، حاج شیخ محمد باقر و فرزند ایشان (آقا نجفی) را گرگ و گرگ زاده نامید.^۱ از سوی دیگر یحیی دولت‌آبادی (فرزند، جانشین یحیی صبح ازل) در قالب نگارش خاطره و تاریخ، خاندان آقا نجفی را مورد هتک و ترور شخصیت قرار داده‌اند (و همگی در خود خواه و مستبد نشان دادن علما کوشیده‌اند) اما واقعیت آن ایست که عالمان نقش فراوانی در حمایت از مردم و منافع آن‌ها داشته‌اند. آقا نجفی و حاج آقا نور الله در شعبان ۱۳۲۵ با فشار بر دولت مرکزی و ظل‌السلطان، راه برگزاری انتخابات را گشودند.^۲ و نیز آقا نجفی در بحبوحه مشروطه اول که قشون عثمانی به مردم شمال غرب کشور حمله کردند، کتباً خواستار پایان این مشکلات از

۱. علی ابو الحسنی منذر، تأسیس شرکت اسلامی، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۸۶۰، ۴ مرداد، ۱۳۸۶.

۲. نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه ۱۸۷۱ و ۱۹۰؛ فراموشخانه، اسماعیل رائین، ج ۲، ص ۳۲۴ - ۳۲۵.

سوی حاکمان عثمانی شد.^۱ وی و دیگر علما همچنین نقش فراوانی در ترویج کالاهای داخلی و ترک کالاهای خارجی از راه تأسیس شرکت اسلامیة در اصفهان داشتند.^۲

کسروی هم در مقالات خویش درباره تاریخ مشروطیت، گفته: نباید فراموش کرد که مشروطه را علماء در ایران پدید آوردند... در آن روزها... تنها علما بودند که به حال مردم، دل سوزانیده، گاهی سخنانی می گفتند... شماره‌های حبل‌المتین را بخوانید که در آن زمان که توده انبوه در بستر غفلت خوابیده و هرگز کاری به نیک و بد نداشتند در اسپهان، علما دست به هم داده، در بسیاری از شهرها پیش قدم گردیدند. دبستان‌ها بر پا نمودند... دیدم که بنیاد مشروطه را علما گزاردند.^۳

۳. دین فروشی برای جاذبه‌های نفسانی

همان‌گونه که می‌دانیم، مدافعان و همراهان اولیه علی محمد باب به بهانه اعلان ظهور قائم و حمایت از قیام وی و عنوان یاوران خاص موعود، در نقاط مختلف ایران شورش راه انداختند. از جمله محمد علی زنجانی (مشهور به حجت) در زنجان اشتراک مردم در اموال و نوامیس را مطرح کرد و این که زمان فترت فرا رسیده و تکلیف وجود ندارد و خدا به هیچ گناهی،

۱. حکم نافذ آقا نجفی/ ۱۲۲ - ۱۲۴.

۲. تأسیس شرکت اسلامیة، کیهان، ۱۸۸۶ - ۸۶/۵/۴.

۳. تاریخ هجده ساله آذربایجان (ضمیمه مجله پیمان، ۱۳۱۳ ش)، بخش اول، ص ۱۰۶، و حکم نافذ آقا نجفی/ ۸۱ - ۹۲.

کسی را عقوبت نمی‌کند.^۱

جالب آن است که اشتراک اموال و نوامیس در آیین مزدک نیز به چشم می‌خورد و در همان زمان، هم مورد استقبال برخی مردم قرار گرفت. در زنجان حدود پانزده هزار [نفر] گردِ او جمع شدند.^۲ و به گفته ناسخ التواریخ، [برخی از] مردم... گروهی احمق بودند و سخنان او را بر حق پنداشتند و جماعتی طمع در اموال و فروج مسلمانان می‌داشتند، لاجرم در مطاوعت (متابعت) او میان بستند».

در جریان اصل پیدایی بابیت هم بر اساس سند دالگورکی، علی محمد در برابر منافع دنیوی که از سوی جاسوسان گرفته است، حاضر به تشکیل این فرقه شد و نیز بهاییت از آغاز تاکنون بر اساس دریافت کمک‌های مادی از استعمار به توجیه عقاید خود می‌پردازد و این که کسانی، با وجود اطلاع از پوچی آموزه‌های آن‌ها، باز در محافل بهاییت باقی مانده‌اند، گاهی بر اثر آن است که نمی‌توانند از شهوات مختلف محافل بهاییت چشم پوشی کنند.^۳

۴. نقش استبداد و حکومت‌های داخلی

۴-۱. نا برابری‌های اجتماعی، اختناق و فشار و نجات باوری مردم
وضعیت حکومت قاجار به شکلی بود که برای نشان دادن اقتدار و حتی حفظ

۱. فتنه‌ی باب، ج ۱، ۱۳۳۱، و چاپ ۱۳۷۷، نشر علم، ص ۵۰ به نقل از فتنه باب در زنجان، فرشته انصاری، نیکان کتاب، اول، پاییز ۱۳۸۲، ص ۷۹.

۲. فتنه باب/ ۵۰

۳. ناسخ التواریخ، ج ۳ ص ۶۰؛ نقل از فتنه‌ی باب در زنجان/ ۳۷۹. نک: کتاب‌های مهنار رؤوفی (خانم بازگشته از بهاییت)، مانند کتاب سایه سوم که وضعیت مبلغان دختر و پسر آن‌ها را فاش می‌کند.

امنیت، زورگویی و فشارهای خشونت آمیز در آن حکومت، حرف اول را می‌زد و خوانین و زمین داران بزرگ فشار شدیدی بر مردم وارد می‌کردند؛ لذا عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند، شورش‌های متعدد در ایران - از جمله فرقه باییت^۱ - در واقع نوعی اعتراض در مقابل ظلم و زور حکومتی و سرمایه داران ستمگر بود. از سوی دیگر با بایگیری و بهایی‌گری مدعی نوآوری دینی، وحدت ادیان و وحدت زبان بودند که با تقلید و تأثیر پذیری از رنسانس غرب، می‌خواستند شکلی جدید از مذهب و دین ارائه کنند و زمینه‌های اجتماعی نیز آماده بوده، صف بندی‌های سیاسی شاید اثر مهم تری نسبت به فقر اقتصادی در پیدایی این گروه‌ها ایفا می‌کرد، هرم قدرت از رأس به پایین شکل می‌گرفت و مردم نقش چندانی نداشتند. این فشارهای مضاعف و وجود نداشتن راه حل و نقش مناسب برای توده مردم، باعث شد عده‌ای دنبال ملجأ و مأوایی باشند که از جنس دولت و حکومت، با پایگاه‌های مذهبی معمولی آن زمان نباشد و در این شرایط ادعای مهدویت یا باییت (با توجه به بستر اعتقادی قدرت‌مند مهدویت، عدالت گستری و منجی باوری مردم ایران)، می‌توانست مورد پذیرش آن‌ها قرار گیرد.^۲

۴-۲. مطرح شدن مدعیان توسط حکومت

یکی از مسایلی که باعث توجه بیش‌تر مردم به افراد مدعی می‌شود تا

۱. بهاییت در ایران/۴۷.

۲. اسماعیل رائین، «انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی»، موسسه تحقیقات رائین، لندن، ۱۹۷۸.

احتمالاً دچار تردید شوند، آن است که آن‌ها به مراکز حساس حکومتی یا وسایل ارتباط جمعی دسترسی یابند که این باعث می‌گردد حتی در صورت سستی محتوای ادعای آن‌ها، کانون توجه مردم واقع شوند و احتمال وجود حقانیت در حرف آن‌ها، برای مردم پیدا شود. ترتیب مجالس مناظره بین باب و علما (که در موارد متعدد تشکیل شده و به سفارش و حمایت حکومت مرکزی یا امیران محلی بوده است)، نیز از همین قسم است؛ مثل دعوت به مناظره در اصفهان توسط معتمدالدوله (حاکم وقت اصفهان که ارمنی^۱ و متمایل به روسیه بود) که شائبه تثبیت موقعیت باب در آن بوده است؛ وقتی مناظره‌ای در یک محل حکومتی به طور رسمی برقرار شود برای مردم توهم آن پیش می‌آید که فرد مدعی دارای استدلال و مطالبش در حد و قواره‌ای بوده که به حرف او توجه کنند. به هر حال میل باطنی برخی حاکمان به تضعیف موقعیت عالمان شیعه، به عنوان رقیب جدی حکومت در شکل‌گیری مناظرات بی‌اثر نبوده که مآلاً باعث توجه مردم به بایه و سران آن می‌شده است.

برآیند متون تاریخی و تحلیلی آن است که اگر حکومت و وابستگان به آن، اهتمام ویژه به باب نمی‌داشتند مردم کاملاً می‌فهمیدند که کرامات و مقاماتی برای او وجود ندارد، ولی قبل از آن که فتاوا و مقاومت علما شروع شود به نوعی رفتار مسالمت آمیز را با او شروع کردند تا واقعیت حضور ادعایش را بپذیرند و با وی کنار بیایند. رضا قلی خان هدایت، کاتب دربار می‌نویسد:

۱. قرن بدیع، ج ۱، ص ۱۱۰.

«چون حدیث خلاق در اقرار و انکار سید باب در افواه افتاد، به اشارت شاهنشاه حقایق آگاه محمد شاه... سید باب را از چهریق به تبریز آوردند و در مقام تحقیق قال و حال او بر آمدند. چون که... گروهی از معتقدینش او را نایب امام حجت و فرقه‌ای، امام غایب و زمره‌ای رسول خاتم می‌خواندند؛ لذا بر حسب امر همایون اعلیٰ او را به مجلس خاص حضرت ولی عصر دولت ابد مهد آورده، علمای اعلام و فقهای اسلام حاضر شده، با سید ملاقات و مقالات پرداختند».^۱

این اعتراف نشان می‌دهد که به رغم روشن بودن انحراف در فعالیت‌ها و دعاوی باب، پادشاه قاجار به عنوان تحقیق و کشف حقیقت در جلسه رسمی و دولتی، علما و باب را با همدیگر گرد می‌آورد، در این شرایط دیگر چه توقعی از عموم مردم و نوع نگاهشان به بایبه می‌رود؟

مرحوم حسن نیکو، مطلب را بیش‌تر می‌شکافد و می‌گوید «چندان که [در اثر فتنه بایبه] در توده ملت و عوام ازدحامی پدیدار شد... حکومت را مجبور که که باب ملایمت را به روی باب [علی محمد] بگشاید... و مجلس بزرگی بیاراید؛ وی را با رؤسای علمای اسلام جمع کند».^۲

این عبارت، حاکی از آن است که سران حکومت تنها به دلیل ترس از شورش بایبه بر ضد حکومت که بی‌جا هم نبود (و نه به دلیل ترس از گرایش بیش‌تر مردم و انحراف آن‌ها)، وارد مذاکره و رفتار مسالمت آمیز با وی شدند. [حرف نهایی را اعتضاد السلطنه گفته است].

۱. تاریخ روضه الصغای ناصری، ج ۱، ص ۴۲۳.

۲. فلسفه نیکو، ج ۳، ص ۱۵۳.

«... پادشاه وقت صریحاً اذعان داشته بود که این خطا از حاجی میرزا آقاسی افتاد که حکم داد او را بسی آن‌که به دارالخلافه آورند، مردم عامه گمان کردند که او را علمی، کرامتی بوده، اگر میرزا علی محمد باب را رها ساخته بود تا به دارالخلافه آمده با مردم مجاورت و مجالست نماید بر همه کس مکشوف می‌گشت که او را هیچ کرامتی نیست».^۱

به دلیل موقعیت شناسی علما مناظره گسترده و رسمی که باعث تثبیت موقعیت باب در جامعه شود و گزارش آن به تهران ارسال شد، تشکیل نشد. در این میان اعتضادالسلطنه، معتمد الدوله (حاکم اصفهان) با او [باب] متحد بود و تخریب حال او نمی‌نمود.^۲ و علما می‌دانستند وی در صدد جلب افکار عمومی به نفع باب است.

۵. نقش استعمار در تقویت فرق بابیه و بهاییه برای جلب مردم

قرآن کریم، دشمن اصلی پیامبران و راه حق را سردمداران کفر و اطرافیان‌شان می‌داند و از آنان به عنوان مترفین (غرق شده در لذایذ مادی) و ملأ (سران و بزرگان قوم) یاد می‌کند.^۳

و کفر و استکبار، صفت اصلی این دشمنان بوده است.^۴ این به عنوان رویه همیشگی آنان در تاریخ مورد تأکید قرار گرفته است که محدود به زمان صدر اسلام نبوده و نیست. در مورد فرقه‌های بابیت و بهاییست نیز

۱. فتنه‌ی باب/۲۹.

۲. همان/۲۰.

۳. سبا/۳۴؛ زخرف/۳۳؛ و نک: راهنماشناسی/۶۳.

۴. اعراف/۶۶ و ۷۵، ۷۶ و ۸۸.

این گونه است، که نمونه‌هایی ذکر می‌شود.

۱-۵. منوچهر خان گرجی (معتمدالدوله) که در ظاهر مسلمان شد و اعتماد دربار قاجار را کسب کرد و استاندار اصفهان شد ولی در واقع وابستگی خود به مسیحیت و نیز روسیه را حفظ کرده بود؛ لذا از مبلغان علی محمد باب به گرمی استقبال کرد و خود تبلیغ می‌کرد. حتی عده‌ای را فرستاد تا باب را از زندان آزاد کنند و به اصفهان بیاورند.^۱ وی همچنین قصد داشت که محمد شاه را به باییت بکشاند^۲ و با نزدیک شدن به محمد شاه در عزل و نصب به نفع باییت اقدام کند و ثروت فراوانی را جذب کرده، و صرف باییت کند.^۳

۲-۵. مستخدمین و سردمداران سفارت روس، باب را از دست مأمورین نجات دادند تا فرار کند یا به روسیه بپیوندد.^۴

۳-۵. هنگام اعدام باب و یارانش، کنسول روسیه از اعدامیان، نقاشی تهیه کرد و جسد باب را نیز پنهان کردند.^۵

۴-۵. محمد علی حجت زنجانی که شورش بابیه را در زنجان راه انداخت مورد شفاعت وزرای دُول خارجه [واقع] شد.^۶

۵-۵. گزارش دالگورکی (سفیر روسیه) و ابراز خوش‌حالی او از منازعات

۱. مفتاح باب الابواب، ص ۹۳ به بعد.

۲. قرن بدیع، ج ۱ ص ۱۱۵.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۱۴.

۴. الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه، ج ۱، ص ۲۸۴.

۵. الکواکب الدریه، ج ۱، ص ۲۴۹.

۶. نقطة الکافی/۲۳۳.

باییه با علمای اسلام.^۱

۵-۶. سفیر روسیه از تسلیم حضرت بهاءالله به نمایندگان شاه امتناع ورزید... ضمناً از شخص وزیر به طور رسمی و صریح خواستار گردید که در حفظ و حراستِ ودیعهٔ پر بهایی که دولت روس به وی می‌سپارد، بکوشد.^۲

۵-۷. برخی نویسندگان، اصل ظهور فرقهٔ باییه و بهاییه را به طور کامل به بیگانگان نسبت می‌دهند.^۳

همچنین شورش باییه در زنجان با کمک دولت عثمانی و نیز بریتانیا انجام شده است.^۴

۵-۸. از سوی دیگر: جنگ‌های ایران و روسیه که از طرف روسیه تحمیل می‌شد، اوضاع ایران را از لحاظ اقتصادی و اجتماعی آشفته می‌کند.^۵ که این خود یک عامل سیاسی و نیز اجتماعی است که مردم را برای پذیرش یک مدعی نجات آماده می‌کند.

۵-۹. تخریب علما توسط استعمار؛ جهت تقویت جبههٔ مدعیان. چرچیل (دبیر امور شرقی سفارت انگلیسی) در گزارش خود به لندن در جریان مشروطه، با اشاره به کشتار جمعی از فِرَق ضاله [بهائیت] در اصفهان در ۱۳۰۷ قمری، آن را به دستور محمد علی تقی نجفی (آقا نجفی) بر

۱. *تسورثس بابیان در ایران*، ج ۳۰، ص ۱۴۳-۱۵۹، بهایان/۵۱۴.

۲. *قرن بدیع*، ج ۱، ص ۲۱۷-۳۱۹؛ *یام تسعه* ۳۸۷ و *تلخیص تاریخ نبیل زرنندی* ۶۳۰.

۳. *نخبه شناسی در جامعه کشی*.

۴. *اسناد سیاسی محرمانه سیاست انگلیسی و روس در ایران* ۱۲۰؛ به نقل از: *فتنه باب در زنجان* ۲۵ و ۲۶.

۵. *تاریخ ایران در دورهٔ سلطنت قاجاریه و روزگاران ایران* ۲۶.

می‌شمارد و لذا ایشان [آقا نجفی] را به تهران فرا می‌خوانند، گزارش چرچیل نشان می‌دهد که استعمارگران انگلیس نگران فروش نرفتن کالاهای خود در ایران بوده‌اند؛ لذا خواسته‌اند با تخریب علماء و نفی شرکت اسلامیة (تأسیس شده توسط علماء)، به تقویت فرق ضاله و نجات خود از کاهش سود اقتصادی اقدام کنند.^۱

۱. تأسیس شرکت اسلامیة، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۸۶۰، ۱۳۸۶/۵/۴.

بخش چهارم:

مدعیان قادیانیه

فصل اول:

**سرگذشت رهبران قادیانیه
و ادعاهایشان**

غلام احمد در روستای قادیان از منطقه پنجاب پاکستان و در سال ۱۲۵۱ق. ۱۸۳۵ م. متولد شد. پدر او پزشک بود، اما برای آموزش قرآن و نحو، صرف و منطق و حکمت، معلم‌های خانگی برای فرزندش حاضر کرد. در طی چهار سال از جوانی به امور مختلفی مشغول شد، ولی همگی را رها کرد و تدریجاً به تصوف گروید.

غلام احمد در شرایطی وارد اجتماع شد که حرکت هندوها، تبشیری‌های مسیحی و گروه‌های صوفیه شدت گرفته بود و طبیعتاً این فعالیت‌ها باعث جنبش علمای اسلام و انجام مناظرات و اقدام‌های فرهنگی دیگر توسط آن‌ها بود. او نیز که با علم کلام آشنایی داشت به تدریج کامیابی‌هایی به دست آورده، شهرت یافت و زمینه ادعاهایش فراهم گشت.

ادعاهای

او ابتدا ادعا کرد که مجدد اسلام است (این ادعا بر اساس عقیده شایع بین مسلمانان بود که براساس آن، خداوند در هر هزار سال مجددی را می‌فرستد). سپس ادعای مهدویت کرد و از عبارت جعلی «لا مهدی الا

المسیح» که در برخی از کتاب‌های پیشین روایی هست، سود جست و خود را شبیه مسیح خواند و به دلیل شهرت پیشین خود، با استقبال گروه زیادی از مردم مواجه شد. پس از مدتی در نشریه رسمی، خود را مسیح منتظر خواند. در این اوضاع علمایی چون: مولوی محمد حسین آماده مناظره با وی شدند، ولی والی انگلیسی آن منطقه مانع شد.^۱ او همچنان به نشر آثار و عقاید خود پرداخت و در یکی از ادعاهای خود گفت: منظور از «احمد» در آیه «مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَغْدِ اسْمُهُ أَحْمَدُ»^۲ من هستم، سپس مدعی شد که، به من وحی می‌شود و خداوند مرا با «یا احمد» مورد خطاب قرار می‌دهد!

پس از انتقادهایی فراوان بر او، اعلام کرد من به اسلام و قرآن تمسک می‌کنم و نبی مستقل نیستم، ولی به شکل تبعی نبی هستم و با حضرت رسول، نوعی از وحدت دارم. او این ادعا را بر اساس اعتقاد به حلول خداوند در انبیا و انتقال نبوت از ارواح برخی از افراد به دیگران مطرح کرد. وی برای آموزش دانش پژوهان فرقه خود، مدرسه‌ای بنیان نهاد، که مخالفان، دیواری بر سر راه آن ساختند، ولی حاکم انگلستان در آن منطقه باز هم، به نفع او حکم کرد. در سال ۱۳۲۳ ق/ ۱۹۰۵ م اعلام کرد که اجلس نزدیک است و این خبر به او وحی شده، آن گاه کتاب الوصایه را نوشت. سرانجام: در سال ۱۳۲۶ ق/ مارس ۱۶۰۸ بر اثر وبا در گذشت و بدنش به قادیان منتقل شد. وی در مقبره‌ای که «مقبرة الجنة» نامیده بود، دفن شد و روی قبر او نوشته شد: «میرزا غلام احمد الموعود»

۱. دفع اوهام، توضیح المرام فی الرد علی القادیانیه / ۱۹-۲۸.

۲. صف / ۶.

یاران و پیروان وی به عنوان مکان مقدس به زیارت مزارش می‌رفتند و می‌گفتند: خداوند سه مکان را برکت داد و مقدس ساخت، مکه، مدینه و قادیان. جالب آن است که او دوستی قدیمی داشت که پس از ادعاهای غلام احمد، با وی مباحله کرد و از خدا خواستند که هر کس دروغگو است ظرف مدت سه روز بمیرد و غلام احمد در همان مدت در گذشت. غلام احمد، قبل از مرگ جلسه‌ای تشکیل داد و مولوی حکیم نورالدین را به عنوان خلیفه اول خود برگزید.

نورالدین در ۱۳۳۳ق در گذشت و ریاست به پسر او، و پس از آن به دیگران رسید. البته گروهی به رهبری خواجه کمال‌الدین و محمد علی لاهوری نیز تنها غلام احمد را مجدد و مصلح می‌دانستند، نه مهدی و پیامبر.

آثار غلام احمد

او حدود ۸۰ اثر به زبان‌های عربی، فارسی و انگلیسی نوشت، که برخی را ذکر می‌کنیم:

آئینه کمالات اسلام (فارسی)؛

ازالة اوهام؛

اعجاز المسيح؛

اعجاز احمدی؛

البراهین الاحمدیه (۵ جلد)؛

تحفه الندوه؛

تریاق القلوب؛

توضیح مرام؛

رسالة ختم النبوة.

عقاید خاص گروه احمدیه

عقاید احمدیه که گروهی از قادیانیه هستند، در مواردی با مسلمانان متفاوت است؛ مانند ادعای مهدویت غلام احمد و انکار جهاد اسلامی، که بر اساس گفتار غلام احمد: در زمان ما نباید با شمشیر جنگید بلکه جهاد، کوشش صلح آمیز است.

کسانی که مذهب احمدیه را می‌پذیرند یا باید احمدی زاده باشند؛ یا ایمان نامه‌ای را رسماً بپذیرند و در آن به پذیرفتن دعاوی غلام احمد، اعتراف می‌کنند. گروه دیگر، غلام احمد را فقط مجدد اسلام می‌دانند.^۱

۱. فرهنگ فرقی اسلامی/۴۰؛ به نقل از: دایرة المعارف اسلامی، ج ۱، ص ۵۰۴ و براهین احمدیه.

فصل دوم:

زمینه‌های گرایش به قادیانیه

۱- عوام فریبی

۱-۱. ادعای ارتباط با غیب و دارا بودن تأییدات الهی و قدرت

پیش‌گویی غیبی

همانگونه که گفته شد غلام احمد کتاب‌هایی فراوان نوشته است از جمله: *مواهب الرحمن* در مورد معجزات و عقاید خویش و حمایت‌های الهی از وی، *حقیقة المهدی* حاوی ادله مسیح و مهدی بودن خود؛ *خطبة الهامیه* بیانگر الهامات و وحی خداوند بر او و مطالبی در مورد ادله بعثت و مسیح موعود بودن وی.^۱

او ادعا کرد از طرف خدا مأموریت گرفته است و مخالفانش به طور غیر طبیعی کشته خواهند شد. همچنین شفای به اصطلاح معجزه آسای بیماران طاعون زده زمان خود را از نشانه‌های حقانیت خویش می‌شمرد.^۲

۱. حقیقة الوحی، ج ۲۲، ص ۷۰۳؛ توضیح المرام فی الرد علی القادیانیه، ۱۹ و سایت WWW.

ALGHAMEH.NET

۲. فرقه قادیانیه.

پیش‌گویی‌ها

پیش‌گویی‌های گوناگون مدعیان، یکی از مواردی است که می‌تواند توده ناآگاه را جذب نماید؛ البته اغلب پیش‌گویی‌ها به شکل فریبکارانه و غیر واقعی مطرح می‌شود. گاهی نیز با کلی‌گویی، مطالبی گفته می‌شود که با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی محل زندگی مدعی، وقوع آن حوادث دور از توقع نیست و البته هر فردی که با شرایط، آشنایی داشته باشد می‌تواند آن وقایع را پیش‌بینی کند.

غلام احمد قادیانی گاهی پیش‌گویی‌هایی کرده، که به زور تهدید، رنگ واقعیت به آن بخشیده، پس از تخلف پیش‌بینی، آن را توجیه کرده است. از جمله به این واقعه اشاره می‌شود: روزی احمد بیگ (از اقوام قادیانی) از وی کمک طلبید؛ اما قادیانی از او خواست که در مقابل رفع حاجت او، محمد بیگم (دخترش) را به عقد او در آورد (با آن که سن قادیانی بیش از پنجاه و مبتلا به بیماری‌های فراوان بود)، احمد بیگ این پیشنهاد را نپذیرفت و در مقابل، غلام احمد گفت که وی با دختر او ازدواج خواهد کرد و این وعده الهی و تخلف ناپذیر است. و احمد بیگ را تهدید کرد که اگر در خواست را اجابت نکنی، مشکلاتی فراوان برایت پیش می‌آید و اگر بپذیرد درهای خزاین الهی به روی او باز می‌شود. اما سرانجام آن وعده‌ها محقق نگردید و آن دختر با فرد دیگری ازدواج کرد. غلام احمد دیگر بار ادعا کرد بر اساس وعده الهی، این شوهر خواهد مُرد. به هر حال این وعده هم محقق نشد و قادیانی باز هم می‌گفت: خدایا! اگر این الهام از سوی تو بود؛ پس آن را به

واقعیت برسان.^۱

این مطالب نشان می‌دهد که حداقل تا قبل از اثبات صدق و کذب، پیش‌گویی‌ها، و وعده‌های به ظاهر غیبی و غیر عادی، عامل ترس و احتیاط مردم می‌شود و همین زمان، کافی است تا ادعاهای مدعی منتشر و تبلیغ گردد. چنان‌که تاریخ نشان می‌دهد در همان زمان‌ها که قادیانی چنین پیش‌گویی‌هایی را انجام داده، آسان به فعالیت‌های خود ادامه می‌داده است.

۱-۲. شخصیت فریبنده

پدر غلام احمد، سنی مذهب بود ولی او قرآن را نزد برخی عالمان شیعی فرا گرفت. از سوی دیگر وی (پدر غلام احمد) در سال ۱۲۳۶ ق. در جنگ بر ضد انگلیسی‌ها، به دلیل تمکن مالی، به هندوها کمک کرد. همچنین وی ابتدا به سمت منشی‌گری مشغول شد و به بهانه عبادت از شغل خویش دست کشید. مریدان وی به او نسبت می‌دادند که پیش از ولادت فرزندانش، از ولادت آن‌ها خبر داده، اسمشان را معین کرده است.^۲

مجموعه این مطالب نشان می‌دهد که شخصیتی چند مذهبی، زاهد، غیب‌گو و دشمن ستیز، بهترین زمینه برای پذیرش دعاوی یک مدعی است.

شخصیت علمی قادیانی

مجموعه فعالیت‌های قادیانی، وی را عنصری پر کار، علمی و دینی جلوه می‌داد. روزها به مباحثه، مناظره و تألیف کتاب می‌پرداخت و فقط هنگام

۱. القادیانی والقادیانیة، دراسات و تحلیل و عرف علمی/ ۱۶۷ - ۲۳؛ به نقل از: مجله مشرق موعود،

شماره ۳، تابستان ۸۶ مقاله مجاهد علی بهشتی، با عنوان ادعاهای قادیانی، ص ۳۹۱.

۲. تاریخ جامع بهائیت/ ۵۱.

نماز به مسجد کنار خانه‌اش می‌رفت.

در بین راه مسجد و خانه هم می‌نوشت و به سؤال‌های مردمی که اطراف او بودند با خوشرویی جواب می‌داد.

او چند روزنامه و ۶۰ جلد کتاب به زبان‌های محلی، عربی، فارسی، انگلیسی نوشت و دارالضیافه‌ای در قادیان تأسیس کرد که اهل هر فرقه و مذهب و ملت می‌توانستند وارد آن شوند.^۱

عناوین و فعالیت‌ها

قادیانی از سویی خود را از قوم مغول و از سوی دیگر اصالتاً فارس می‌دانست و علاوه بر آن برخی اجداد خود را از بنی فاطمه برمی‌شمرد. هدف او از این تنوع و چندگانگی آن است که روایاتی را که حضرت مهدی را از اهل فارس یا اولادِ فاطمه علیها السلام برمی‌شمارد،^۲ دستاویز خود قرار داده، خود را منجی موعود معرفی کند.^۳

یکی از موارد دیگر که از جهتی، خاص قادیانیه است، قرار گرفتن تحت پوشش اسلام است. وی ابتدا خود را مجدد دین اسلام معرفی کرد، بدین صورت توانست بسیاری از مسلمانان را تحت عنوان قیام اسلامی، زیر لوای خود حفظ کند.

عنوان «قهرمان مبارزه فرهنگی» هم از مواردی است که قادیانیه از آن بهره‌گرفت. سال ۱۸۸۱ م. تعداد ۴۷۰ هزار مبلغ مسیحی در آن منطقه

۱. همان/۵۲.

۲. القادیانیه، دراسات و تحلیل/۱۷.

۳. قادیانی، به نقش استعمار در پیدایش و گسترش، مشرق موعود، شماره ۱، بهار ۸۶، ص ۱۴۶.

فعالیت داشت. از طرفی هندوها نیز با تعالیم اسلام به مبارزه پرداختند؛ در این شرایط بود که غلام احمد کتاب *براهین/حمدیه* را در پاسخ مسیحیان نوشت و در عین حال به پاسخ‌گویی در مورد شبه‌های هندوها پرداخت^۱ وی با این حربه توانست مردم را به نشر کتاب‌های خود دعوت کند. و این‌که مردم او را تنها مدافع اسلام در آن دوران بدانند. ضمناً برای جذب مردم به آثار خود، اسامی کسانی که او را در نشر کتاب یاری می‌کردند، ثبت می‌نمود.^۲

۱-۳. تلقین مطالب و مسلم جلوه دادن ادعاها

همان‌گونه که گفته شد یکی از شگردهای مدعیان در هر ادعای دروغین، آن است که با استفاده از عناوین و عبارات مشهور بین مردم - که از متون دینی آن‌ها بر آمده است - ادعاهای خود را به شکل حقیقی و غیر قابل انکار جلوه می‌دهند که عدم تبعیت از آن‌ها عواقبی جبران ناپذیر برای مردم دارد. روشن است که اگر استدلال و بحث منطقی در میان باشد، مدعیان شکست خواهند خورد ولی این قالب ارائه مطلب، اذهان را از استدلال دور کرده، و باعث می‌شود آن را بدیهی بشمرند و از این رو است که حتی جان خود را در راه آن عقاید فدا می‌کنند.^۳

در مورد قادیانیه نیز این روش وجود دارد، که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

۱. *روحانی خزائن* / ج ۱، ص ۱، ج ۳ بی نا، بی تا؛ به نقل از: مشرق موعود.

۲. *براهین/حمدیه* / ج ۱، ص ۳.

۳. از جمله مقاومت‌های عجیب پیروان بابیه در برابر حرکت مردم مسلمان و حکومت قاجار را می‌توان ذکر کرد که در کتاب‌های بابیه و تاریخ قاجار آمده است. نک: *فتنه‌ی باب*، محاکمه و بررسی باب بهاء، م. مصطفوی.

الف: غلام احمد قادیانی در مورد ایمان به خود می‌گوید: «الذی لایومن بی لا یومن بالله و رسوله»^۱ هر کس به من ایمان نیاورد، به خدا و رسول ایمان نیاورده است.

ب: پسر و خلیفه غلام احمد در پاسخ به فردی که استدلال او را در تکفیر مخالفان قادیانیه، در خواست کرد چنین می‌گوید:^۲

«پس هر کس انکار کند که غلام احمد، پیامبر خدا و رسول اوست؛ همانا به نص کتاب (قرآن) کافر شده است؛ لذا ما مسلمانان را کافر می‌دانیم؛ زیرا آنها بین پیامبران فرق می‌گذارند و به عده‌ای ایمان می‌آورند و به عده‌ای کافر می‌شوند».

مشاهده می‌شود که این آیات قرآنی که نسبت به اهل کتاب صادر شده و آنها را به دلیل عمل کردن به بخشی از کتاب خود، سرزنش کرده، مورد دستاویز قادیانیه واقع گردیده و آنها این معنا را القا می‌کنند که باید بر اساس قرآن به پیامبران بعدی ایمان آورید.

نمونه دیگر، آن است که وی ادعا کرده: مراد خدای متعال از آیه «و مبشراً برسول یأتی من بعد اسمہ احمد»^۳، خود غلام احمد است که نام احمد دارد و وحی هم به چند زبان فارسی، عربی، اردو و انگلیسی بر او نازل می‌شود.^۴

۱. حقیقة الوحی / ۱۶۳؛ به نقل از: القادیانیه دراسات و تحلیل / ۳۷.

۲. القادیانیه / ۳۸؛ به نقل از: الفضل، جریده القادیانیه، الصادرة فی ۲۶ یونیو ۹۲۲ م.

۳. صف / ۶.

۴. مواهب الرحمن / ۱۴، ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۶۹؛ به نقل از: القادیانیه، سلیمان طاهر العاملی، القدير، ص ۲۲ و ۲۳.

۱-۴. سوء استفاده از متون دینی یا منابع تاریخی

یکی از عباراتی که مورد سوء استفاده غلام احمد قادیانی، واقع شده است، عبارت «لا مهدی الاّ المسیح» است^۱، هر چند ناقل و راوی و متن آن دارای اشکال‌های فراوانی است.^۲

آنچه قابل توجه است، این که تفکر مهدویت در آن مناطق (هند و حواشی آن) در آن دوران شیوع داشته است و مدعیان متعددی در این مورد وجود داشته‌اند، از جمله: سید محمد الجنبوری در اواخر قرن ۹ (در سال ۹۰۱ق) ادعای مهدویت کرد و هزاران مسلمان فریب خورده به او پیوستند و حتی پیروانش در مقطعی با عنوان مهدویون قدرت را به دست گرفتند.^۳ بنابراین در این فضا، غلام احمد، با تکیه بر روایات جعلی می‌تواند مردم را به سوی خود جلب کند.^۴

– نمونه دیگر از سوء استفاده از متون و منابع دینی و تاریخی

غلام احمد قادیانی با استفاده از شرایط خاص قرن و زمان ادعای خود، خود را مسیح موعودی می‌داند که در تمام کتاب‌های آسمانی به ظهورش در آغاز قرن ۱۴ وعده داده شده است^۵ [مجموعه اعلانات الغلام، ج ۱، ص ۱۸]

۱. القادیانیة، الاولى، ص ۲۱.

۲. این روایت جعلی از نظر سندی مردود اعلان شده است و با آن که در کتب اهل سنت وجود دارد، حتی بزرگان اهل سنت آن را در برابر روایات مهدویت بی اعتبار دانسته‌اند. نگارنده تحقیقی درباره این روایت مجعول در مرکز مهدویت انجام داده است.

۳. القادیانیة/ ۲۱، پاورقی.

۴. القادیانیة/ ۲۱، پاورقی.

۵. احسان الاهی ظهیر، القادیانیة، دراسات و تحلیل/ ۱۵۵.

۲. نقش استعمار و فرهنگ غربی در جریان قادیانی

به گفته سید جمال الدین اسد آبادی: سید احمد خان و طرفدارانش که زمینه ساز جریان قادیانی گری بودند، مردم را به ترک دین فرا می خواندند و سلطه اجنبی را کم اهمیت می شمردند، همچنین در محو آثار و غیرت دینی تلاش می کردند، و این کارها را به خاطر زندگی پست و سود ناچیز انجام می دادند.^۱ سید احمد اعلام می کرد به دنبال آشتی دادن بین اسلام و زندگی جدید و علوم تجربی است و در مکتب او، فریفتگی به علوم تجربی و انکار ماورای حس و ماده، آشکار بود، وی به تفسیر به رأی قرآن - براساس علوم تجربی - روی آورد و بر بشری بودن ادیان تأکید کرد. این اندیشه که همان فراماسونری بود همراه با دیگر زمینه های سیاسی و اجتماعی، قادیانیه را به وجود آورد.^۲

انگلیسی ها دریافتند که با همکاری با این نهضت و افکار و نیز تقویت مسلمانانی که در آموزه های اسلام شک کرده، و تضاد فکری در میان مسلمانان ایجاد می کنند، می توانند بین آنان تفرقه پدید آورند و تا مدتی از آن استفاده کنند؛ تا آن که مذهب قادیانی به رهبری غلام احمد قادیانی در سال ۱۹۰۰ رسماً با انتشار ماهنامه /دیان/ شکل گرفت. غلام احمد مدعی شد که حضرت مهدی و عیسی و حضرت محمد است و هر سه در او حلول کرده اند. وی جهاد و مبارزه معروف در روزگار پیامبر را باطل اعلام کرد. وی

۱. سید جمال، مجلة العروة الوثقی /۵۷۵: به نقل از: اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب /۳۶.

۲. اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب /۳۷ و ۳۸.

حتی به آیات ۵۱ و ۵۵ و ۵۶، سورة مائده استناد می‌کرد؛ چون در این آیات از دوستی با یهود و نصاری و همکاری با آنها نهی شده است و قادیانیه به بهانه همکاری نکردن با اهل کتاب (در مبارزه با استعمار)، جهاد را باطل اعلام می‌کردند. ابوالحسن ندوی از عالمان برجسته هندی گوید:

«... از لحاظ علمی و تاریخی ثابت شده است که قادیانیه دست پرورده سیاست انگلیسی است. در نهایت انگلستان پذیرفت که در مسلمانان و جهت گیری‌شان چیزی مثل قیام مردی از خودشان است که دارای منصب دینی برجسته باشد... کسی که چنین ویژگی‌هایی در او باشد همان میزرا غلام احمد قادیانی است؛ شخصیتی که در اعتقاد و افکار، متزلزل و سخت شیفته تأسیس دین جدید است. او پیوسته در تمام آنچه آنان (انگلیسی‌ها) می‌خواستند، سیر می‌کرد، قادیانی نقش خود را به خوبی ایفا کرد... و او [قادیانی] در بعضی نوشته‌های خود تصریح می‌کرد که حکومت انگلستان به او موقعیت بخشیده است... وی گفت بیش‌تر عمر من در تأیید و یاری حکومت انگلیس سپری شد... و در باب منع جهاد و وجوب اطاعت از حاکم انگلیسی کتاب‌ها و نشریه‌هایی تألیف نمودم که اگر گرد آوری شوند، پنجاه خزانه را پر می‌سازند».^۱

ابوالحسن ندوی در جای دیگر می‌گوید: جماعت قادیانی، از تمام جنبش‌های ملی و آزادیخواهی در هند بر کنار بودند و در برابر مصیبت‌ها و گرفتاری‌هایی که انگلیسی‌ها بر مسلمانان روا می‌داشتند ساکت و بلکه خرسند بودند.

از مجموعه مطالب پیش گفته چند مطلب روشن می شود:

الف: اعتقاد عمومی مسلمانان به لزوم قیام منجی خاص که برجستگی دینی و علمی در بین مسلمانان دارد و از بین خود آنهاست [که همان اعتقاد مهدویت در اهل اسلام است] مورد سوء استفاده استعمار انگلیس واقع شده است؛ لذا غلام احمد قادیانی مورد توجه استعمار و نیز گرایش مردم واقع شد؛ شبیه جریان بابیه، که البته در آن جا بر ایرانی بودن موعود و در این جا بر هندی بودن تأکید بیش تر شده است.

ب: این که موعود قادیانی، دین جدید و تحول یافته ای می آورد، عامل فریب مردم در قادیانیه (و نیز بابیه) شده است.

ج: فرار از مسؤولیت های اجتماعی، مانند جهاد به اسم صلح عمومی مورد توجه استعمار و استقبال برخی مردم راحت طلب واقع شده است (شبیه این جریان در آموزه های مدعیان بابیه و بهاییه دیده می شود).

د: انکار آموزه های وحیانی و غیبی که تحریف آنها بر اساس علوم تجربی نیز از راه های فعالیت و تبلیغ قادیانیه است و شبیه آن در جسمانی جلوه دادن معراج و نیز نوع زندگی و عمر طولانی امام زمان در شیخیه و بابیه دیده می شود. به عنوان نمونه برای توجیه و در واقع ردّ عمر طولانی امام، قائل به حلول روح ایشان در انسان هایی با عمر طبیعی و انتقال آن روح به انسان های بعدی تا زمان ظهور امام شده اند و این توجیه مادی و جسمانی و غیر عادی این امور برای گروهی از مردم - که قدرت یا حوصله بحث های علمی را نداشته اند - جذاب بوده، در عین حال به نفی موعود حقیقی می انجامیده است؛ لذا مورد توجه ویژه استعمار در تخریب مهدویت و نیابت عامه، قرار گرفته است.

بخش پنجم:

مهدی سودانی

فصل اول:

قيام سودانی و ادعاه

تاریخچه مهدی سودانی و جانشینان وی

محمد احمد، فرزند عبدالله در سال ۱۸۴۸ م. در جزیره نبت سودان متولد شد. در کودکی نزد عالمان خارطوم دانش اندوخت، سپس به جزیره آبا رفت و ۱۵ سال در چاهی به ریاضت مشغول شد. وی از شدت ریاضت و روزه بسیار نحیف گردید. او شیرین زبان بود و سودانیان استعمار زده را به فتح جهان و گسترش عدالت نوید می داد. اعضای قبیله بگارا که مقتدرترین قبیله بودند، او را تقدیس می کردند. روزی کسی به او گفت: شاید تو مهدی موعودی! وی نخست انکار کرد، ولی به تدریج خود را مهدی موعود خواند. مردم به ستوه آمده از برده فروشی و ستم مصریان و انگلیسی ها ادعایش را پذیرفتند. وی پیوند خود و مردم را با ازدواج با قبایل مختلف محکم کرد. در ۱۳۰۰ ق. داعیانی نزد شیوخ قبایل فرستاد، که: من مهدی هستم و پیامبر به من بشارت داده بود. حاکم خارطوم، گروهی را به جنگ او فرستاد، ولی همگی در جنگ هلاک شدند و کار سودانی رونق گرفت. ژنرال گوردن از سوی دولت بریتانیا به نبردش شتافت، اما او هم کشته شد و کل خارطوم و

سودان به دست مهدی سودانی افتاد. وی در جنگ با محمد سعید پاشا و عبدالقادر پاشا و افسران انگلیسی نیز پیروز شد. سرانجام: در ۲۱ ژنوايه ۱۸۸۵ م. درگذشت و قبل از آن، عبدالله تعایشی را به جانشینی خود برگزید.^۱

عبدالله بن محمد، رهبر حکومت مهدیون، بعد از مهدی سودانی بود. وی در سال ۱۲۶۲ ق. در طایفه تعایشه به دنیا آمد. در آن دوران، انتظار ظهور مهدی علیه السلام، اندیشه‌ای رایج بود. تعایشی در جوانی با «زبیر رحمت» به عنوان مهدی بیعت کرد، هر چند زبیر این عنوان را نپذیرفت (هالت، ص ۸۴-۸۵، ۶۷)، سپس تعایشی با شنیدن آوازه محمد احمد به او پیوست. برخی پیوستن تعایشی به محمد احمد سودانی را در ادعای مهدویت وی در ۱۲۹۸ مؤثر دانسته‌اند (هالت ۹۶-۹۷). محمد احمد به تقلید از صدر اسلام، چهار خلیفه برای خود برگزید و تعایشی را به عنوان «خلیفه الصدیق» یا «ابوبکر الصدیق» خلیفه اول ملقب کرد. پرچم سربازان تعایشی، نماد سیاه رنگ داشت. پس از مدتی نیروهای مهدی سودانی به شکست ناپذیری شهره شدند. مهدی، حکومتی در مظاهر برخاسته از اصول اعتقادی و دینی در آن سرزمین از خود باقی گذاشت و بعدها مدعی سروری و رهبری عالم شد. او همچنین ادعای مکاشفاتی را داشت و می‌گفت: پیامبر، مهدی و خضر نزد من آمده‌اند و تمام اعمالم را تأیید کرده‌اند و من را سرور هدایت تمام جهان قرار داده‌اند. او به یکی از مکاشفاتش اشاره می‌کرد که در آن، پیامبر اقدام‌های وی [مثل قتل‌ها] را تأیید کرده بود. و نیز ادعا کرد که پیامبر

۱. مدعیان مهدویت / ۸۰ به نقل از: فرهنگ‌نامه مهدویت / ۳۸۷ و ۳۸۸.

دستور حملهٔ او به نیروهای مصری و تُرک و انگلیسی را صادر کرده است. تعایشی مانند مهدی سودانی، نامه‌هایی برای حاکمان کشورها فرستاد و آن‌ها را به تسلیم شدن و ایمان آوردن به مهدی فراخواند.^۱ با وجود فعالیت‌های منظم نظامی و اداری توسط تعایشی^۲ سرانجام با فعالیت و رقابت فرانسه و انگلستان، مصر و انگلستان به آن‌ها حمله کردند و انگلستان بر سودان تسلط یافت.

نکات

۱. استفاده از القاب و عناوین مقدس (خلیفه، ایمان به مهدی، پرچم سیاه و...) از عواملی است که شبیه آن در مدعیان دیگر نیز برای جذب مردم وجود دارد.
۲. پیشرفت‌های موقت و ظاهری از نظر نظامی نیز عامل پذیرش مردم می‌شد [شبیه کامیابی اولیهٔ قادیانی و بابیه].
۳. نامه نگاری و دعوت فراگیر و جهانی خواندن خود از شیوه‌های فریب عمومی بوده است [شبیه جریان نامه‌های باب و بهاء به انگلستان و فرانسه و برخی سران دیگر کشورها].

۱. حالت/۱۱۱ - ۱۱۳ و ابراهیم/۷۷: به نقل از: مدعیان مهدویت/۸۰ به بعد

۲. لوتسکی/۲۵۶ - ۲۵۸ و لاپیدوس/۸۵۴ - ۸۵۶

فصل دوم:

زمینه‌های گرایش به جریان سودانی

۱. عوام‌فریبی

۱-۱. فریبندگی شخصیت

یکی از موارد جذابی که باعث توفیق فرد در اهداف سیاسی-اجتماعی می‌گردد، آن است که از نام و عنوان قهرمانان تاریخ، بزرگان ادیان و مکاتب بهره‌گیرد و به نوعی خود را به آن‌ها منتسب سازد. محمد احمد سودانی نیز از آغاز لقب «مهدی» را برای خود برگزید. از سوی دیگر لقب وی در جنگ‌هایش - که خود به بهانه گسترش اسلام بر پایه اصلاحات سیاسی در سودان پر از آشوب و ظلم انجام داد - تأثیر خود را در آماده‌سازی مردم نهاده است.^۱

مورد دیگری که می‌توان آن را از عوامل فریبندگی شخصیت سودانی دانست، شخصیت دینی - علمی وی است. در شرایطی که حدود و شرایع اسلامی در سودان تعطیل، و فساد و جور گسترش یافته بود مردم در انتظار حکومتی اسلامی بودند که عدل را برقرار کند. او از رجال دینی و شاگردان

۱. الثورة المهدية و اصول السياسة البريطانية في السودان/ ۲۵.

خود خواست در راه جهاد الهی یاری اش کنند.^۱

از موارد دیگر که همواره عامل انحراف افکار عمومی بوده، حالات غیر عادی فرد مدعی، یا ادعای وجود حالات فوق العاده و معنوی است. سودانی نیز حالت عابد متصوف داشته است و بین مردم شایع می‌شود که صاحب رؤیاهای و شنونده صداهای ویژه‌ای بوده؛ و لذا او را دارای عنایت خاص الهی و لایق نجات دهندگی برای خود می‌دانسته‌اند. در همان دوران ارتباط خود را با استادش شیخ محمد شریف قطع می‌کند و علت آن را آلودگی محافل او به موسیقی و رقص اعلام کرده است.^۲ و همه این رفتارها، نقش محمد احمد را به عنوان یک مصلح دینی برای جامعه‌اش، ترسیم می‌کرده است.

توجه نکردن به ظواهر دنیوی و بخشش هدایایی که برایش می‌آوردند، در چشم فقیران و دیگر قشرهای مردم، چهره‌ای زاهدانه و بی‌اعتنا به دنیا برای او می‌ساخت؛ مخصوصاً که وی مردم را به اسلام اصیل فرا می‌خواند و این که از دار دنیا که دار انتقال است باید دوری کرد.^۳ اطرافیان را از گفتار زشت و آلودگی‌هایی چون: مشروبات الکلی، مواد مخدر و لهو و لعب، باز می‌داشت و میدان دین و سیاست زمان خود را بیگانه اعلام می‌کرد. این مطالب، ذهن مردم را ظاهراً به اسلام و پیوند حقیقی دین و سیاست در حکومت پیامبر و امیرالمومنین علیه السلام سوق می‌داد.^۴

۱. تاریخ السودان الحديث / ۱۱۹.

۲. الثورة المهدية و اصول السياسة البريطانية في السودان / ۲۱ و ۲۲.

۳. همان / ۲۳.

۴. همان / ۲۴.

سودانی در جمع چوپانان قبیله «بکار» که هسته ارتش مهدی گرایان را تشکیل می‌دادند پرداختن مالیات را خواستار شد و این که تنها زکات عشر که دستور آن در قرآن هست، گرفته شود. این اعمال او برای مردم مساوی بود با برابری در ساده زیستی و صرفه‌جویی که در صدر اسلام رایج بود.^۱

سودانی که از میان صفوف مردم برخاسته بود مورد پذیرش آنان قرار گرفت؛ چون آن‌ها منتظر فردی بودند که از درد و رنج نجاتشان دهد، علاوه بر آن که رهبر فرقه سنوسی هنگام مرگ، ظهور مهدی در یکم رمضان سال ۱۳۰۰ ق. را پیش‌بینی کرده بود.

۱-۲. تلقین ادعاها و غیبی و مسلم جلوه دادن آن‌ها

یکی از مواردی که توسط مدعی حقیقی نشان داده می‌شود تأیید و امداد الهی است، ولی مدعیان دروغین با فریب، این مطلب را ادعا می‌کنند. مهدی سودانی در یکی از آثارش می‌نگارد:

«سید وجود علیه السلام به من خبر داد: من مهدی منتظرم. پیامبر چندین بار مرا بر کرسی‌اش نشانده و خلفای چهارگانه [= ابوبکر، عمر، عثمان و امام علی] و قطب‌ها [دراویش] و خضر علیه السلام حضور داشتند و مرا با ملائکه مقرب و اولیای زنده و مرده از فرزندان آدم تا زمان کنونی، و جنیان مومن، تأیید و یاری کرد.

هنگام جنگ، سید وجود علیه السلام به عنوان امام و فرمانده سپاه حاضر می‌شود؛ نیز خلفای چهارگانه و قطب‌ها و خضر حاضرند. از این رو، یارانم ثابت قدم می‌شوند و در دل دشمنانم، ترس افکنده می‌شود، و هر که با من

۱. اندیشه و جنبش‌های عرب/ ۹۵.

دشمنی کند، خداوند خوارش می‌کند. پس: هر که به راستی سعادت‌مند باشد، می‌پذیرد من مهدی منتظرم. سید وجود علیه السلام سه بار به من خبر داد: آن که در مهدویت تو شک کند، به خدا و رسول کافر شده است.^۱

وی در نامه‌ای دیگر می‌گوید: اگر من نوری از جانب خدا نداشتم و رسول الله صلی الله علیه و آله تأییدم نکرده بود، توان کاری را نداشتم و روا نبود برای تان سخنی بگویم. باید بدانید جز به دستور پیامبر یا فرشته الهام که از طرف پیامبر اجازه دارد، کاری نمی‌کنم.^۲

محتوای نامه‌ها نشان می‌دهد که دلیل مهدی سودانی بر ادعای مهدویت، فقط گفتارهایی بی‌اساس است و هیچ دلیلی در تأیید وی یافت نمی‌شود؛ حتی پیروزی وی - که ادعا داشت با امداد الهی پشتیبانی می‌شود - نیز تحقق نیافت.

۱-۳. سوء استفاده از متون دینی و تاریخی و آمیختگی آن‌ها با شخصیت مدعی

مسلمانان سودان، خود انتظار ظهور مهدی را می‌کشیدند و از طرفی سنوسی پیش بینی کرده بود مهدی به زودی ظهور می‌کند. اقوالی هم از راویان و نویسندگان وجود داشت که مهدی از میان سودانی‌ها بر می‌خیزد، از جمله قرطبی در طبقات کبری می‌گوید: وزیر مهدی صاحب خرطوم است. سیوطی و ابن حجر هم از [جمله] علائم ظهور مهدی را خروج صاحب سودانی

۱. آثار الکاملة للإمام السودانی، ج ۱، ص ۱۳۹ - ۱۴۹؛ به نقل از: مهدی منتظر؛ سیر تاریخی و نشان ظهور زمان و سعاده المهدی بسیره الامام المهدی/ ۱۹۷۲.

۲. آثار الکاملة، ج ۵ ص ۹۴. نامه ۴۰.

معرفی کرده‌اند.^۱

از طرف دیگر واپسین کلام سودانی هنگام مرگ، مبنی بر این که پیامبر خلیفه من را تعیین کرد و نیز ساختن «قبة المهدی» بر سر قبر او و تشویق مردم به آشامیدن و وضو گرفتن از چاه نزدیک آن، از عواملی است که جریان اجتماعی مهدی سودانی را پس از مرگ او نیز فعال نگاه داشت.^۲

در این جا مناسب است جریان سودانی را با جریان شیخیه و بابیه، در اعلام نزدیکی ظهور و نیز شخصیت مدعیان مقایسه کنیم: عموی محمد احمد سودانی، با او به خشونت رفتار می‌کرد و وی را کتک می‌زد؛ لذا محمد احمد گریخت و به خرطوم رفت و در طریقه فقرا وارد شد.^۳ این جریان ناکامی در کودکی و جوانی در فعالیت‌های زندگی و پس از آن، حالت گوشه‌گیری و پیوستن به گروه‌های تصوف از مواردی است که در جریان بابیه نیز دیده می‌شود. بر اساس مطالبی که از قول روان‌شناسان در بررسی خلق و خوی مدعیان در همین تحقیق نقل شده، شکست و ناکامی در کودکی، شرایط فعالیت ویژه در بزرگسالی و تلاش در جهت فعالیت اجتماعی ویژه و غیر عادی در آینده وی را فراهم می‌کند؛ مثلاً: محمد احمد با زیرکی خاص و قدرت خطابه فوق العاده، بر حاضران تأثیر می‌گذاشت.^۴

۱. باب‌الابواب/۵۴؛ به نقل از: تاریخ جامع بهائیت/۵۳.

۲. همان/۵۷.

۳. همان/۵۳.

۴. تاریخ جامع بهائیت/۵۳ و ۵۴.

۱-۴. سوء استفاده از ظرفیت‌های دینی - اجتماعی

برخی نویسندگان، از جمله: انگلس گفته‌اند: همه جنبش‌هایی که زیر پوشش مذهب به راه افتادند دارای علل اقتصادی بودند.^۱ هر چند سخن وی قابل تأمل است و حداقل در برخی جنبش‌های اسلامی از جمله نهضت تنباکو و انقلاب اسلامی ایران، اهداف مذهبی و اعتقادی وجود داشته، در هر حال به دلیل وجود کارکردهای عدالت‌گرایانه و ظلم‌ستیز در برنامه‌های مهدی موعود، دور از انتظار نیست که در مواردی ظلم و بی‌عدالتی اقتصادی، محرکی قوی برای گرایش به مدعیان مهدویت شده باشد. واکنش سودانی‌ها بر ضد بار سنگین مالیات و ظلم مأموران عثمانی و مصری هم از این جمله بود؛ لذا مهدی سودانی بر تشیع در برابر تسنن تأکید داشت و فعالیت‌های خود را بر ضد عثمانی‌ها - که حکومت و مالیات را در دست داشتند - سازماندهی کرد.

۲. زمینه‌های اجتماعی

سودانی نیز همانند دیگر مدعیان مهدویت، باید دارای گونه‌ای از هم‌رنگی با اهداف مهدی موعود و خصوصیات وی باشد تا مورد اقبال واقع شود و مردم بتوانند آن باور ریشه دار خود را با وی منطبق سازند. بنابراین: چند عامل فکری و فرهنگی باعث این گرایش شده است.

۱. پژوهشی در تاریخ مسیحیت نخستین، ج ۲۲: به نقل از: اندیشه‌ها و جنبش‌های سیاسی اجتماعی در جهان عرب/ ۹۶.

۲-۱. انتظار عمومی و فراگیر ظهور مهدی

نزدیک انگاری ظهور به دلیل پیش‌بینی رهبر فرقه سنوسی در مورد ظهور مهدی، در ماه رمضان ۱۳۰۰ ق (۱۸۸۲ م) این مطلب را نشان می‌دهد. همان‌گونه که می‌دانیم همواره پیش‌بینی‌ها، پیش‌گویی‌های منجمان، شاعران و اصحاب علوم غیر عادی، تأثیری فراوان بر باورهای مردم داشته است؛ چنان‌که در سال ۲۰۰۰ میلادی پیش‌بینی‌های خاص مربوط به رجعت مسیح باعث تحولات عجیب در مردم و رفتار مجامع در دنیا شد.

۲-۲. گرایش به بازگشت به دوران پاکی صدر اسلام

با بررسی وضعیت جامعه سودان روشن می‌شود که در آن فضا سعی کرده‌اند پیروان، براساس پرهیزگاری و امتناع از استعمال دخانیات، شرابخواری، شنیدن موسیقی ... و پرورش یابند و به قول انگلس: این ریاضت‌کشی سخت اخلاقی و دعوت به امتناع از همه خوشی‌ها و لذت‌های زندگی از یک سو به معنای مطرح ساختن اصل برابری بر ضد طبقات حاکم است و از سوی دیگر یک مرحله انتقال ضرور به شمار می‌رود که لایه‌های پایین جامعه بدون آن هرگز قادر به تحرک نیستند.^۱

در واقع یکی از علل تمایل افراد به مدعیان مهدویت در سودان، آرزوی تحقق دوباره جامعه پاک و ساده نبوی بوده است که می‌پنداشتند توسط مهدی سودانی محقق خواهد شد.

۱. جنبش‌های نوین، سیاسی/اجتماعی در جهان عرب/۹۵.

۲-۳. جهالت و تحلیل غلط اجتماعی

پیروان مهدی سودانی پس از افزایش نفوذ و پیروزی وی در برابر قوای حکومتی، کار او را به هجرت حضرت رسول از مکه به مدینه تشبیه کردند و سودانی هم، لقب «انصار» را به یاران خود داد. در همان حال از او و یارانش مانند پیامبر که به مدینه باز می‌گشت، استقبال کردند.^۱ مجموعه این القاب، عناوین و تشبیهات، می‌توانست باعث ایجاد یک باور غلط عمومی در پذیرش حرکت مهدی سودانی باشد.

حاکمان مصر، مردم را تحت فشار مالیات و ظلم و ستم قرار داده بودند. سودانی به تدریج اعلام کرد که: من همان مهدی منتظر هستم. از سوی دیگر نظام قبیله‌ای چنان بود که رئیس آن هر چه می‌کرد، دیگران می‌پذیرفتند؛ لذا چون قبیله سودانی مردمی برده فروش بودند و حکومت، برده فروشی را ممنوع کرد و منافع آنان در خطر افتاد، به مهدی سودانی که حالت مخالف و منتقد داشت، گرویدند. محمد احمد نیز برای تحکیم روابط با دخترانی از قبایل مختلف ازدواج کرد.

عبدالله تعایشی هم که اوقات خود را به علم نجوم و اسرار حروف می‌گذرانید، گفت: من منتظر ظهور هستم؛ لذا تعایشی و قبیله او هم به محمد احمد پیوستند. این در حالی بود که مردم سودان به ستاره دنباله‌داری که آن سال در آسمان ظاهر شد، اعتقاد عمیق داشتند؛ از این رو گمان کردند که آن ستاره پرچم حضرت مهدی است که ملائکه آن را به دوش گرفته‌اند.^۲

۱. الثورة المهدیة / ۲۶ - ۲۷.

۲. تاریخ جامع بهائیت / ۵۲ و ۵۵.

توجه پیروان و مریدها به علوم غریبه، اطمینان سریع به مدعیان، و اقبال مردم به گروه‌های به اصطلاح زاهد و درویش مآب در بسیاری از مدعیان دیگر نیز دیده می‌شود.^۱

کامیابی‌ها و فتح‌های نظامی و ظاهری این مدعی در برابر حکومت‌ها و ناتوانی مقطعی آن‌ها در برابر او، عامل جذب مردم به وی است [که همین نتیجه در تحقیقات میدانی این پایان نامه مربوط به علل گرایش مردم در مورد مدعیان اخیر، روشن می‌شود].

۳. عوامل سیاسی و نقش استعمار و فرهنگ غربی

حکومت انگلستان که در ظاهر فرماندهی قشون مخالفان و دشمنان مهدی سودانی را در دست گرفت، در نهان، عامل تجزیه سودان و مصر بود و در واقع مهدی سودانی را هدایت می‌کرد؛ لذا ژنرال گوردن پاشا از طرف دولت انگلستان، در ژانویه ۱۸۸۴، به سودان فرستاده شد تا مدرن‌ترین وسایل زندگی را برای مدافعان سودانی یا پیروان مهدی سودانی فراهم آورد.^۲ این حمایت پنهان استعمار، در گروه‌های دیگر [بابیت و بهائیت، قادیانیه و مدعیان اخیر] نیز دیده می‌شود و مسلماً با توجه به اقلیت بودن مدعیان و کمبود امکانات آن‌ها، حمایت مادی و معنوی منابع قدرت و ثروت جهانی از آن‌ها، می‌تواند در جذب مردم به آنان کمک کند.

از طرفی استعمارگران از دیر باز به فکر پیدا کردن جای پا در

۲. همان/۵۶

۲. تاریخ جامع بهائیت/۵۶ و ۵۷

سرزمین‌های دیگر به خصوص مناطق اسلامی بوده‌اند تا از سرمایه‌های انسانی و مادی آن‌ها کمال استفاده را ببرند، و یکی از راه‌ها ایجاد اختلاف و درگیری بوده است. ضعف حکومت‌های عربی در مصر و سودان زمینه‌ای بود تا انگلستان به دنبال پیدا کردن ردپا و تثبیت نفوذ و قدرت خود در آن کشورها باشد. شورش و انقلاب در سودان توانست، عامل دخالت بیش‌تر در مصر به بهانه حمایت از آن‌ها در برابر تهدیدهای خارجی در سودان باشد؛ لذا وقوع انقلاب مهدی در سودان از طرفی زمینه جدایی آن کشور از مصر را ایجاد می‌کرد و از سوی دیگر پس از ایجاد آشفتگی در سودان و شکست نهایی آن‌ها، باعث می‌شد که استعمار نفوذ خود را در سودان بیش‌تر کند. در واقع حمایت انگلیس از مصر، ظاهری بود و در حقیقت: هدف، آزادی سودان از حکومت و نفوذ مصر، بوده، که این جدایی، خود باعث ضعف هر دو کشور و ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده در آن‌ها می‌گشته است.^۱

– تأثیرپذیری فرهنگی از غرب

ویژگی قرن ۱۹، به شکلی بوده است که عرب‌ها به نوعی با اروپا مرتبط بودند. انقلاب فرانسه که تمام کشورهای بزرگ و کوچک اروپایی را لرزاند، نمی‌توانست در جامعه عرب بی‌تأثیر باشد و به تدریج اصول نظری همچون نبرد ضد فئودالیستی را در کشورهای عرب شکل داد و شعله آزادی، برابری و عدالت‌طلبی را در فکر و جان مردم شعله ور ساخت. ناپلئون هنگام گسیل سربازان خود به مصر، بیانیه‌ای داد که با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز

۱. الثورة المهدیة / ۱۸ و ۱۹.

می‌شود و در آن، گفته که: برای گرفتن حقوق شما از خود کامگان آمده‌ام. همه مردم در برابر خدا برابرند.^۱

این جمله‌ها نشان می‌دهد که آزادی و برابری برای مردم عرب در دوران سلطه استبداد بسیار مهم بوده است و حاضر هستند حتی حاکمی بیگانه بیاید و آن را به آن‌ها ارمغان می‌دهد. حال اگر در شرایطی که مردم به دنبال برابری و آزادی هستند، با شخص مدعی مهدویت، که از متن آنهاست، رو به رو شوند، حتماً با اقبالی بیش‌تر از حاکمان بیگانه با او مواجه خواهند شد.

بخش هشتم:

برخی مدعیان دهه‌های اخیر

(قبل و پس از انقلاب اسلامی)

فصل اول:

**مدعیان
و انحراف‌های غیر سازمان یافته**

رشد انحراف و خرافات که از جمله آن‌ها گسترش مدعیان مهدویت و نیابت، یا مدعیان ارتباط با امام زمان هستند، دارای عللی متعدد است:

الف. رشد عقاید خرافی و فرقه‌های شبه عرفانی

از جمله این‌گونه زمینه‌ها بحران‌های اخلاقی و روحی و معنوی در دنیای صنعتی و ماشینی اخیر (خصوصاً در نسل جوان) است. بر اساس گزارش مطبوعات: فرقه‌های شبه عرفانی از اواسط دهه هفتاد در کشور، شکل گرفته، در سال ۱۳۸۱ به اوج رسیده‌اند و اکنون (سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) پس از سالیان سکون نسبی، مجدداً فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. از جمله در تهران، هر هفته، محافل فرقه‌ای برقرار است و در آن‌ها ظاهراً مفاهیم عرفانی و دینی را مقدمه‌ای برای رواج فرقه‌های غیر قانونی قرار می‌دهند.^۱ از سوی دیگر؛ اغلب عارف نمایان، خود را، رابط بین مردم و امام زمان معرفی می‌کنند، حال آن‌که عرفای واقعی و بزرگ شیعه چنین ادعایی نکرده‌اند.^۲

۱. نک: کیهان، شماره ۱۸۹۸۶ یک شنبه، ۹ دی ۱۳۸۶، ص ۲.

۲. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی و سیاسی (شماره ۶ ویژه عارف نمایان)، نشریه دانشجویی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، دی ۱۳۸۶، ص ۳۰.

۱. اخیراً در مراکز پر رفت و آمد تهران، مانند ایستگاه‌های مترو، بازارهای پوشاک و... سنگ‌های کوچک، که ادعا می‌شود دارای خاصیت ایجاد خونسردی و اعتماد به نفس هستند، ارائه می‌شود.^۱ فردی که خود را رهبر فرقه کمیلیه می‌خواند، با بیان این که من در دل شما علم اخلاق و عرفان می‌ریزم؛ پس: رَبِّ شَمَا هَسْتَم و حاضرم جلوی چشم شما وسط آتش بنشینم، از آن‌ها می‌خواهد که به مجلس او بیایند.^۲

شخصی دیگر خود را دارای علم ما وراء الطبیعه و رابطه با جن و ارواح معرفی، و ادعا می‌کرد: با اعداد و ارقام و آیات قرآن، رمزگشایی می‌کرد و همچنین با اعداد و ارقام می‌توان به خدا رسید. او با دادن توصیه‌هایی به پیروانش مبنی بر نخوردن گوشت و... مدعی برنامه زمان بندی شده برای عرفان آن‌ها می‌شده است.^۳

۳. این اخبار منحصر به ایران نیست و در کشورهای دیگر نیز اخبار متعددی می‌رسد. از جمله: یک گروه به ظاهر دینی در مرکز روسیه در غار یخی، تحصن کرده‌اند و گفته‌اند: منتظر پایان دنیا و روز قیامت هستند! آنان تهدید کرده‌اند: اگر پلیس به سوی آن‌ها بیاید خود کشی می‌کنند. همچنین گفته‌اند: کلیساها خوب عمل نمی‌کنند و ما خودمان را از حوادث قیامت به این ترتیب نجات می‌دهیم.^۴

۱. روزنامه جمهوری اسلامی؛ شماره ۸۲۴۲، شنبه ۱۵ دی ۱۳۸۶، سال ۲۹، ص ۲.

۲. همان، شماره ۸۲۵۰، چهارشنبه ۲۶ دی ۱۳۸۶، ۷ محرم ۱۴۲۹، سال ۲۹، ص ۲.

۳. همان؛ شماره ۸۱۸۵، یکشنبه ۶ آبان ۱۳۸۶، ۱۶ شوال ۱۴۲۸، سال ۲۹، ص ۲.

۴. تبلیغ (۹)، ویژه محرم الحرام ۱۴۲۹، ص ۹۸.

۵. روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۲۰۴، سه شنبه ۲۹ آبان ۱۳۸۶، ۹ ذی قعدة ۱۴۲۸، ص ۲.

فرقه‌ها و آیین‌های ابداعی و شخصی محدود در امریکا در حدود ۲۵۰۰ فرقه تخمین زده می‌شود. فرقه‌های عرفانی یهودی نظیر کابالا نیز ظهور کرده‌اند و رد پای تعالیم و افکار آن‌ها در تولیدات هنری هم دیده می‌شود، بسط و گسترش اندیشه‌های جادویی و راز و رمزدار، پیش‌گویی، طالع بینی، فال گیری و حتی جادوگری سیاه (ارتباط با شیطان برای کسب علم و قدرت از وی)، نیز از این نمونه است.^۱

اخبار مربوط به این دسته از انحرافات و از طرفی بازگشت ویژه مردم به معنویات و نیز امور رمزدار و غیبی نشان می‌دهد که آنان به دنبال نجات خود از مشکلات هستند. در این فضا توجه و گرایش مردم به مدعیان مهدویت نیز بیش‌تر خواهد بود، همان‌گونه که حتی در زمان حضور ائمه هدی با توجه به فشار و سختی‌های فراوان سیاسی و اقتصادی و اعتقادی، گرایش مردم به مدعیان دروغین مهدویت، غلات و منحرفین وجود داشت. نمونه آن در جریان زیدیه است که برای اقدام بر ضد بنی امیه و نجات از آن فشار و اختناق، ادعای برگرداندن حکومت به اهل بیت، دستاویز مدعیان قرار گرفت، و به نوعی ادعای مهدویت مطرح می‌شد، و هر انسان فاطمی، عالم، زاهد و شجاع را که ادعای امامت کند، امام واجب الإطاعة می‌دانستند، گرچه از فرزندان امام حسین علیه السلام نباشد.^۲

۱. روزنامه کیهان، شماره ۱۸۹۶۸، شنبه ۱۷ آذر ۱۳۸۶، ۲۷ ذی قعدة ۱۴۲۸، ص ۱۴.

۲. فرهنگ فرق اسلامی/ ۲۱۵.

ب. ادعای‌های فردی غلو آمیز و باطل

چند نمونه؛

۱. مردی شیاد، با ادعای واهی ارتباط با ائمه اطهار، خانواده‌ها را فریب داده است. او با ساختن محرابی در منزل شخصی خود و انجام کارهای نامتعارف، کلاهبرداری کرده....^۱

۲. فردی در تهران، با ادعای خدایی به سودجویی و کسب میلیاردها ریال پرداخت. وی در انظار عمومی ظاهر نمی‌شد و فقط با کمک دوستانش اهداف خود را دنبال می‌کرد. او قبل از ورود به تهران بر اثر افسردگی و مشکلات مختلف زندگی، تمام وسایل خود را می‌فروشد و سپس به تهران می‌آید.^۲

۳. یک زن در دشتستان، مدعی رابطه با امام زمان و شفای بیماران شد. او شب عاشورای امسال قرار بود ۷۲ نفر را به نیت ۷۲ تن شفا دهد. وی در جلسه خاص خود با در دست گرفتن پرچم به میان جمع آمد و با حالتی ویژه گفت: الان امام زمان در جمع حضور دارد و باید به احترام ایشان قیام کنید. بر اساس گفته خبرنگار پارس نیوز: وی با وجود حضور پلیس و اطلاعات، حاضر به آمدن همراه پلیس نشد و فریب خوردگان ادعا کردند که: اگر او را بترید زلزله خواهد شد.^۳

۴. مردی با ادعای اولیة ارتباط با ائمه در «قیامدشت» با جمع کردن مردم به دور خود، ادعای مهدویت نیز کرد.^۴

۱. تبلیغ، ویژه‌نامه محرم الحرام ۱۴۲۹، ص ۹۵.

۲. همان/ ۹۵ و ۹۶.

۳. روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱ بهمن ۱۳۸۶، ۱۲ محرم ۱۴۲۹، شماره ۸۲۳۵ سال ۲۹، ص ۲.

۴. همان، چهارشنبه ۲۶ دی ۱۳۸۶، ۷ محرم ۱۴۲۹، شماره ۸۲۵۰ سال ۲۹، ص ۲.

۵. خبرنگار «جهان» اعلام کرد: فردی به نام «ع.ق» همراه با دخترها و دامادهای خود به ساختمان ریاست جمهوری مراجعه و ادعا کرد که: امام زمان است و آمده تا رئیس جمهوری را ببیند و همراهانش گفتند: مدتی است، به وی الهام می‌شود. او کتابی نیز با موضوع رسالت و مأموریت خودش چاپ کرده است.^۱

۶. جوانی در کرمانشاه، ادعای ارتباط با امام زمان داشت و دسته‌های گوناگون مردم از شهرها و روستاهای اطراف به دیدارش می‌رفتند. وی می‌گفت: در شب میلاد امام رضا، ایشان به خوابم آمدند و از من خواستند یاری‌اش کنم. و سپس مدعی می‌شود: الان امام زمان، تنها در گوشهٔ مجلس نشسته‌اند و حضرت عیسی و خضر هم این‌جا حاضر هستند همراهان وی پول‌هایی را از مردم می‌گرفتند.^۲

چند نمونه خاص دیگر^۳

- در این قسمت به برخی جریان‌ها می‌پردازیم که بخشی از آن‌ها ارتباط مستقیم با مهدویت ندارد، ولی دارای زمینه‌های مشترک در فریب مردم است.^۴

۱. فردی مدعی ظهور موعود در سال ۱۳۶۹ است که چند سال به علت جرایم اقتصادی در زندان به سر می‌برد.

۱. سایت موعود <http://mouood.org/content/view> ، خبرنگار «جهان».

۲. سایت <http://www.iranianuk.com>.

۳. تصاویر و مستندات مربوط به این فریبکاری‌ها و نیز مستندات مربوط به برخی از مدعیان بخش‌های قبل، در این نوشتار آمده است.

۴. منبع این اطلاعات برخی از سی‌دی‌های تهیه شده توسط مراکز فرهنگی حوزوی، یا اطلاعاتی معتبر است که همراه با اعتراف‌های مدعیان جمع آوری شده است [مانند لوح فشرده شعبده شیطانی، مرکز معراج].

۲. یک مدعی نیابت امام زمان، با تشکیل محفل‌ها و حلقه‌های به اصطلاح معرفتی با فتواهای غیر قانونی، کانون خانواده‌ها را می‌گسست و خواب مزیدان را به نفع خود و اطرافیانش تعبیر می‌کرد.

وی فاقد سواد حوزوی است و با سوء استفاده از سوابق علمی اقوامش کار کرده است. او گفته: از استاد بی‌نیاز است.

۳. مدعی دیگر می‌گوید: چهره شنوندگان را در عرش دیده است که برای مأموریت انتخاب شده‌اند. امام زمان عنایت خاص به این مأموریت دارد و حتی خود امام این مأموریت را به آن‌ها واگذار کرده است.

۴. دیواری که تصویری از انسان در آن نقشه بسته است و مردم گمان کرده‌اند، آن جلوه و تجلی یکی از اولیای الهی است [در حالی که پشت آن دیوار آب چکه می‌کرده است، آمده‌اند آن را شست‌شو دهند که بر اثر آن کار، شکل یک انسان در می‌آید ولی مردم با پارچه‌های سبز جمع شده و گفته‌اند: شَبَّحَ وَلِیَّ خدا است، در حالی که پشت دیوار، دستشویی و انباری بسیار کثیف بوده است].

۵. در شبکه‌های خارجی اعلام شد: شیعیان ایران، درخت می‌پرستند. موضوع آن است این درخت در خانه دختری است که در خواب می‌بیند نایب حضرت امام حسین است و به او اجازه داده که شفا دهد. [آیت الله موسوی جزایری امام جمعه اهواز می‌گوید: علت فریب مردم در این موارد، بی‌سوادی و کم‌اطلاعی است که مردم حاشیه شهرها و روستاها به آن مسایل گرایش پیدا می‌کنند و دشمنان ما، در این قضایا دخیل هستند و به دنبال فرصتی برای ضربه زدن و محرکه آفرینی هستند].

۶ مدعی دیگر: خانم ف.آ.م است. وی جلساتی داشته است. او که قبل از انقلاب کاملاً بی‌حجاب و شوهرش نیز گمراه بوده، گفت از یاران امام زمانم و کتاب‌های دیگران را به نام خود چاپ می‌کرد. بعدها حسینیه‌ای می‌سازد که گفته: محلی است که یاران در این جا قیام می‌کنند. و ادعا می‌کند امام زمان به او پیام می‌دهد، که به مردم بگوید ظهور ایشان نزدیک است. او خواب‌های دروغین خود را پس از ثبت و ضبط به شکل کتاب مصوّر چاپ می‌کند. همچنین خوابنامه‌های مریدان را به عنوان مدرک قطعی دالّ بر ارتباط خود با امام زمان معرفی می‌کرد. وی ادعا کرده که: من با امام زمان ازدواج خواهم کرد. او گفته کتاب‌هایش حالت رو نویسی دارد. نام یک کتاب او *البيعة لله* است که در آن ادعایی نسبت به امام زمان داشته است.

۷. فردی دیگر می‌گوید: من علم لدنی دارم. او گفته: قیامت برای من برپا شده، آدم و حوا را می‌بینم. و هفده سال تمام فقیران کنار خیابان قم را که بی‌سرپرست و بی‌پناه بودند می‌شناختم. تمام کورها و نابیناهای اطراف حرم و... را می‌شناختم. و تمام هستی خود را برای تشکیل جلسه و جمع آوری آن‌ها صرف کردم [درماندگی و فقر از عوامل گرایش مردم]، به تدریج موفق می‌شود تعدادی از جوانهای شهرستانی و تقریباً ۶۰ نفر آمادۀ کار و به اصطلاح قیام مهدوی را جذب کند. یکی از فریب خوردگان می‌گوید: بعدها به این نتیجه رسیدم که برای سلامت از آفات دنیوی و اخروی، تمسک به مراجع حقیقی لازم است. من به این نتیجه رسیدم که ریشه تمام بدبختی‌ها جهل است و دیگر این که رسیدن به هر علمی برای هر کس ممکن نیست و شرایط لازم است. و این که انسان باید با افراد والامقام و عالمان ربانی ارتباط مستقیم داشته باشد و بدون آن‌ها رشد معنوی، ممکن نمی‌شود.

ذکر برخی دیگر از مدعیان اخیر

۱. پزشک مصری، ناگهان در مصلاهی نماز جمعه یکی از شهرهای عربستان اعلام کرد که: حضرت مهدی است! وی قبلاً نیز ادعای نبوت کرده بود.
۲. یک فلسطینی مرتبط با رژیم صهیونیستی، ادعای مهدویت کرده است. این شهروند فلسطینی در جنوب غزه، ادعا کرد، مهدی موعود است و از هواداران حماس خواست از او تبعیت کنند؛ البته او با رژیم صهیونیستی روابط پنهان داشته است.^۱
۳. وجود صندوق بخت در یک روستا بر اثر خوابی مشهور شده است. ماجرا، آن است که کسی در خواب گفته: من فرشته طایفه قطب الدین هستم. فردا صبح مردم، سنگی را بلند کرده‌اند و جایی را نشان داده و گفته‌اند که: فرشته (شانس) قطب‌الدین اینجا است.
۴. زنی ادعا می‌کرد نام «محمد» روی بدن گاوش نوشته شده، و گاوش نظر کرده است. و دیگر آن که گفته: در خواب آن مطلب را دیده‌ام و چند نفر شفا یافته‌اند.
۵. زن مدعی ارتباط با غیب و ارتباط با امام زمان به افراد گرفتار می‌گفت طلسم دارید و من می‌توانم مشکل‌تان را حل کنم. او جواهرهای فراوانی نیز جمع کرده بود. و مردی ۷ میلیون و چند صد هزار تومان به عنوان جریمه گناه خود به آن زن پرداخت کرده است. وی گمان می‌کرد آن مدعی، نماینده آقا امام زمان است.

۱. ویژه‌نامه جام جم، (کژراهِه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۵۹ اخبار مدعیان.

۶. فردی به عنوان پیامبر و امام دروغین می‌گوید: ما، در بیابان تهران، اورشلیم جدید می‌سازیم و این‌جا زمزم و خیبر و... داریم. او مدعی دروغین مهدویت هم بوده است. او گفته: مهدی، هم مسلک با یهود و صهیونیسم است. این مدعی، با تحریف آیات قرآن، نمازی جدید ساخته است.

۷. فردی که خود و همسر خود را پدر و مادر نوع بشر می‌خوانده؛ درس‌هایش را با تجدیدی و تک ماده قبول شده است!

۸. افرادی ادعا کردند نقشی شبیه ذوالفقار، روی شاخ یک قوچ وجود دارد و عامل تبرک و تقدس جویی مردم واقع شده‌اند.

۹. یک مدعی دروغین نبوت می‌گوید: وقتی با من تماس می‌گیرید بگویید: من حضرت پیغمبر یا آقا و چنین کسی را می‌خواهم. [حتی در عنوان ادعا تردید و اضطراب دارد].

۱۰. مدعی بدلی امام زمان [آذری زبان] گفته امام باقر را که فرموده: ناچار برای ما است آذربایجان بر خود منطبق کرده است. وی گفته: من خودم را کنار قرآن گذاشتم و دیدم علائم من در حروف مقطعه قرآن است. و این‌گونه مدعی مقام ولایت جدید برای خود می‌شود.^۱

۱. سوءاستفاده از روایات و حتی آیات، مسأله‌ای است که در بسیاری فرقه‌ها و مدعیان دیده می‌شود. از جمله سوء استفاده از آیات قرآن و تفسیر ناصحیح آن برای نفی خاتمیت و ادعای رسیدن قیامت و آمدن موعود اسلام که توسط بابیه و بهاییه انجام شده است و نیز سوء استفاده بسیاری از مدعیان اخیر از روایات تحلیل نشده است. در نمونه ذکر شده نیز باید گفت: احادیث مربوط به علائم الظهور و محل خروج امام زمان و محل وقوع حوادث خاص آخرالزمان، به کار اجتهادی نیاز دارد و علاوه بر پالایش، نیاز به جمع‌بندی و دقت عملی دارد. ثانیاً ادعای آمدن پیامبر یا دین جدید از یک شهر خاص با اصل اسلام و مهدویت و متون یقینی و قطعی ما منافات دارد. [برای آگاهی از بحث‌های علمی نشانه‌های ظهور نک به: تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور: مصطفی صادق؛ و نیز برای آشنایی با شبهات و سوء استفاده‌های بهائیت در آیات و روایات مراجعه کنید به آثاری؛ همچون: خاتمیت (اثر روحی روشنی)، +---

برخی هشدارهای بزرگان در مورد این ادعاها

مقام مُعظّم رهبری: مواظب باشید ... الان این روزها، این جور چیزها زیاد است و دکان دارهایی که ادعا می‌کنند: امام دیدیم، فلان دیدیم، هیچ واقعیتهایی ندارد. حواستان باشد که اسیر آنها نشوید.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی: این‌ها همه شیادی است و مردم باید مراقب باشند. بدترین چیز آن است که افراد به صرف ادعای ارتباط با غیب توسط کسی، خود را درست در اختیار او قرار دهند. آنچه طیّ سالیان اخیر، مکتب تشیع مبتلا به آن شده، ادعای مدعیان دروغین است که برای رسیدن به کام دنیا، آنچه در توان دارند استفاده می‌کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی طباطبایی (نماینده مردم تهران): تبلیغ به خود کردن، و این که دنبال ما راه بیفتید، از علائم دروغین [بودن] است [ولی] پیامبر می‌فرمود: «أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ».

→

اقداح الفلاح، دلیل وارثداد، اشراقات؛ از آثار یا ترجمه‌های اشراق خاوری) و نیز آثار ابوالفضائل گلپایگانی؛ مانند الفوائد، که در تمام این کتاب‌ها و آثار مشابه، بهره‌برداری مغالطه‌آمیز از متون دینی اسلامی انجام گرفته است. همان گونه که در جریان قادیانه و مهدی سودانی نیز به نمونه‌های مشابه اشاره شده است.

فصل دوم:

مدعیان سازمان یافته

در این فصل به برخی از مدعیانی می‌پردازیم که توانسته‌اند با جذب پیروان فراوان و انسجام و تشکیلات بالا و نیز جذب امکانات مادی و معنوی به صورت فرقه‌ای و گروهی، به قسمتی از اهداف خود برسند و دارای انشعاب‌ها و شاخه‌هایی در قسمت‌های مختلف کشور شده‌اند.

۱. گروه الف . و

حدود ۵۰ سال است که در تبریز و چند شهرستان دیگر گروهی به رهبری «الف.و» با تألیف کتاب و سرقت‌های علمی از منابع اهل تصوف و عرفان و ... اقدام به برقراری جلسات به اصطلاح عرفانی و ایجاد انحراف در جامعه پرداخته‌اند. از سال ۱۳۷۵ کتاب‌های *مبدأ و معاد*، *نبوت و امامت* و *سفر به کعبه جانان* چاپ شد و در آن، ادعاهای خاص مربوط به مهدویت و ... منتشر گردید. اکثر مطالب عرفانی آنان بدون ذکر منبع از تفسیر *کشف الاسرار و عدة الابرار* رونوشت شده است.^۱

۱. عین کلمات این گروه و تطبیق آن با عین جملات کشف الاسرار در جزوه شاگردان سابق رهبر این گروه آمده است. که برخی را خلاصه ذکر می‌کنیم.

(۱) نبوت و امامت/۴۹ = کشف الاسرار، ج ۸، ص ۱۰۰.

(۲) نبوت و امامت/۵۰ = کشف الاسرار، ج ۸، ص ۱۰ - ۱۲.

در سال‌های اخیر خانم الف، پر نفوذترین شاگرد وی به فعالیت پرداخته. او نیز ۲۹ سال است به برنامه تفسیر می‌پردازد. برخی شاگردان مهم این گروه بعداً برگشتند و افشاگری کردند. تعداد قابل توجهی از خانم‌ها، حتی بدون اطلاع همسر و خانواده خود، به دیدار الف.و می‌رفتند. از جمله در ۱۳۸۴/۷/۹ یا در ۱۳۸۴/۲/۱۸ که در آن جا القاب و عناوین کاذب به آن‌ها داده می‌شده است و خانم الف برنامه عمومی چهارشنبه‌های خود را از مطالب علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی و تعبیر دیگران استفاده می‌کرد، تا رد پایی از ارتباطش با الف.و نماند. وی نماز جماعت مستقل به امامت خود برای بانوان در تبریز [حتی با وجود روحانی مسجد] برگزار، و میلیون‌ها تومان وجوه شرعی را بدون اجازه و قبض رسید، دریافت می‌کرد. مسایل شرعی را از طرف الف.و جواب داد و شرکت در برخی جلسات خود را واجب اعلام می‌کرد. خانم م. نیز از دیگر شاگردان برجسته وی به امور مشابه پرداخته است. البته آنان در مواقع خطر، مسایل را انکار کرده، تمام ادعاهای کشف و شهود را از تلبیسات شیطانی می‌خوانده‌اند.^۱

ادعاهای الف. و

– یکی از ادعاهای اصلی وی – که در واقع مجموعه‌ای از ادعاها است – آن

....→

(۳) نبوت و امامت/۶۰ = کشف الاسرار، ج ۸، ص ۲۹۸.

(۴) نبوت و امامت/۶۰ = کشف الاسرار، ج ۷، ص ۴۵۸.

و ...

۱. نامه جمعی از شاگردان سابق خانم الف به آیت الله مجتهد شبستری، نماینده ولی فقیه در استان، ۱۳۸۶/۱/۲۰.

است که مظهر صفات الهی است و با امام زمان ارتباط کامل دارد. همچنین از نفثات شیطانی مصون، و به اصطلاح از صادقین است.^۱ مجموعه این مطالب، نشانه ادعای عصمت توسط اوست.

- ادعای دیگر، اصل وجود نایب خاص در زمان غیبت کبری است. او گفته است: البته آن توقیع^۲ نه وجود نایب خاص را نافی است و نه ... تشرف به حضورشان را ... این است که در تاریخچه زندگی برخی اشخاص بعد از مرگشان ملاحظه شده که آنها نایب خاص بوده‌اند، ولی به طور صریح خود را معرفی نکرده‌اند.^۳ [شبهه ادعاهای شیخیه کرمانیه].

زمینه‌های گرایش مردم به گروه الف . و

الف: جذب با استفاده از القاب و عناوین و ایجاد روحانیت کاذب و احساس معنویت.^۴

همان گونه که با دقت در تاریخچه مدعیان قبلی و نیز تحقیق میدانی روشن می‌شود، احساس معنویت کاذب و مقام‌های معنوی صوری و تخیلی و نیز دریافت القاب و عناوین، عامل جذب پیروان، یا ادامه فعالیت آنها در خدمت فرقه‌ها و مدعیان بوده است. همین عامل در جریان الف.و. دیده می‌شود. در این جا به برخی از خطاب‌ها و القابی که وی درباره یاران خاص

۱. اقتباس از: نبوت و امامت، الف.و، ص ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۷؛ به نقل از: جزوه آگاهی از منابع ذکر نشده ع. الف.و، ص ب.

۲. منظور توقیع نشان دهنده پایان نیابت خاص و غیبت صغرا است.

۳. نبوت و امامت، ص ۱۹۶؛ به نقل از: جزوه شاگردان سابق وی، قسمت دوم، ص ۱۲.

۴. جلسه اول، شنبه ۶ ماه رمضان ۱۴۲۶، ۱۰ آبان ۱۳۸۲، ساعت ۹/۲۵؛ به نقل از: جزوه دوم شاگردان سابق وی [با عنوان آگاهی از رهبریت مستتر]، ص ۱۳.

خود و نیز خطاب به شاگردان و اهل محفل خویش به کار می‌برد، اشاره می‌شود:

- خطاب به خانم الف. و متعلمین او: حتماً خواهر گرامی و افتخار اسلام! عارفه جلیل القدر! خانم الف عظمت این را فرموده‌اند. ای سالکۀ پاکدل؛ ای مربی گرامی مکتب مولا! که مدتی است در مقام تسلیم و رضا طالبین حقیقی را تحت تعالیم خود گرفته‌اید. شما خود یکی از ستارگان درخشان آسمان حقیقتید... قربان شما [!]. شما زهرای زمانید [!].^۱

... این خواهر گرامی، نور دیده ما است، یگانه عزیز ماست.^۲

خطاب به خانم م [از شاگردان برجسته او]: و متعلمین او هزاران درود بر همای مناعت و استاد مُعَظَّمه قافله سالار متعلمین مکتب مولا!^۳
... استاد مُعَظَّمه؛ ای نور دیده‌ها؛ ای شهدای زنده! جانم فدای شما! به خدا اگر اجازه بدهید شما مقدسید...^۴

- [خطاب به متعلمین خانم الف] ای زائرین حقیقی کعبه جانان! ... طبیب این جاست؛ کجا می‌روید؟ ... امروز شما به سر چشمه آب حیات رسیده‌اید. از این آب حیات بخورید.^۵

ب: غفلت پیروان از تناقض‌ها

همان گونه که گفته شد، خانم امین پور [از شاگردان برجسته الله‌وردی

۱. جلسه دوم، دوشنبه ۲۶ ذی قعدة ۱۴۲۴ ق، ۲۹ دی ۱۳۸۲، ۹ صبح.

۲. همان.

۳. جشن نیمه شعبان، ساعت ۱۱/۳۰، تاریخ ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۴. همان.

۵. جلسه هفتم، شنبه ۲۶ شعبان ۱۴۲۶، ۹ مهر ۱۳۸۴ ساعت ۱۰/۵.

خان [فرشته عصمت و حتی [نعوذ بالله] زهرای زمان خوانده شده است و شاگردان این گروه خود را مبلغ اسلام و تشیع و مهدویت می‌دانند، حتی در جزوه‌های درسی و تفسیری آن‌ها گناه به شدت تقبیح شده است؛ از جمله می‌گویند: گناه، سَم است... و از پیامبر نقل می‌کنند: که «معصیت، قلب را به هم می‌زند»^۱ با وجود تمام این اعتراف‌ها مرتکب چنین مسایلی شده‌اند و آقای الله‌وردی با عبارت دختران زیبا... ناز کنید... با آن‌ها سخن می‌گوید. ولی پیروان، یا آن‌که توجهی به این تناقض‌ها نکرده‌اند، یا باز هم با توجیهات سبک، خود را از سؤال و اشکال منع شده می‌دانسته‌اند و انکار و تردید را نشانه عدم معرفت و عدم رسیدن به حقیقت معرفی می‌کردند. [جریانی که در دیگر گروه‌های مدعی اخیر مثل جریان سید ح.الف. و دیگران... و نیز گروه‌های قبلی مثل بابیت و بهائیت، نسبت به سؤال‌کنندگان، یا مخالفان انجام می‌شده است].

دیگر آن‌که در گفته‌های خود آورده که عده‌ای از دراویش و صوفیه گفته‌اند که: «احکام برای طهارت دل است و لذا دل که پاک شد دیگر لازم نیست نماز خواند، روزه گرفت، یا حجاب داشت...» و بدین صورت، کار صوفیه را رد می‌کنند، اما خودشان با تحریف احادیث و تفسیر به رأی قرآن به ارتکاب حرام‌های الهی [با پوشش عرفانی] پرداخته‌اند.^۲

– همچنین در سخنان مربوط به شب قدر گفته‌اند: «دین خود را جدی

۱. سلسله درس‌های تفسیر قرآن و اخلاق، جلسه ۳۰۱، سورة مبارکه بقره، آیه ۲۸۳، تاریخ ۲۰ محرم ۱۴۲۷ ق و ۱۰ اسفند ۱۳۸۴ ش.

۲. همان، جلسه ۳۲۵، تاریخ ۱۹ شعبان ۱۴۲۷، ۲۲ شهریور ۱۳۸۵.

بگیرید که یکی از مصادیق مهم آن... مراقبت [و نگهداری] حجاب می‌باشد... «گفتنی است که حریم محرم و نامحرم، در مورد نامحرم‌های فامیلی، حساس‌تر از نامحرمان بیگانه است»^۱ ولی برخلاف گفته‌ها در محافل خود، خانم‌ها با وضعیت خاصی حاضر می‌شدند.

۲. ح. الف

ح. الف. متولد ۱۳۱۴، سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شد. در سال ۱۳۴۲ با همکاری شهید هاشمی نژاد کانون بحث و انتقادات دینی را در مشهد تأسیس کرد، که به دلیل حضور شهید هاشمی نژاد، آن کانون مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۴۴ دستگیر می‌شود، ولی با تعهد به دوری از امور سیاسی، از افراد انقلابی اعلام برائت می‌کند و ساواک در نامه‌ای او را سالم می‌خواند. وی در بسیاری سخنرانی‌ها از فردی به نام «ملا آقا جان زنجانی» و تأثیرات او در افکارش نام می‌برد. حال آن‌که بزرگانی چون: آیت‌الله عمید زنجانی و شبیری زنجانی از ملا آقا جان دفاع نمی‌کنند و او را رد می‌کنند. او؛ پس از انقلاب با طرح مسایل تزکیه نفس و دیدار با امام زمان به فعالیت‌هایی انحرافی اقدام می‌کند.

برخی فعالیت‌ها و دعاوی وی

۱. ادعای واسطه فیض حضرت حجت بودن؛

۲. ادعای مکاشفه؛

۱. سخنرانی لیلۃ القدر، ۲۲ ماه رمضان ۱۴۲۶ق، ۴ آبان ۱۳۸۴.

۳. وادار کردن افراد به اعتراف به گناهان در برابر وی و نوشتن آن‌ها؛
 ۴. دستورالعمل و کارت رسمی برای سیر و سلوک ظاهری؛
 ۵. تهیه زمین برای بنای مسجد جمکران در مشهد؛
 ۶. ادعای ارتباط دائم و دیدار با امام زمان و انتشار آن‌ها در کتاب‌ها و مجلات؛
 ۷. ادعای مستجاب الدعوه بودن؛
 ۸. انتشار رساله عملیه خود؛
 ۹. یکی از یاران نزدیک وی نیز اعلام می‌کند که: ایشان یک تنه در زمان غیبت برای هدایت مردم حاضر شده است.
- دعاوی مطرح شده، عامل جذب افرادی فراوان به تشکیلات او شده است. وی به رغم پذیرش اشتباه‌ها و انحراف‌هایش از سال ۱۳۷۹ همچنان به طور گسترده به فعالیت پرداخته است.^۱

برخی زمینه‌های جذب افراد به طیف ح . الف

۱. تشکیلاتی عمل کردن در مورد تزکیه نفس

آن‌ها ۷ مرحله از استقامت تا عبودیت را تعریف کردند، که افراد با امتحان کتبی و شفاهی، هر مرحله را گذرانده، با حضور و غیاب در جلسات و انتخاب استادیار و گزارش مرحله‌ای (که هر عضو در آن قرار دارد)، در واقع نوعی اطمینان به نفس و احساس شخصیت و موقعیت ممتاز برای افراد ایجاد کرده‌اند. شبیه این تشکیلات و عناوین به اصطلاح مقدس در بابیت و بهائیت و نیز دیگر مدعیان اخیر نیز دیده می‌شود؛ مثل عنوان حروف حی که

۱. منابع این بخش، جزوه‌هایی از منابع قضایی و اطلاعاتی است که در جایگاه محفوظ است.

به یاران اصلی علی محمد باب داده شده است و هدف، تطمیع و قانع کردن افراد با القاب و عناوین بوده است.

۲. توجه افراطی به خواب و مکاشفه

یکی از یاران ح.الف، گفته است: افراد به بهانه خواب، مکاشفه و... به منع تحصیل در دانشگاه به عنوان وظیفه، و ترک روال منطقی در زندگی وادار می‌شدند و وجود هوای نفس و شیطان، هم به ضمیمه آن رؤیاهای زمینه برخی ادعاهای نادرست در امور دینی وی را فراهم می‌کرد.

۳. رمان پردازی و شخصیت سازی و دروغ

توسط سران گروه و مریدان، این‌گونه اقدام می‌شد و مسایل کذب به تدریج با رنگ حقیقت تثبیت می‌شد. [مانند شخصیت سازی به عنوان مُجدّد دین و اسلام در قادیانیه و نیز شخصیت مُصلح در سودانی].

۴. توجه زیاد به مسایل احساسی و ترویج مطالب سست

احساس بوی عطر معنوی در یک فضا، مشاهده نور، توجه افراطی و خاص به عریضه و چاه عریضه) و چنین عواملی باعث ایجاد توهم خاص در افراد ناآگاه و مریدان نادان می‌شد. در واقع جهالت به این نکته که نورانیت و نور معنوی، حالت حسی ندارد و نورانیت مطرح شده در قرآن و روایات از سنخ دیگر است، سبب گرایش افراد به این ظواهر بی اساس شده است.

۵. غفلت و توجه نکردن به وجود تناقض‌ها در رهبری تشکیلات

اساس کار، تزکیه نفس و دوری از خواهش‌های نفسانی بوده است، ولی خود سید حسن و برخی یاران اصلی وی عملاً در منازل مسکونی بزرگ و

گران قیمت به سر بُرده، گاهی از مسافرت‌های خاص و تجهیزات ماهواره و نیز روابط غیر اخلاقی نیز مضایقه نمی‌کردند. اما مریدان عادی و غافل، توجهی به این موارد نمی‌کردند، [همان‌گونه که در باییت و بهاییت، آموزه‌هایی مثل جست‌جوی حقیقت، دوری از شهوات، عدم دخالت در سیاست و... دیده می‌شود، ولی در واقع با اجبار افراد به پذیرفتن مسایل، و طرد افراد شاکی و نیز همکاری با استعمار و آلودگی به شهوات، رهبران این فرقه‌ها تمام آن آموزه‌ها را نقض کرده‌اند].

۶. جلوگیری از تفکر و سؤال و تحقیق در مورد مسائل

بر اساس گزارش‌ها، پیروان ابتدا با صفا و اخلاصی خاص وارد جلسات می‌شدند و هنگامی که هیچ تغییر روحی، در خود نمی‌دیدند و اشکال می‌کردند، در پاسخ مطرح می‌شد: شما باید تحمل کنید. یا گفته می‌شد: مراحل قبلی را درست انجام نداده‌اید. و با این کارها از سؤال و تردید، به اصطلاح، منع شرعی گردیده، آن را نشانه عدم خودسازی پیروان جلوه می‌دادند، [همان‌گونه که بازگشتگان بهاییت، یا باییت به عنوان ناقض امر الهی و ناتوان از دیدن حقیقت متهم شده‌اند].

۷. ضعف علمی

بیش‌تر مطالب آموزش داده شده بر اساس کتاب‌های شخصی سید حسن بود و حتی استادیاران این طیف، تنها چند کتاب بیش‌تر نخوانده بودند و طلابی که اطراف وی حاضر می‌شدند به بی‌رغبتی به تحصیل تشویق می‌شدند. این ضعف علمی خود باعث می‌شد که افراد به دلیل نداشتن قدرت تحلیل و نقد، ادعاهای ضعیف را، که مستند به برخی منابع ضعیف هست، بپذیرند.

۸. انحراف‌های مالی و اخلاقی

آن‌ها به اسم معنویت و عرفان، توانستند زمین‌هایی تصاحب و در آمده‌های سرشاری از مردم جلب کنند و جاذبه خاصی از این لحاظ به عنوان جلوه‌های پیشرفت این طیف، برای مردم عادی ایجاد شد. با این توجیه که اولیای الهی باید ثروتمند باشند، در ورطه تجملات افتادند و گاهی نیز به بهانه تدریس و ارشاد زنان و دختران، ارتباط‌های غیر اخلاقی برقرار شد و افراد در یک مسابقه دست یافتن به این موقعیت‌های نفسانی قرار گرفتند.

۳. علی . ی.

یکی از افرادی که در سال‌های اخیر ادعای خاص رابطه با امام زمان را داشته، آقای ع. ی. است. وی متولد ۱۳۴۴ تهران است. او به ادله‌ای از دانشگاه اخراج می‌شود؛ البته خود او معتقد است برای یافتن حقیقت و رسیدن به آنچه او را راضی می‌کند (و پس از فکر در مورد جریان امام حسین) تصمیم به ترک تحصیل می‌گیرد. پدرش در سال ۱۳۶۱ توسط گروهک منافقین به شهادت می‌رسد. او پس از ورود به عرصه اجتماعی و حضور در دانش‌گاهها، متأسفانه در جمع بسیجیان و اعضای هیأت‌های مخصوص اهل بیت علیهم‌السلام به طرح مسایل انحرافی می‌پردازد. مطالب او به سرعت در نقاط مختلف کشور و نیز از طریق سایت‌ها منتشر می‌شود. وی با طرح سلسله بحث‌هایی ادعای تسلط بر غیب کرده، می‌گوید که این‌ها را از پدرش به ارث برده است. بسیاری از مباحثش ظاهراً مُستند به آیات قرآن و گاهی نظر بزرگان است که البته در جای خود نقد شده است در این قسمت برخی ادعاهای وی را که به مهدویت نیز ربط پیدا می‌کند، می‌آوریم:

– ادعای رجعت

در جایی گفته است:

«... معلم [منظور معلم غیبی منحصر به فرد وی است!] به من گفته است که: تو باید اولین کسی باشی که در صبح ظهور به او می‌رسی... ان شاء الله در سومین حمله از حملات جنگ اسرائیل... ماها می‌رویم ولی رفتنی که ان شاء الله هستم... قبل از شما بینید که من آنجا جلوی شما هستم [در آنجا] تا امیرالمؤمنین تشریف بیاورند [می‌گویم] فعلاً من هستم بگو که فلان جا چرا این کار را کردی»^۱.

وی در این جمله‌ها اطلاع از غیبت جانشینی و وکالت از ائمه در اداره امور انسان‌ها و نخستین رجعت کننده زمان ظهور را ادعا کرده است.

– طرح نظریه نصب در غیبت کبری

در جلسات ششم و چهاردهم مباحث «بسوی ظهور» بیان می‌کند که امام و رهبری به دلیل نصب خاص و معین امام زمان، ولی فقیه هستند و در جایی هم می‌گوید: امام زمان قَسَم خورده‌اند که از آن به بعد هیچ روحانی را ولی فقیه قرار ندهند!

نظریه وجود هادی در زمان غیبت

او در خلال سخنرانی‌های خود از لزوم وجود فردی به نام «هادی» سخن به میان می‌آورد (هادی وقایع قبل و بعد از ظهور را مفصل بیان می‌کند) و در جلسه ۲۹ نظام بشر می‌گوید: الان هادی در جامعه وجود ندارد و ما هم فقط

۱. چهل شب با کاروان حسینی، شب اربعین، ۱۳۸۰/۲/۲۳.

سفره معانی باز کرده‌ایم ولی بر اساس همین سلسله دروس «به سوی ظهور» که حاوی نفی اهمیت فقاہت و نیز ادعای ارتباط خاص با غیب و ملکوت و... است، در واقع خود را مصداق هادی معرفی می‌کند که مقامش در حد ائمه هدی است.

وی حتی حوادث زلزله ترکیه (پس از حادثه کوی دانشگاه) و مرگ اسحاق رابین را به خود نسبت می‌دهد و می‌گوید: ما از خدا خواستیم و او انجام داد. حتی در جایی به حضرت موسی هشدار می‌دهد که: جلوی اسرائیلی‌ها را بگیر، و الا من خودم اقدام می‌کنم.

به نظر می‌رسد با توجه به ارائه چهره دیندار و انقلابی دلسوز و پشتیبان مظلومان جهان از خود، توانسته است جمع زیادی از افرادی را که به مدعیان دیگر نمی‌پیوستند به سوی خود گرایش دهد. اطرافیان وی نیز غافل از تناقض‌های موجود در کلام او (مثل درستی تفسیر قرآن یا بی‌فایده‌گی آن، فایده انقلاب و علم و فقاہت یا بی‌ثمر بودن آن‌ها، وجود یا نبود نایب خاص در زمان غیبت امام زمان و...) فریب کلام ظاهراً مستند او را خورده‌اند؛ اما با جمع بندی مطالب او و دقت علمی و دینی در آن‌ها، انحرافات روشن می‌شود؛ هر چند پیروان با تکیه بر ظواهر و توهم تقویت شدن حس غیبی خود،^۱ چشم بسته، او را پذیرفته‌اند.

۱. وی در سلسله مباحث نظام عالم، به مخاطبان می‌گوید: در این مدت طینت [و فطرت] برخی از شما که این‌جا هستید بیش از ۲۰۰ در صد اصلاح شده است!

۴. ک. ب

تاریخچه زندگی و فعالیت‌های وی^۱

او فرزند سید محمد علی است، که در ۱۳۳۷ در بروجرد متولد شد. سال ۱۳۵۰ پس از اتمام تحصیلات متوسطه وارد حوزه علمیه شد، ولی جدیتی در کار نداشت. در سال ۱۳۵۸ فعالیت‌های شبه عرفانی خود را آغاز کرد، در سال ۱۳۷۴ دادسرا با گرفتن تعهد، او را از امامت جماعت منع کرد، ولی وی دیگر بار از سال ۱۳۷۸ در مسجد نور، نائب امام جماعت شد. قرآن درمانی از شیوه‌هایش بود. پس از درگذشت پدرش مردم را به سوی خود می‌خواند. او دارای شبکهٔ مریدان و پاسخ رسی شخصی همراه با مهر خاص بود. وی شب‌نامه‌ای منتشر کرد و نامه‌هایی به مجامع بین‌المللی و پاپ نوشت و خود را پیشوای مستقل مذهبی و مظلوم خواند. رسانه‌های بیگانه و عوامل ضد انقلاب، مانند نوری‌زاده به حمایت از او پرداختند؛ سرانجام در ۱۳۸۵/۸/۱۵ برای دستگیری وی اقدام شد.

او برای جلب نظر مردم کارهایی می‌کرد؛ مثلاً یک سال نماز عید فطر را با شمشیر و کفن خواند. در مسجد نور، درس‌هایی دربارهٔ مسألهٔ ظهور گذاشته بود. روایات غیر معروف و احادیثی را که کسی مطرح نکرده می‌آورد تا بگوید چیز جدیدی آورده، و این باعث تردید و تغییر نگرش افراد به ظهور امام زمان می‌شد.

۱. ویژه‌نامهٔ کثر/هه، (جام جم)، اسفند ۱۳۸۶، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مقاله فتاح غلامی، با عنوان کم سواد، پر ادعا.

قرآن را به صورت خاص می‌نوشت و به گرفتاران می‌داد و آن‌ها می‌پنداشتند که شفا دارد. با کارهای فرهنگی و نگارش مقالات در موضوعات مختلف، خود را صاحب رأی و نظر نشان می‌داد.

در مرحله سوم قرآن درمانی را به شکل سیار ابداع کرد و کار را به دست تلفنچی سپرد و طرفدارانی پیدا کرد؛ از جمله زن‌ها هم که عاطفی‌تر بودند، (چون زن‌ها هم در این فرقه، مقام و منصبی می‌یافتند).

او با اشعار و روضه‌های خاص، افراد را می‌فریفت، تا پیروانش فراوان شوند.

در ادامه، دین را دارای دو قسمت اعلام کرد: سیاسی و ثبوتی. و وانمود می‌کرد که مسؤولیت الهی (از سوی خدا) دارد. برای جذب افراد می‌گفت: این‌جا شعبه قتلگاه کربلاست و ما کشته می‌شویم؛ لذا او در برابر نظام اسلامی می‌پنداشت واقعاً شهید می‌شود.

نقش استعمار و بیگانگان

او با رادیوهای خارجی مصاحبه، و خود را مظلوم معرفی می‌کرد؛ و این‌که حکومت ظالم است و می‌خواهد من را که طرفدار دین اصیل هستم، بگیرد. حسن مصری از انگلستان آمده، به او پیشنهاد می‌کرد که به راحتی می‌شود تو را از کشور خارج کرد. در ادامه با نوری زاده (نوکر استعمار) صحبت کرد و نوری زاده او را تشویق کرد که بر مسایل مذهبی تکیه نکن، بلکه روی مسایل سیاسی تکیه کن و ما حمایت می‌کنیم. این سخنان در انحراف او تأثیر داشت؛ لذا کاظمینی به سازمان ملل، پارلمان اروپا و پاپ نامه نوشت و خود را مدافع دین خواند و گفت: مظلوم هستم و آن‌ها به او گفتند: اعتبار و

پشتوانه‌های مالی و قضایی و حقوقی خواهد رسید. وی نیز عده‌ای را فریب می‌داد که: ما مقدمه ظهوریم، این جا قتلگاه است. در شب آخر دستگیری، ماهواره‌ها تبلیغ کرده بودند و از مردم کمک خواسته بودند و گروهی آماده بود و هر کس سلاح سرد داشت آورده بود. آن‌ها با سوزاندن لاستیک و پارچه نویسی در کوچه به جذب افراد به تبلیغات مختلف پرداختند؛ مثل پخش نوشته‌هایی که تأکید می‌کرد او فرزند بیست و هفتم امام سجاد است.

زمینه‌های گرایش مردم به وی^۱

۱. نوآوری و بدعت در سخنرانی‌ها و جلسات

- از جمله در سال ۱۳۸۵ جلساتی به عنوان ظهور تشکیل داد و با بهره‌گیری از روایات و تفسیر شبه عرفانی از قرآن افراد را جذب می‌کرد.

- او قبر پدر خود را از علائم ظهور، و حتی پدر خود را مظلوم و مقتول خواند.

۲. سوء استفاده از القاب و عناوین و آموزه‌های مهدویت

- از جمله در عکس‌ها و پوسترهای منتشر شده وی، القاب کهف المضطربین، مصلح خانه‌نشین، ناطق الدعوات و... مرجع تقلید... بکار رفته است و خود را بشارت دهنده حضرت مهدی نشان داده است.

- پس از مرگ پدر، او را نفس زکیه خواند. هوادارانش مردم را به خواندن قرآن در آن جا به دلیل نزدیکی ظهور فرا می‌خواندند.

۱. ویژه‌نامه کثر راه، اسفند ۱۳۸۶، جام جم.

۳. ژست‌های تبلیغی و به اصطلاح شهادت طلبانه و قیام گونه

وی در برخی مراسم مذهبی، مثل نماز عید فطر با شمشیر و کفن به میدان می‌آمد و روشن است که این رفتار مردم را به یاد ظهور و قیام می‌اندازد.

در مرداد ۱۳۸۵ به هواداران اعلام می‌کند که وضوی خون می‌گیرد. هواداران نیز با سلاح سرد و گرم به تهدید و خشونت حتی بر ضد روحانیان و عابران بی‌گناه می‌پرداخته‌اند.

بر اساس آنچه در فیلم اعتراف وی وجود دارد برای تحریک دیگران، منزل خود را شعبه‌ای از کربلا اعلام می‌کند.

۴. فعالیت‌های شبه عرفانی و عوام فریبانه

آیاتی از کلام‌الله را با گلاب و زعفران می‌شست و به مراجعان می‌داد تا مشکلاتشان حل شود؛ از جمله، «ن و القلم» را برای نانوائی، و آیه «السن بالسن» برای دندان درد.

با آن که نسبتی با آیت‌الله بروجردی نداشت از این عنوان استفاده فراوان می‌کرد. بارها اعلام می‌کرد که نسب او با ۲۶ واسطه به امام سجاد می‌رسد و حتی عکس‌هایی با این عنوان را در روستاهای دور افتاده نشر می‌داد. این کارها را به جای ارائه مطالب علمی انجام می‌داد؛ همان گونه که خود اعتراف کرده مریدان من کمتر مسجدی بودند، ولی با روان شناسی کاری می‌کردم که آن‌ها مرا یک دعا نویس کشوری یا بالاتر بدانند.

۵. تساهل و تسامح در فعالیت‌ها

مسلم است که اگر یک مدعی، دافعه‌ای نداشته باشد و از منکرات و مفسد جلوگیری نکند گروهی از مردم بیمار که به اصطلاح می‌خواهند دین و دنیا

را با هم داشته باشند به سوی او روی می‌آورند؛ لذا وی گفته است: مسجدی‌ها کم‌تر به سراغ وی می‌آمدند، بلکه افراد فاسد و با پوشش‌ها و افکار نامناسب حاضر می‌شدند و چون وی حتی مخارج رفت و آمد آنان را تأمین می‌کرد، استادیوم آزادی را مملو از جمعیت مشتاق می‌ساخت.

۶. حمایت مراکز استعماری و بیگانگان

باقی ماندن نام و نشان مدعیان، نیازمند حمایت مراکز و مراجع قدرت است. در مورد ک.ب نیز عناصر ضد انقلاب از وی حمایت کردند و حتی برخی مجامع بین‌المللی در همین موضوع، بیانیه‌ای بر ضد ایران صادر کردند و به وی هم می‌گفتند: اگر مقاومت کنی، ناتو به ایران حمله می‌کند؛ همه چیز تمام می‌شود و تو رهبری دینی ایران را بر عهده خواهی گرفت. اساساً وی از ابتدا با عوامل رسانه‌ای بیگانگان آشنا شد، که برخی از آن عوامل خود را شیعه و مرید او خواندند.^۱

۵. یمانی

سید مهدی یمانی (سامی) که حدود سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ فعالیت می‌کرد، در اطلاعیه‌های خود، اعلام می‌کند که [به اصطلاح] نظام جمهوری اسلام شرک‌آلود است و او از طرف امام زمان مأموریت دارد آن را از بین ببرد. وی اطلاعیه‌هایی پیاپی به نام بانکیه ۱ و بانکیه ۲ و ... صادر کرده است. قسمتی از بانکیه اول چنین است: به موجب شرایطی که در آغاز

۱. همانند جریان دالگورکی و آشنایی وی با علی محمد شیرازی و امام زمان خواندن علی محمد توسط این سفیر روسی.

حرکت علنی و افشاگری پیشرو حضرت ولیّ عصر، به امر سامی سفیر آورده می‌شود به اطلاع می‌رساند... پس از ابلاغ این احکام، [از سوی] آقا صاحب‌الزمان که جهد در جهت مهیا کردن ابلاغات از او بر همگان فرض است، همگان از انتظار آمدن [درآیند] و تکلیف روشن می‌شود، والسلام. ماه صَفَر ۱۴۲۲»^۱.

در بانکیه دوم اعلان می‌کند: قائم آل محمد، خُمس به غیر معصوم را حرام می‌داند، و می‌گوید: امام زمان به قوای قهریه نیاز ندارد. در بانکیه سوم، چهارم و پنجم، مسؤول نایاب شدن پدر خود را مسؤولان جمهوری اسلامی دانسته، سایتی را برای اطلاع رسانی و جلب حمایت از سوی مردم اعلام می‌کند. در مورد این مدعی هم به نوعی مخالفت نایبان امام عصر با تمام حکومت‌ها و خصوصاً حکومت ولایت فقیه اعلام گردیده، سوء استفاده از عنوان مقدس سیادت نیز دیده می‌شود. (این مورد نیز در تحقیق میدانی بررسی شده و نتایج جالبی به دست آمده است).

۶. احمد بن الحسن

احمد بن الحسن در سال ۱۳۸۴ ادعای نیابت امام عصر را داشت. وی در شوال ۱۴۲۶ اطلاعیه‌ای صادر کرد و دیگران را به مباہله و مناظره خواند: «انا ادعوا کبار علماء الطوائف و الدیانات الثلاث ... فی کل ارض المباحله...» آورده است و گفت: اگر دعوت من را اجابت نکنید در عذاب الهی وارد می‌شوید. وی در پایان اطلاعیه خود را چنین معرفی می‌کند.

۱. درس استاد رضائزاد، مرکز تخصصی مهنویت، جلسه ۶، شنبه ۱۳۸۵/۱۰/۲.

«المندوب علی المنقذ احمد الحسن وصی و الرسول الامام المهدي شوال ۱۴۲۶». جریان این فرد در سال‌های اخیر فتنه‌هایی در عراق ایجاد کرده است. طرفداران وی ادله‌ای چند را برای حقانیت وی می‌آوردند.

۱. او خواب‌هایی دیده؛ لذا فرستاده امام زمان است.

۲. ادعای مباحله بر ضد مراجع شیعه که چون مراجع نپذیرفته‌اند، او بر حق است.

۳. علوم و حرف‌های جدید دارد که از سوی امام است و جز از امام صادر نمی‌شود.

۴. دارای استخاره‌های درست است که با واقع نیز جور در می‌آید. پس او حق است.^۱

اعتماد پیروان بر خواب، استخاره و ادعای مباحله، به عنوان عوامل اصلی گرایش به این مدعی معرفی شده که در پژوهش میدانی این تحقیق نیز به عنوان بیش‌ترین عامل گرایش مردم به مدعیان، استنتاج شده است.

۱. دروس استاد رضا نژاد، مرکز تخصصی مهنویت، شنبه ۱۳۸۵/۱۰/۲؛ به نقل از: سایت‌های اینترنتی.

بخش هفتم:

پژوهش میدانی

فصل اول:

روش کار و اطلاعات اولیه

مقدمه

یکی از برترین روش‌های پژوهش در موضوعات مربوط به رفتارهای فردی و اجتماعی مردم نوع میدانی است که محقق می‌تواند ماورای کتاب و نوشته، تا حدی به واقعیات خارجی پی ببرد و این امر آن‌چنان اهمیت دارد که گاهی پژوهش‌های میدانی، نتایج برخی تحقیقات کتابخانه‌ای را متحول می‌کند. با توجه به محدودیت زمانی و نیز دسترس به مدعیان، یا پیروان آن‌ها، (و به رغم میل باطنی)، به نوع پرسشنامه‌ای اکتفا کردم.

پرسشنامه‌ها در ساکنان، یا متولدان استان‌های مختلف (اصفهان، قم، تهران، کرمان، آذربایجان، خوزستان، مرکزی، یزد، گیلان، سیستان و...) و نیز شهرهای مختلف آن استان‌ها (کرج، خلخال، تبریز، سیرجان، میناب، مشهد، تهران، اصفهان، شیراز، خوانسار، خمینی شهر، کاشان، قم، و نیز روستاهای ایرانشهر، کرمان، جیرفت، بم، مرند، قوچان، تفرش، زرند، ورامین، طالقان، اراک، خمین، یزد، اندیمشک و...) قرار گرفته است؛ لذا از نظر تنوع قومیت‌ها و فرهنگ‌های ایرانی مناسب بوده است. البته برای تحقیق درمیان

متولدان یا ساکنان کشورهای اسلامی غیر ایرانی نیز برنامه‌ای داشتیم ولی فرصت و امکانات بیش‌تری می‌طلبید.

برخی از نمونه‌هایی که به عنوان آسیب یا زمینه‌های آسیب درگزینه‌ها اشراب شده است.

الف: اعتماد و توجه فوق‌العاده به اماکن و اشیای منتسب به ائمه که سند ندارند.

ب: توجه ویژه، یا حداقل تردید در پذیرش، یا رد مدعیان ارتباط با غیب و افراد دارای علوم غریبه، مدعیان ارتباط با امام زمان، یا مدعیان نیابت.

ج: توجه به چهره و ظاهر افراد، یا اشیا به عنوان هدایتگر، یا به اصطلاح نورانی دانستن افراد.

د: محسوب کردن توفیق ظاهری مدعیان (درجذب افراد و امکانات) یا توفیق مقابله با دشمنان و حکومت‌ها، به عنوان یکی از علائم حقانیت آن مدعیان.

ه: به حساب آوردن، خواب و رؤیا (هرچند از نوع شیطانی)، توهم، الهام، تفاعل و حالات شبه معنوی و روحانی به عنوان یکی از منابع دریافت حقیقت (خصوصاً در مدعیان مهدویت و نیابت).

بر اساس تحقیق کتابخانه‌ای و نیز میدانی (مشاهده افراد مدعی یا پیروان فرقه‌های انحرافی که نویسندگان در تجربیات تبلیغی و آموزشی کسب کرده است)، موارد فوق‌اهم مواردی هستند که زمینه گرایش مردم به مدعیان را فراهم آورده است.

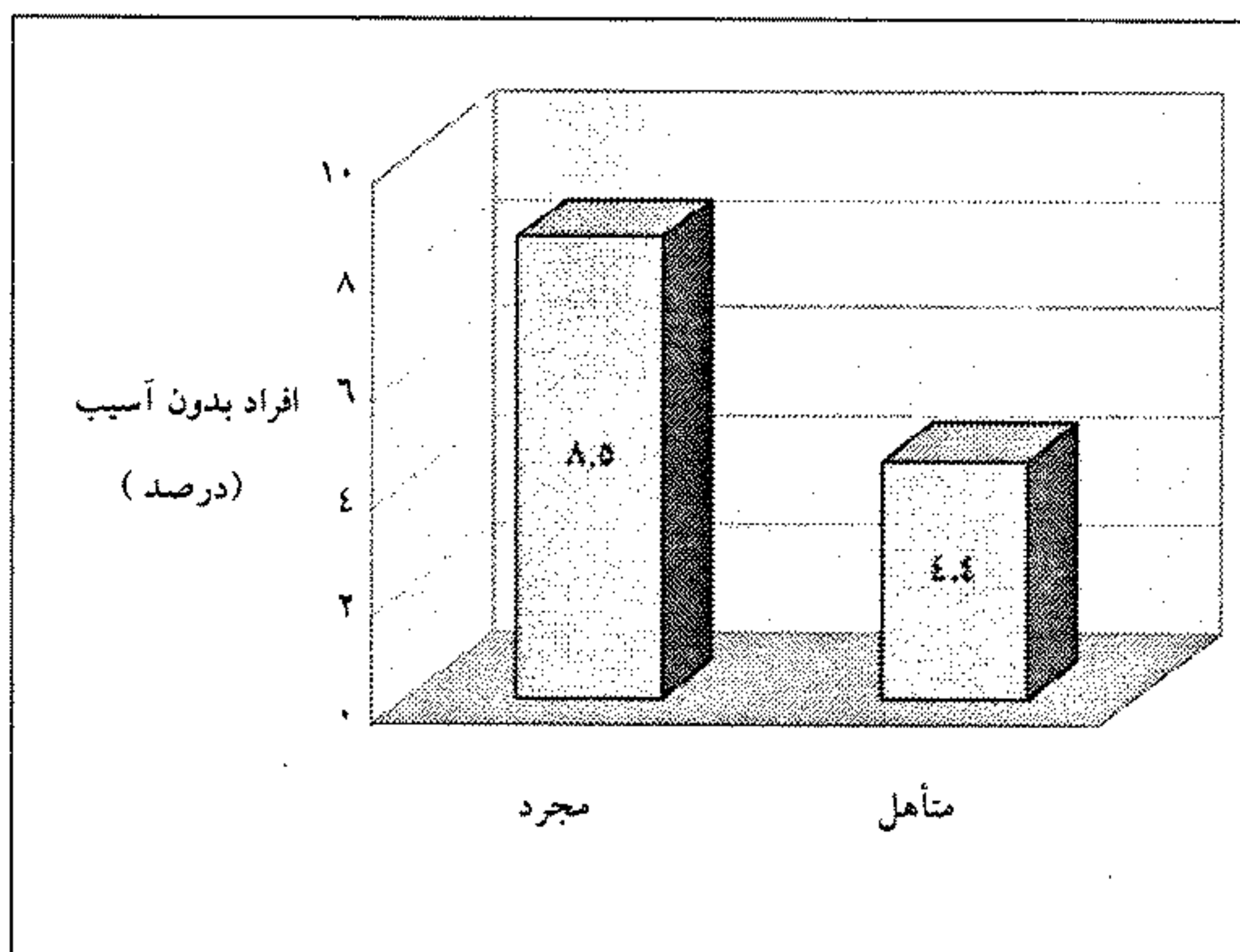
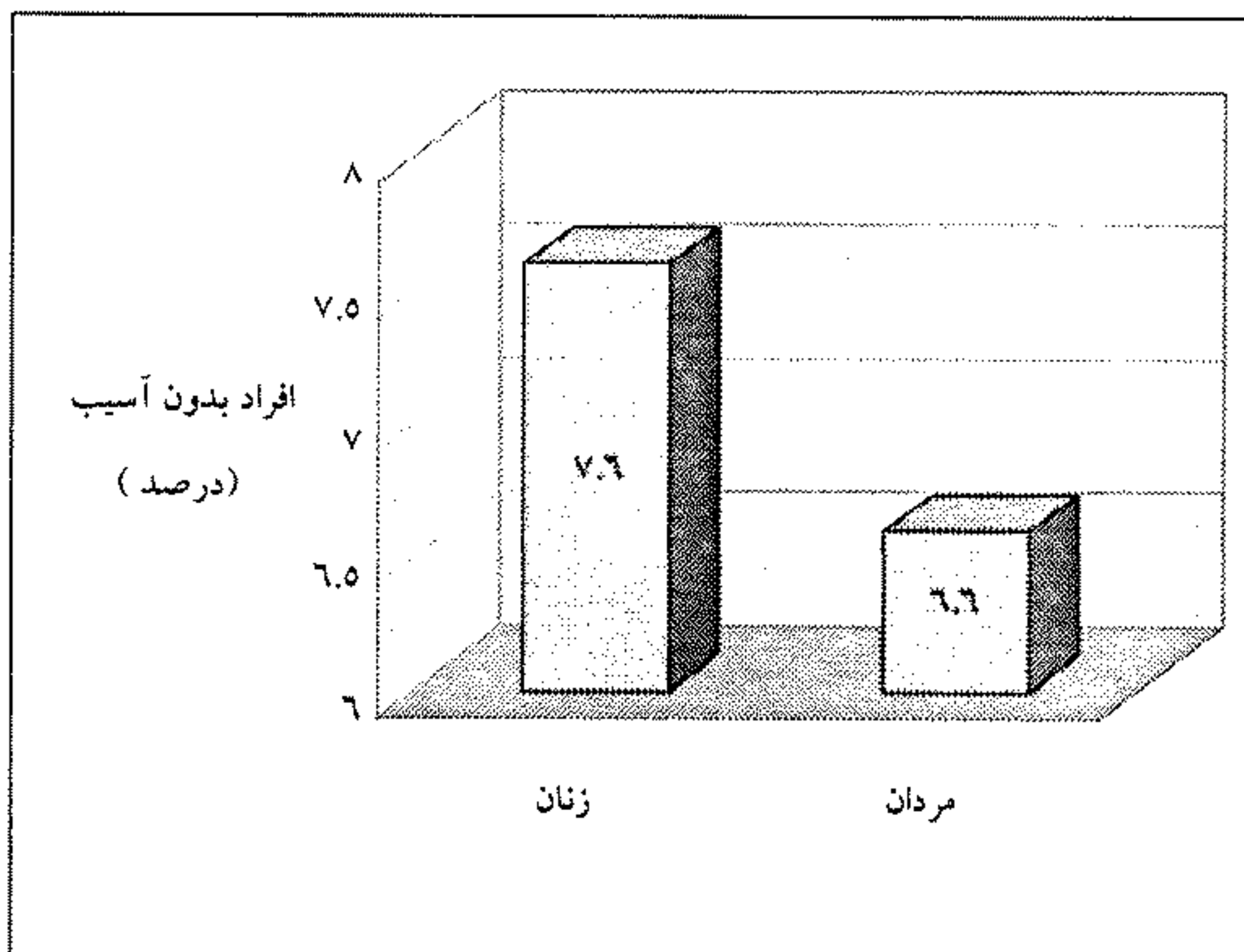
برای مشخص شدن تأثیر تحصیلات، جنسیت، تأهل یا مجرد و... این

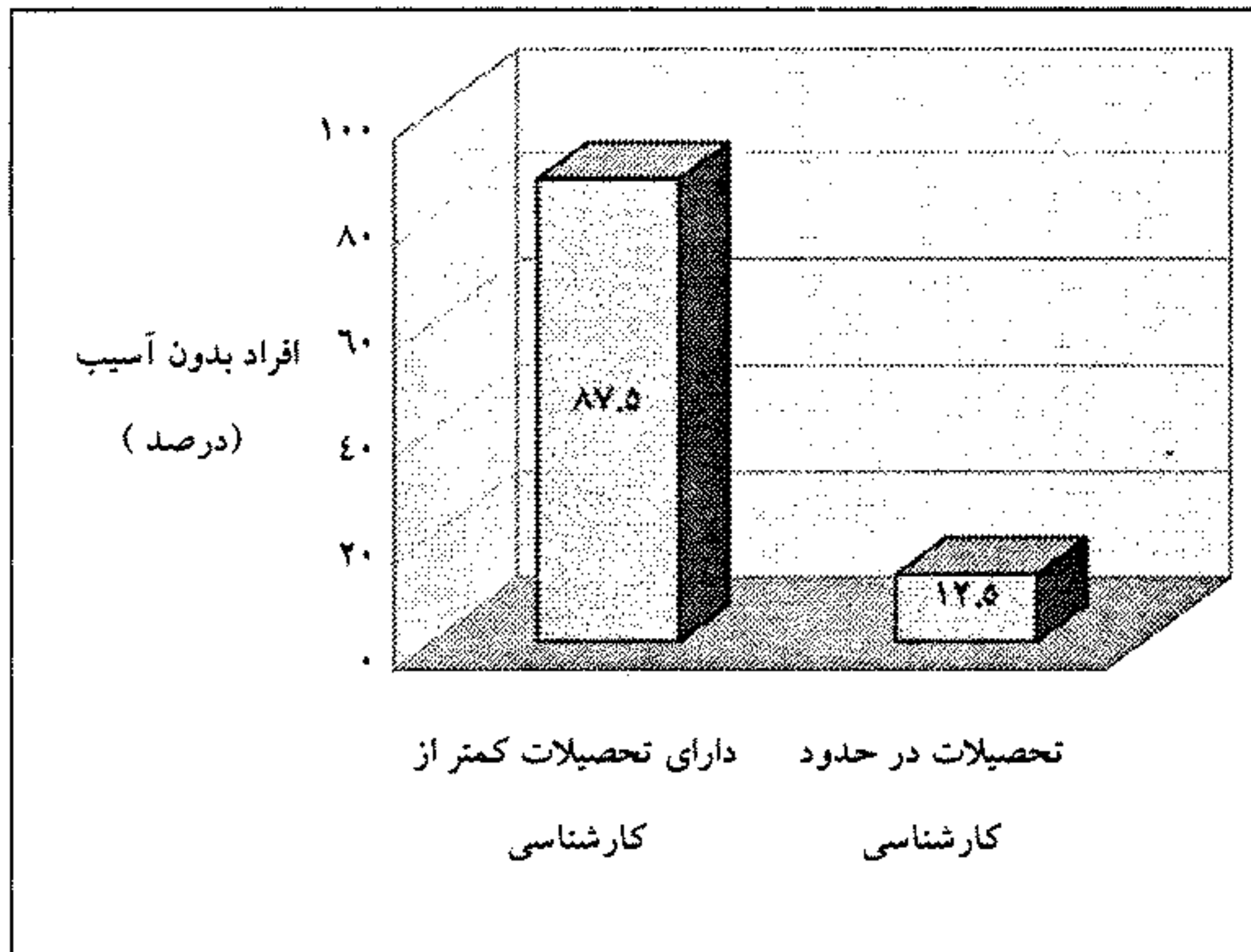
مشخصات از پاسخگو خواسته شده، که دربرخی از موارد نتایج آن ذکر گردیده است.

در پایان یاد آوری می‌شود که نتایج حاصل از این پرسشنامه می‌تواند در کنار تحقیقات کتابخانه‌ای بسیار مفید باشد، ولی تنها نشان دهندهٔ افراد دارای زمینهٔ آسیب است، نه تعداد افراد آسیب‌زده.

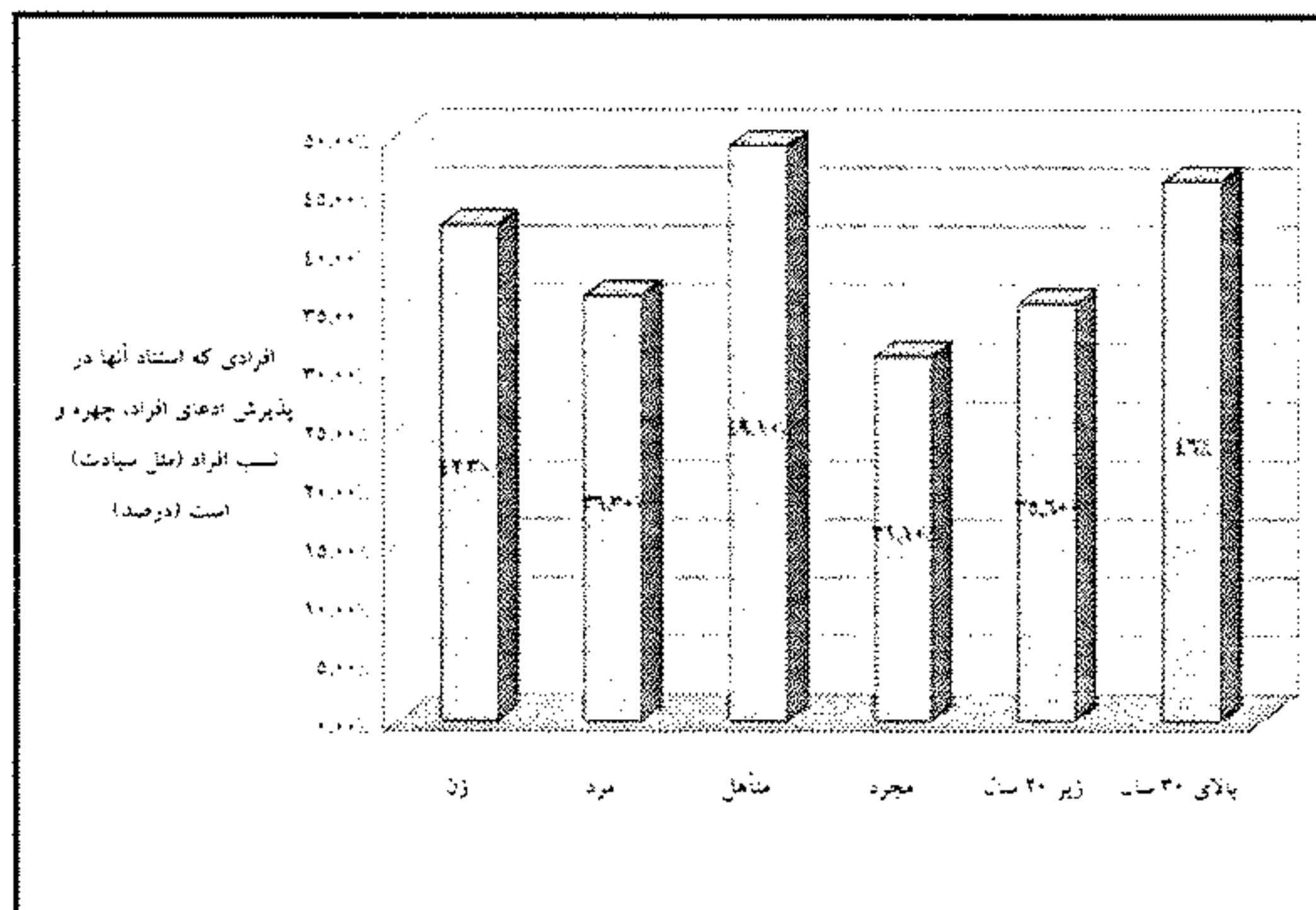
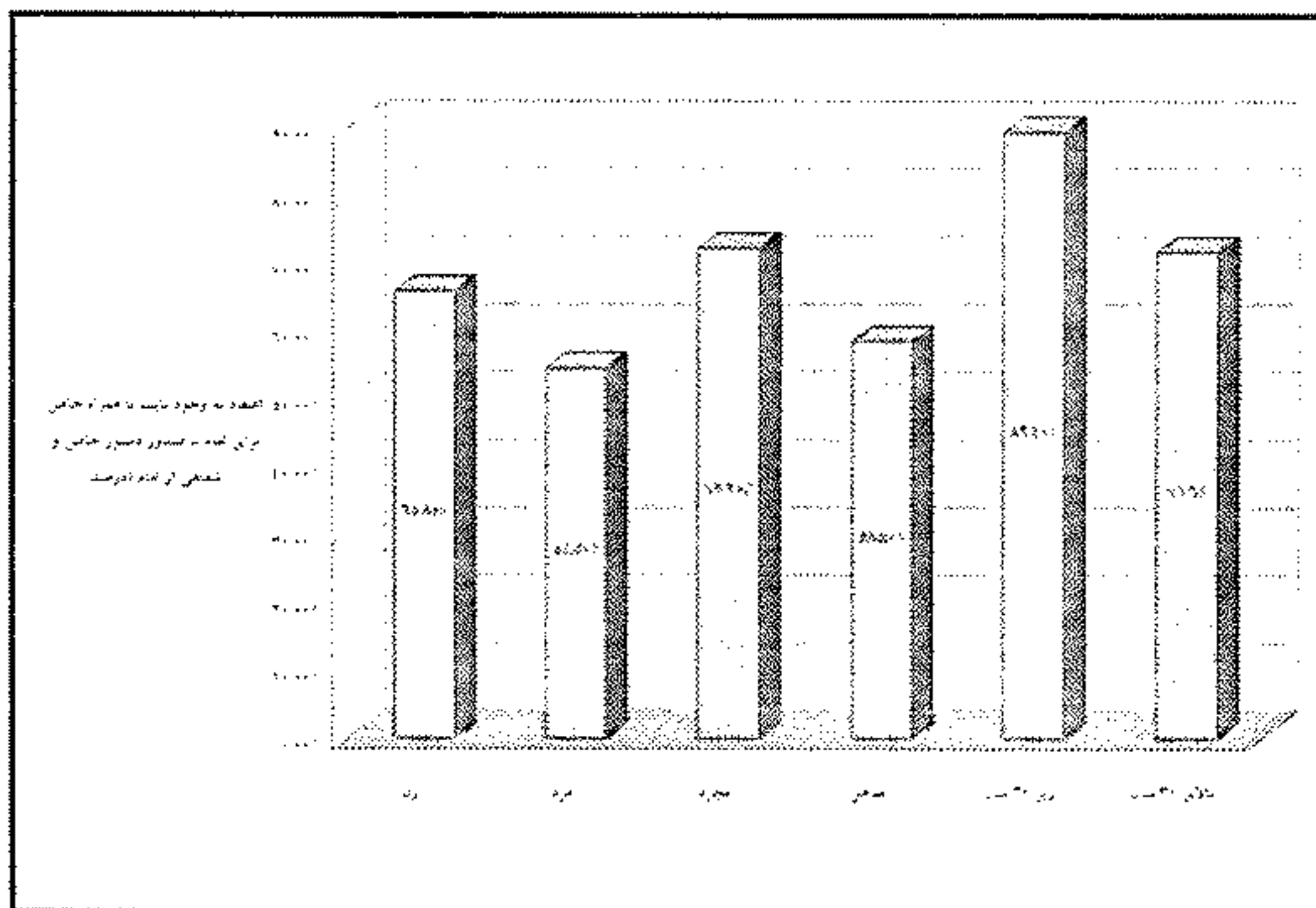
فصل دوم:

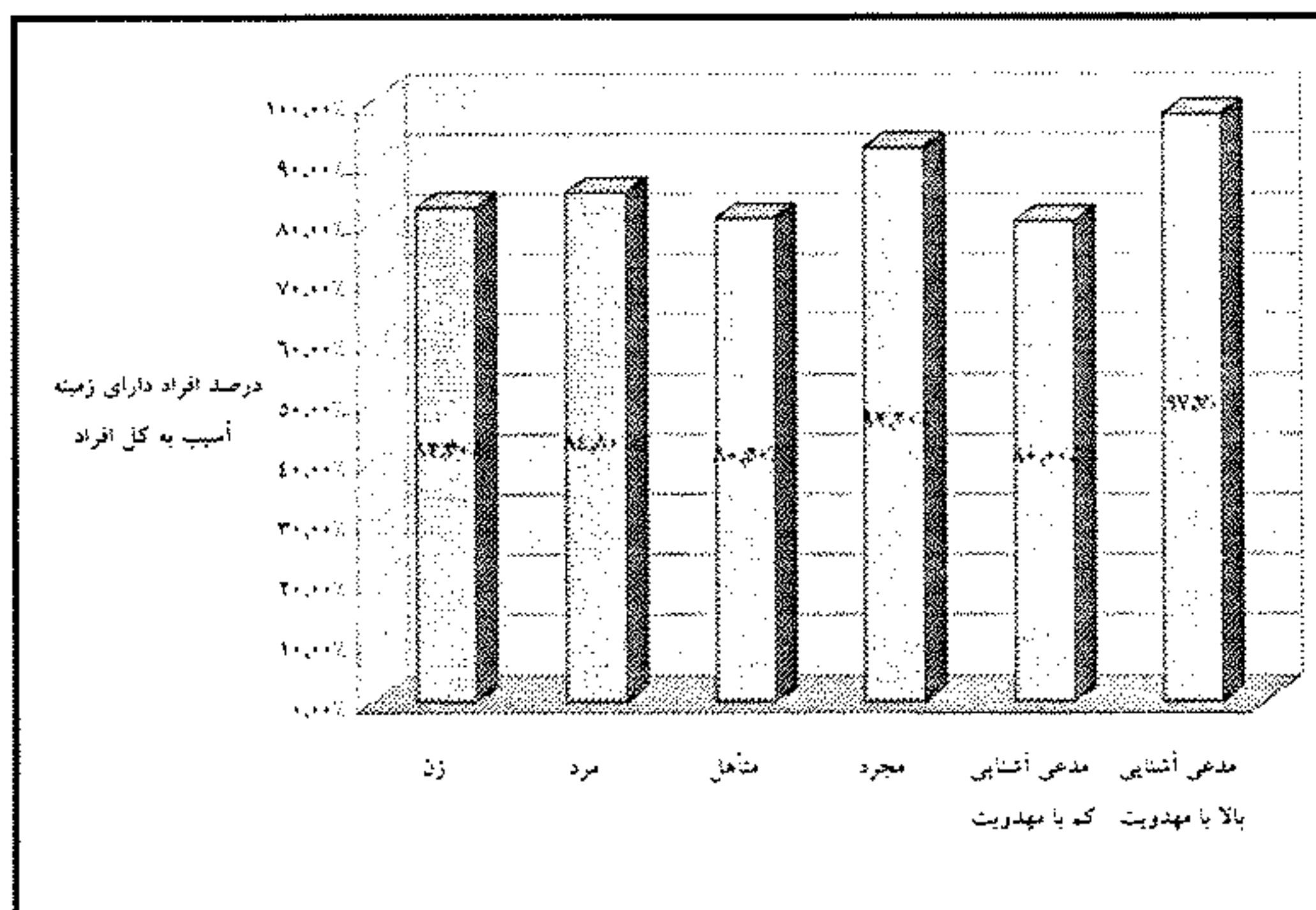
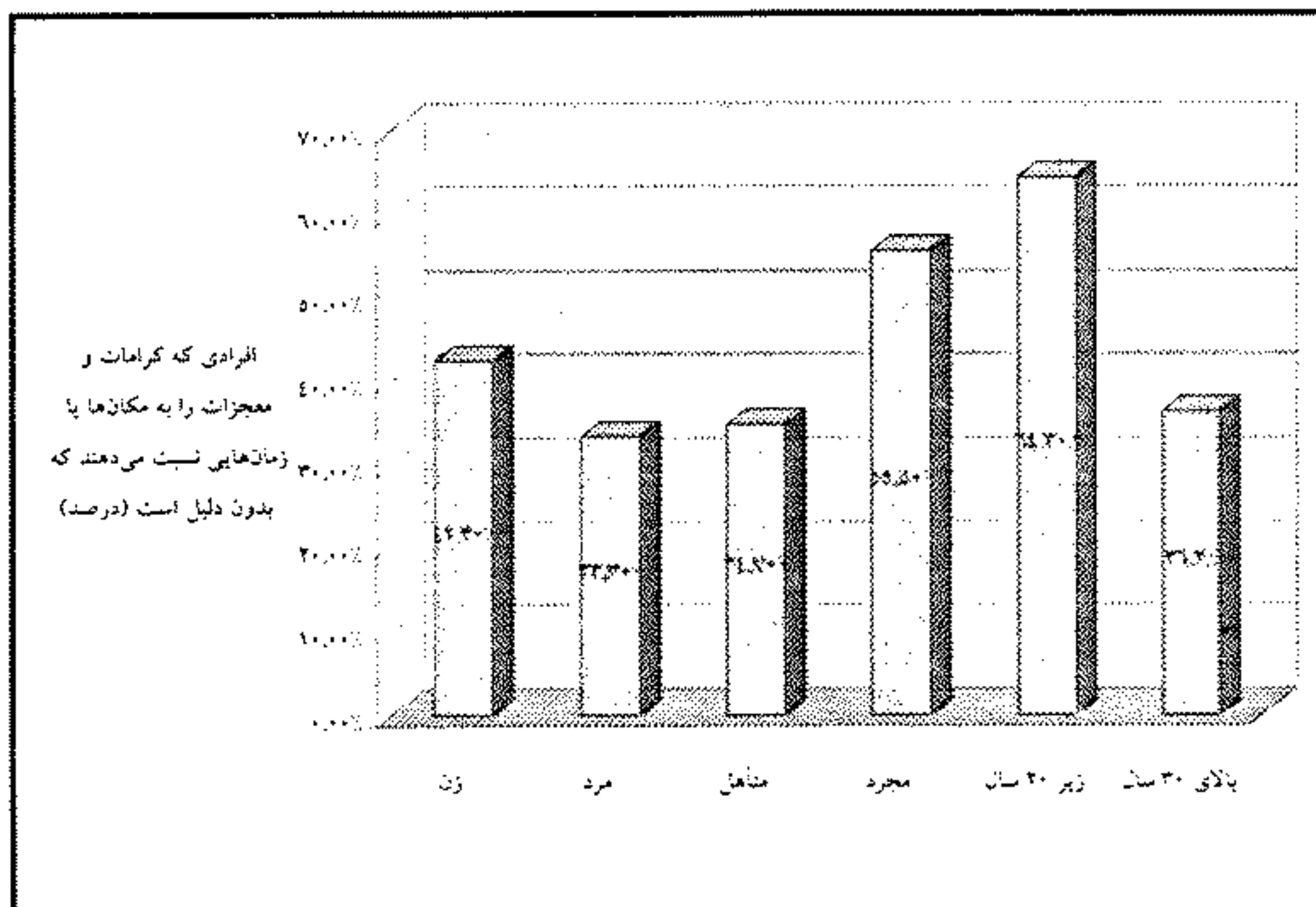
نمودارها و نتایج

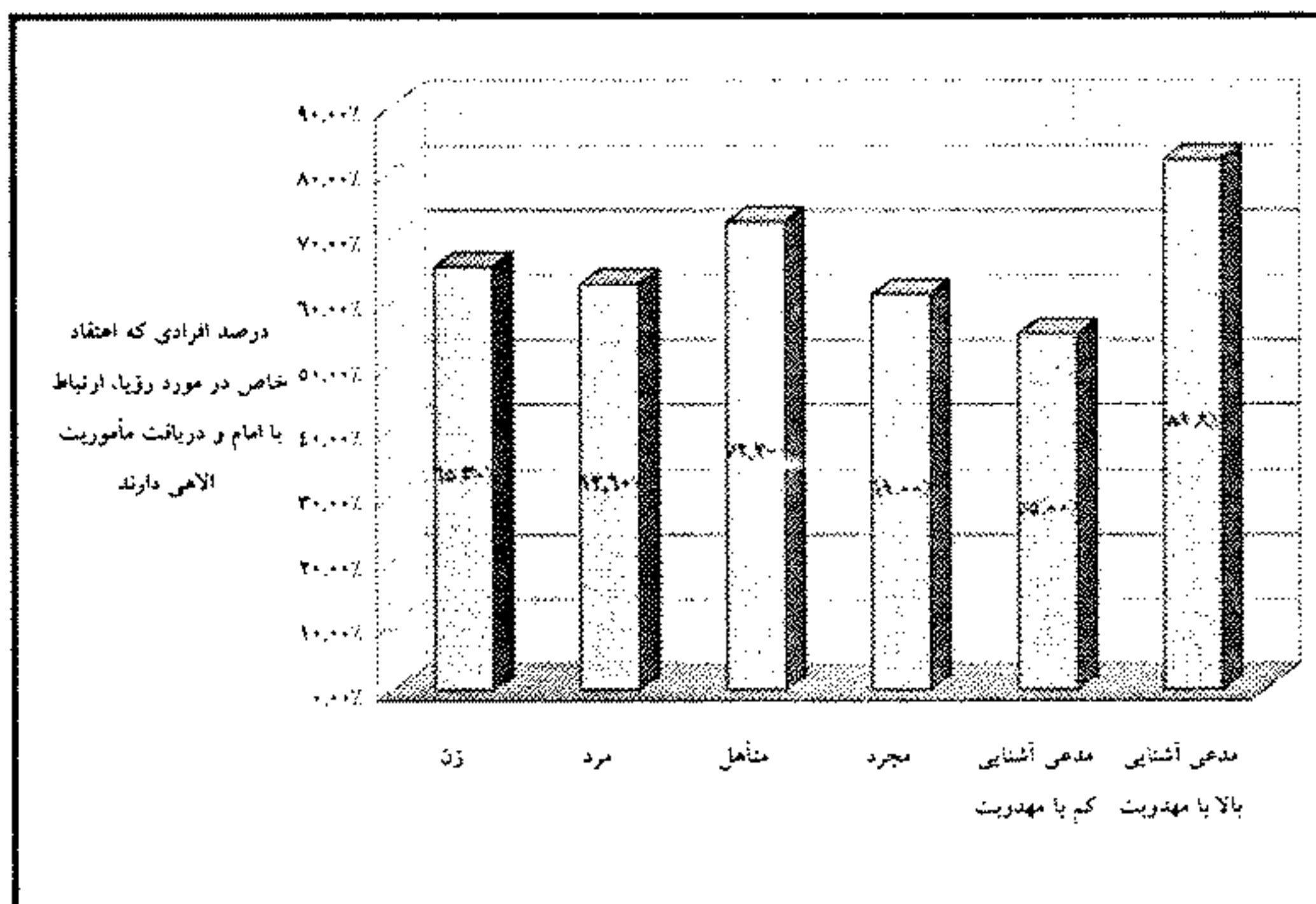
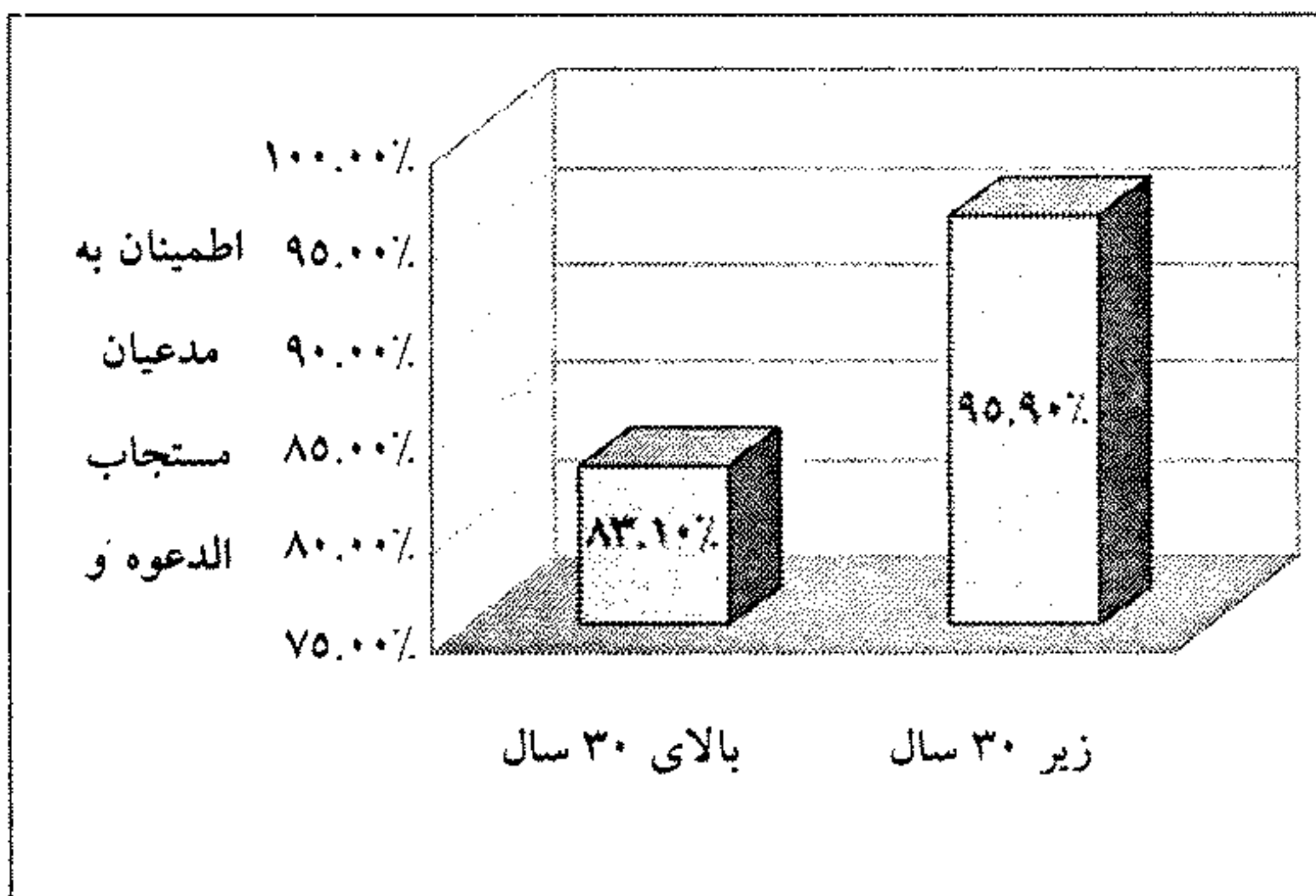


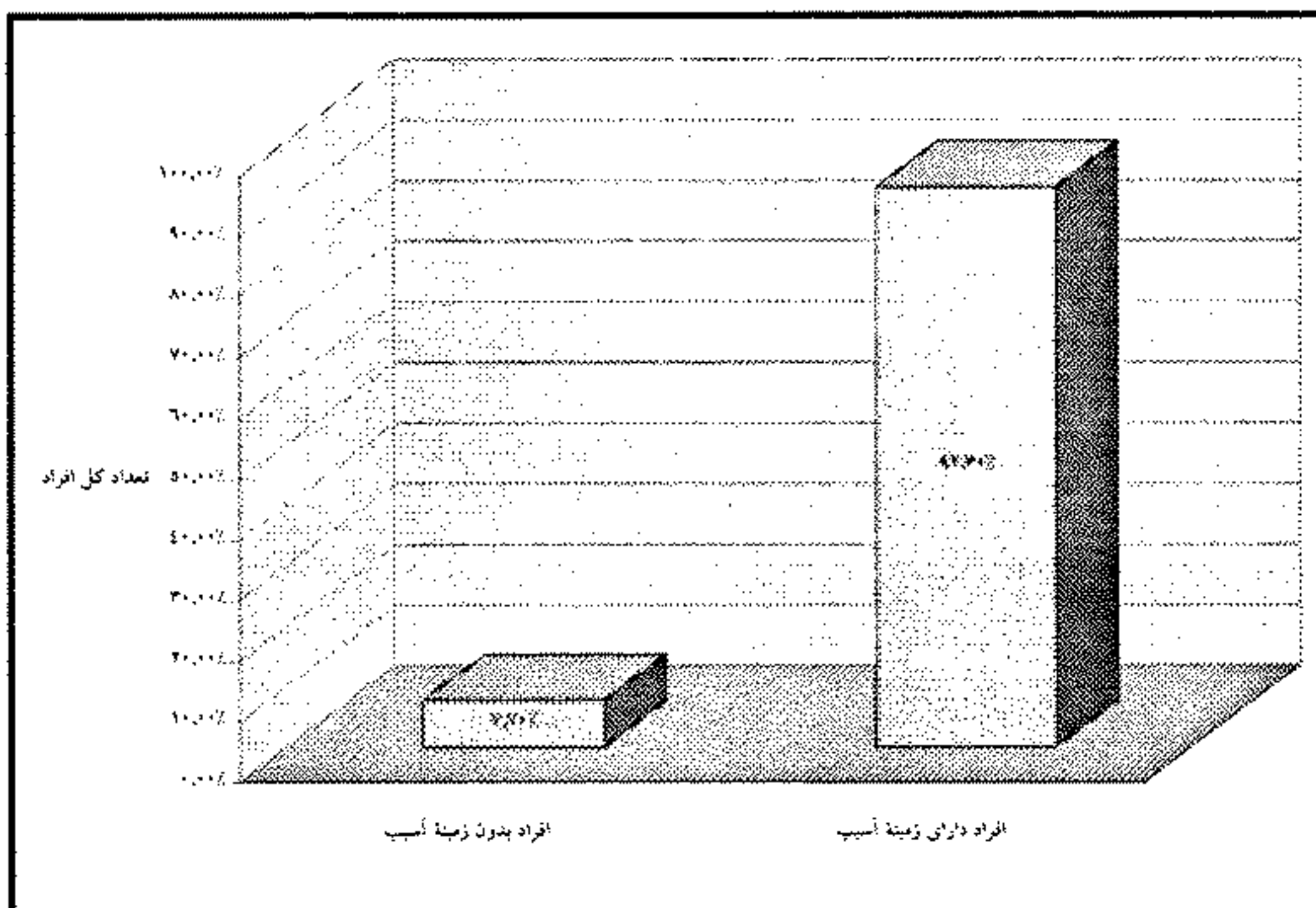
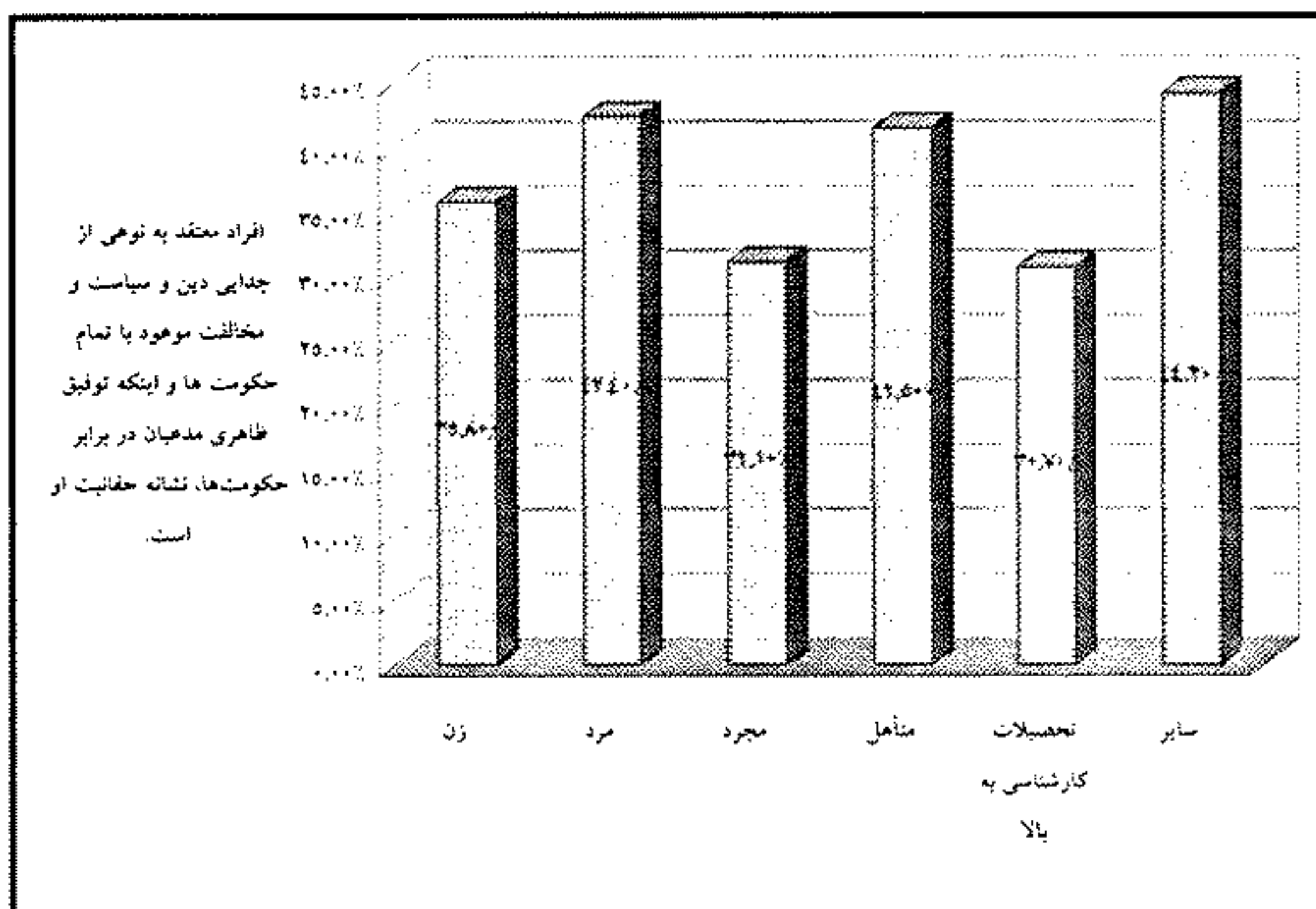


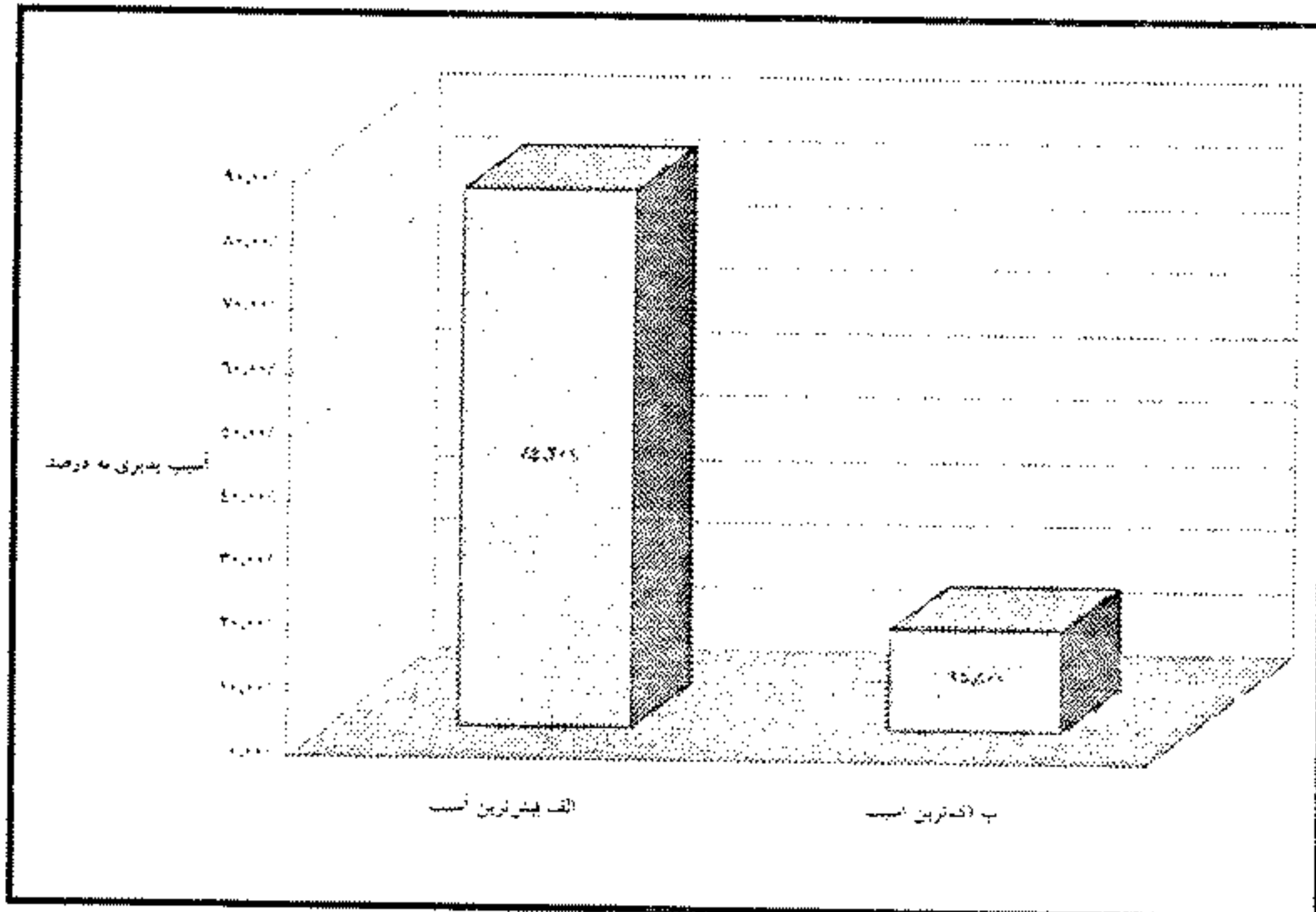
نکته: توجه شود که از بین کل افراد حداقل حدود نیمی از آنها تحصیلات کم‌تر از کارشناسی داشته‌اند و اگر افراد ناشناس یا افرادی که تحصیلات خود را مشخص نکرده‌اند به هریک از دو طرف بیفزاییم، تغییر قابل توجهی حاصل نمی‌شود و به هر حال نمودار اول، دو برابر خواهد بود.











الف) اطمینان به افراد مدعی مستجاب الدعوه بودن، عارف نما و درویش مسلک، مدعی دارای علوم غریبه و...

ب) احتمال ناشناختگی ظهور حضرت مهدی (عج) یا وجود بداء در آن.

جمع‌بندی اطلاعات

بیشترین آسیب‌ها در اطمینان به افراد مدعی استجابات دعا و عارف مسلک و... است.

کم‌ترین آسیب‌ها در بین مردان مربوط به احتمال بداء در ظهور و ناشناختگی آن در بین مردم است. در بین متأهلین و مجردین، کم‌ترین آسیب در بخش بداء و ناشناختگی ظهور است.

یک نکته قابل توجه

آسیب‌پذیری کسانی که مدعی آشنایی بالاتر با مباحث مهدوی هستند، در موارد ذیل از مدعیان آشنایی کم، بیش‌تر است:

- رؤیا و احساس ارتباط با امام زمان و اطمینان به این مورد؛
- اطمینان به مدعیان استجابات دعا و عارف مسلک و...؛
- پذیرش استناد کرامات در اشیای محل‌های بدون سند؛
- حجّیت حالات خاصّ (خواب و الهام) برای دریافت مأموریت الهی توسط افراد عادی؛

و در بقیه آسیب‌ها نیز مدعیان آشنایی بیش‌تر، تقریباً با تعداد مدعیان کم اطلاعی مساوی هستند.

همان‌گونه که ذکر شد با بررسی تاریخ بابیه، قادیانیه و نیز مدعیان اخیر در این تحقیق روشن می‌شود که همین آسیب‌ها، زمینه پذیرفته شدن ادعاهای مدعیان شده است.

برخی از دیگر نتایج احتمال نمودارها

- احتمال آسیب دیدگی زنان و مردان در حدود هم بوده، ولی افراد آسیب یافته در برخی موارد خاص در زنان بیش تر هستند.
- احتمال آسیب زدگی مجردین، به طور آشکار بالاتر از متأهلین است، که تحقیقات کتابخانه‌ای این را با توجه به خصوصیات زنان نشان می‌دهد.
- تحصیلات، یا ادعای آشنایی بالاتر، باعث جلوگیری از آسیب دیدگی افراد نشده و حتی می‌توان گفت: نتیجه عکس داده است و شاید علت آن، خلأ معنوی و احساس نیاز بیش تر تحصیل کردگان به پناهگاه معنوی و مقدس باشد؛ زیرا علم بیش تر باعث احساس نیاز و درک بیش تر می‌شود.
- این که تنها حدود ۷/۷٪ پاسخ دهندگان، بدون زمینه آسیب هستند، شاید مهم‌ترین و در عین حال نگران کننده‌ترین نتیجه این پژوهش میدانی است که باید برای این درصد بالا، چاره‌ای اندیشید.

بخش هشتم:

جمع بندی و تحلیل نهایی

فصل اول:

ویژگیهای شخصی و شخصیتی مدعیان

۱-۱. اختلال روانی

از نظر کارشناسان اختلال روانی، برخی مدعیان دارای اختلال‌هایی هستند که اصطلاحاً سایکوز تحمیلی خوانده می‌شود. در این حال فرد چنان با قاطعیت راجع به ادعای خود سخن می‌گوید که افراد دارای روحیه منفعل به سرعت تحت تأثیر او قرار گرفته، شبیه وی می‌شوند و ممکن است حاضر شوند فداکاری‌های بسیار چشم‌گیر و قابل توجهی انجام دهند.^۱ نمونه این نظر کارشناسی را می‌توان در پروان مدعیان متعدد دید. از جمله یکی از پروان علی محمد باب که همراه وی اعدام شد، در لحظه اعدام نیز خواستار رضای علی محمد باب بود.

از سوی دیگر یکی از عوامل پذیرش مردمی نسبت به ادعاها این است که آن را الهامی و غیبی و مطابق دستور ماورایی می‌دانند. دکتر برهانی هم در این مورد می‌گوید از جمله معیارهای تشخیصی سایکوز، یا جنون آن

۱. نشست ۵۹ مؤسسه فرهنگی انتظار نور، با عنوان «بررسی خلق و خوی مدعیان»، گفتار دکتر برهانی (روان‌شناس).

است که ادعاهای عجیب و غریب توسط مدعی مطرح می‌شود و دیگر هیچ منطقی را نمی‌پذیرد و ادعا می‌کند که به او وحی و الهام می‌شود یا از کرامت دیگر دستور می‌گیرد. بارها افرادی این ادعاها را داشتند.^۱

۱-۲. خود کم بینی و حقارت

یکی دیگر از مفاهیمی که اغلب روان‌شناسان به کار می‌برند عقده حقارت^۲ است. افرادی که در کودکی دچار کمبود یا محرومیتی بوده‌اند، در بزرگسالی به دنبال جبران آن هستند. این عقده می‌تواند منجر به نوعی خود شیفتگی شود، ولی در مفهوم عام گفته می‌شود که به این افراد شاید بیش از حد هم رسیدگی شده باشد؛ با وجود این، فرد عقده حقارت داشته باشد. افراد خود شیفته برای سیستم و جامعه خطرناک هستند.

تجلی اجتماعی این عقیده آن است که افراد خود شیفته، جامعه را به دنبال اهداف بزرگ و تخیلی خود می‌کشند؛ و مثلاً می‌گویند: ما باید قدرت مطلق باشیم. همه باید سپاس‌گزار ما باشند.^۳

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ما من رجل تکبر او تجبر الا لذلة وجدها فی نفسه؛^۴
هیچ فردی به تکبر آلوده نمی‌شود مگر برای ذلت و
حقارتی که در ضمیر خود احساس می‌کند.

۱. همان.

۲. Inferiority complex.

۳. (گفتگو با خانم مریم رسولیان روان‌پزشک، سایت newspaper.com / چهارشنبه ۱ تیر ۱۳۸۴).

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۲.

۱-۳. افراط و تفریط

یکی از زمینه‌های شخصیتی مدعیان، رفتار خلوت جویانه و انزواطلبانه آن‌هاست. از آن‌جا که پیامبران و اولیای الهی دورانی را به خلوت و راز و نیاز پرداخته‌اند، این اعمال مدعیان، که تنها شباهت صوری با رفتار اولیای الهی دارد، می‌تواند عامل فریب مردم باشد. البته براساس نظر کارشناسان، مدعیانی نیز اختلال شخصیت دارند (نه جنون) و به باطل بودن سخنان خود واقفند. این‌ها امکان دارد ضریب هوشی خوب داشته باشند و برای توسعه در کار خود تلاش کنند.^۱

از سوی دیگر گاهی چنان برکار خود تسلط دارند که می‌توانند پیروانی برای خود جمع کنند و برای گسترش آن می‌کوشند هر چند گهگاه نیز شکست‌های شغلی و اجتماعی نیز داشته باشند. نمونه این‌ها را درمورد آغاز زندگی باب و شکست او در تجارت و... می‌توان یافت که در برهه دیگر توانست شورش‌هایی فراوان در ایران پایه‌ریزی کند. افراد و تفریط در احساسات و عواطف و تهیج خارج از مرز آن‌ها، می‌تواند عامل استفاده کسانی شود که اختلال شخصیتی دارند و با ضریب هوش و قدرت خاص خود از این مورد استفاده کنند. البته به کسانی نیز واقعاً الهام شده است.^۲

۱. دکتر برهان، سخنرانی در نشست ۵۹ مؤسسه فرهنگی انتظار نور، با موضوع «بررسی خلق و خوی مدعیان»، سال ۱۳۸۶.

۲. همان.

۱-۴. ایجاد جذابیت‌های فردی و گروهی و کار تشکیلاتی^۱

استفاده از جهالت افراد و بی‌خبر نگاه داشتن آن‌ها از رَوَند فعالیت‌های خاص مدعیان و فرقه‌ها؛ به این صورت که یکی از اعضای قدیم و اصلی از فرقه‌ها یا وابستگان مدعی، با معاشرت با فرد مورد نظر او را جذب می‌کند و عضو جدید تا مدتی نمی‌داند که چه می‌کند و به کجا می‌رود. از طرفی افراد آسیب‌پذیر کسانی هستند که با مشکلات یا بن‌بست‌های زندگی رو به رو هستند و فرصت تمرکز برای درک حیل‌های فرقه‌ها و مدعیان را ندارند.

افراد اغفال شده اغلب معترفند که هیچ‌کدام در پی پیوستن به فرقه با گروه خاص برای تمام عمر نبوده‌اند، بلکه تحت اغفال و فشار قرار گرفته‌اند و تدریجاً از خانواده بریده‌اند و به آن گروه جدید پیوسته‌اند.

قدرت فوق‌العاده رهبران یا سردمداران در گروه‌های فرقه‌ای چنان است که عموماً با اعمال قدرت خاص در کنترل منابع مادی و انسانی، افراد را مسحور خود می‌کنند.

سران مدعیان دارای نوعی کلام و بیان آشکار به شکل کتاب، دکترین و... هستند و این‌ها می‌تواند نوعی جذابیت و مشروعیت ساختگی برای آن‌ها فراهم سازد و افراد را بفریبد. از جمله کتاب‌های ادعایی توسط بابیه، و مدعیان جدید از این نمونه‌اند.

۱. با بهره‌گیری از مقاله «چرا فرقه‌ها خطرناکند؟»، نکاتی از کتاب فرقه‌ها در میان ما، مارگارت تالر ویژه نامه (کثر/هه) سروش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی، اسفند ۱۳۸۶.

فصل دوم:

زمینه‌های موجود در مردم و پیروان

هر چند بسیاری از زمینه‌های شخصیتی مدعیان، خود ایجاد کنندهٔ زمینه‌های مربوط است، در این فصل بیش‌تر از بُعد پیروان به این مسأله می‌نگریم.

۲-۱. خلا معنوی پیروان و آسیب دیدگان و به دنبال راه حل بودن آنها

یکی از ویژگی‌های مشترک مدعیان مهدویت و نیابت و... آن است که برنامهٔ خود را با نوعی عرفان کاذب همراه می‌کنند.^۱ و از سوی دیگر اغلب عارف نمایان، ادعای ارتباط، یا ملاقات با امام زمان را دارند؛ لذا بررسی علل گرایش به عرفان‌های به اصطلاح سکولار [عرفان و معنویت کاذب و بدون شریعت و تکالیف دینی] می‌تواند بهترین راهنما در زمینه‌های گرایش مردم

۱. به عنوان نمونه در جریان بایه و بهایه ادعای فنا شدن در خداوند و آمدن مظاهر متحد با خداوند و طهارت همه اشیا و رفع بسیاری از حرام‌ها به دلیل عارفانه (به زعم آن‌ها) دیده می‌شود. در مدعیان جدید نیز نوعی سهل انگاری در احکام شرعی و عبادات و تکالیف از جمله روابط محرم و نامحرم و... دیده می‌شود که توجیه آن‌ها رسیدن به حقیقت و ولایت و اهمیت نداشتن آن جزئیات بوده است [نک: بحث‌های سید ح.ال، موارد مشابه آن] و یکی از خصوصیات که برخی از این مدعیان با این عرفان می‌آمیزند، مترقی نشان دادن و نوآورانه بودن آموزه‌های آن‌هاست.

به مدعیان فوق باشد. به طور کلی علل گرایش به عرفان‌های جدید را می‌توان در چند مورد دسته‌بندی کرد:^۱

۱. قابل جمع بودن عرفان‌های کاذب با شهوات و نفسانیات

اگر کسی عارف و سالک حقیقی باشد، انجام تکالیف و مراقبت از هوای نفس در عین حضور مؤثر در جامعه، بر او لازم است، که این کاری دشوار محسوب می‌شود؛ ولی مدعیان معمولاً نوعی از عرفان و معنویت را معرفی می‌کنند که تکالیف کمتر یا راحت را به دنبال دارد. به عنوان نمونه، یاران علی محمد باب، با ندای زمینه‌سازی برای ظهور قائم جعلی خود در جریان بدشت و... به آلودگی‌های اخلاقی گرفتار شدند و راحت کشتار می‌کردند و همه کارهای خود را نشانه شیفتگی به موعود و رهبرشان می‌دانستند.

۲. نو بودن عرفان‌ها

گرایش به شیوه‌های نو، خصوصاً برای جوانان جالب است؛ مثلاً در جریان کاظمینی، ع.ی و سید حسن مشاهده می‌شود تعداد قابل توجهی از جوانان که احساس می‌کنند در قالب جلسات خاص یا برنامه‌های منظم سیر و سلوک و القاب و عناوین جدید، رشد می‌کنند، این احساس کاذب نو را به فال نیک می‌گیرند؛ لذا پس از آن که روشن می‌شد نتیجه‌ای به دست نیاورده‌اند، گروهی از آن، سر خورده شده، و آن را مانند روش‌های قبلی کنار گذاشته‌اند.

۱. این بخش اقتباسی است از مجله یویا، شماره ۶ (ویژه عارف نمایان)، نشر دانشجویی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، زمستان ۱۳۸۶، و مصاحبه‌ای با تلاش احمد یادگار، ص ۹-۵۵ همراه با تطبیق مطالب مجله بر مدعیان مهنویت و... و اظهار نظر فردی نگارنده.

۳. احساس ناکارآمدی و بی‌حاصلی روش‌های رایج در عرفان اسلامی انتظار پیمودن ره صد ساله در یک شب، باعث می‌شود که مؤمنان و خصوصاً جوانان تصور کنند این راه بی‌حاصل است؛ لذا به راه‌هایی دیگر که توسط مدعیان مطرح می‌شود روی می‌آورند. ادعای ملاقات با امام زمان و گرفتن مأموریت از ایشان برای زمینه‌سازی ظهور از عواملی است که مدعیان به عنوان ره آورد جدید مطرح کرده‌اند که گروهی از مردم به آن کشیده می‌شوند.

۴. غرب زدگی و تهاجم فرهنگی

نفوذ فرهنگ التقاطی و ضدّ توحیدی و شیطان زده غربی یا شرقی در جوامع اسلامی مانند ایران باعث می‌شود که مردم عقاید سنتی خود را با روش‌های غربی گره بزنند و به زعم خود نوع جدیدی از رابطه با غیب و معنویت را دنبال کنند. مدعیان نیز به آن دامن می‌زنند؛ لذا جریان بابیت و بهائیت که با سرمایه اعتقاد مردم به موعود و قائم، کار خود را شروع کرد، با این ادعا که دین جدید و متناسب با زمان آورده‌ایم و محدودیت‌ها و تنگ نظری‌ها و تعصبات قبلی را کنار گذاشته‌ایم، در واقع ولنگاری‌ها و انحراف‌های غرب را وارد جامعه اسلامی کردند.

۵. اجتماع ظاهری بین عشق مجازی و حقیقی

بسیاری از طرفداران و پیروان مدعیان در آغاز سنین جوانی به سر می‌برده‌اند و بر اساس نیاز طبیعی و غریزی به زمان اوج عشق مجازی نزدیک بوده‌اند. مدعیان نیز نوعاً با القای روابط برادری و خواهری [به اصطلاح معنوی] بین

پیروان مرد و زن خود، و رفع حرمت‌ها و حساسیت‌ها و غیرت‌های دینی، توانسته‌اند افراد را در واقع جذب شهوات و عشق‌های کاذب کنند، در حالی که خود پیروان تصور می‌کرده‌اند عشق معنوی دارند؛ لذا در برخی از مدعیان اخیر مشاهده می‌شود که پیروان غیر همجنس را به خود نزدیک کرده، به عنوان این که باید محو ولایت امام زمان شوید، به سوء استفاده از آن‌ها پرداخته و این رویه را بین پیروان نیز ترویج کرده‌اند. در این حالت به شکل پنهان، یا آشکار، هم به شهوات خود می‌پرداختند و هم خلأ معنوی خود را (به زعم خود) پر می‌کردند. این مسأله در خانم‌ها که احساسات و عواطف قوی‌تری دارند، بیش‌تر مشاهده می‌شود؛ نمونه‌های آن در جریان قرۃ‌العین (در بابیت)، خانم‌ها «م و الف.» در جریان الف.و. که قبلاً ذکر شد و... به وضوح دیده می‌شود.

۲-۲. بن بست‌ها و شکست‌های زندگی

بر اساس نظر برخی از محققان، افراد عادی جامعه تصور می‌کنند که حالت گرایش به فرقه‌ها فقط برای افراد ضعیف و ساده اندیش پدید می‌آید و خود را از قربانیان فرقه‌ها، و کلاهبرداری شدن توسط آن‌ها مبرا می‌دانند. اما طی سالیان روشن شده است که اکثر نوجوانان و بررگسالانی که در دام این افراد افتاده‌اند، از طبقه متوسط، نسبتاً تحصیل کرده و بدون مشکل جدی تا قبل از آن بوده‌اند. دو سوم کسانی که به این گروه‌ها می‌پیوندند از خانواده‌هایی با روابط معمولی، بوده‌اند و خود نیز رفتار متناسب داشته‌اند و تنها ۵ تا ۶ درصد از فریب خوردگان قبل از گرایش، مشکلات روحی داشته‌اند. گروهی نیز افسردگی خفیف داشته‌اند که مربوط به فقدان هویت، مرگ ناگهانی در فامیل،

بازماندگی از تحصیل و شکست در عشق، بحران‌های جنسی و... بوده است. از طرفی مدعیان و فرقه‌ها راه حل‌هایی آسان و فوری برای مشکلات زندگی و جامعه ارائه می‌کنند؛ لذا آن‌ها به سادگی به مدعیان می‌گرایند. در مواردی که فرد - خصوصاً جوان یا نوجوان - احساس می‌کند، به بن بست رسیده چون در برابر فشار زیادی قرار گرفته است، اقدام به پذیرفتن هر ارزش اعتقادی و هدف خاص کرده، به اصطلاح خود را آسوده می‌کند.^۱

۲-۳. انحراف پیروان از کودکی و نوجوانی

یکی از زمینه‌های گرایش برخی مردم به گروه‌های انحرافی آن است که به صورت پنهان یا آشکار در دوران خردسالی و کودکی خود تحت تعلیم و تلقین آموزه‌های انحرافی قرار می‌گیرند و چون در آن دوران، قدرت تشخیص و تمییز چندانی ندارند، و از طرفی با شیوه‌های جذاب، محبت‌آمیز و عاطفه‌های دروغین مواجه می‌شوند، آموزه‌های مربوط به کودکی در آنان باقی می‌ماند و در بزرگسالی نیز تثبیت می‌شود. در روایات آمده است که: تعلیم در کودکی مهم‌تر است و قلب انسان نوجوان همچون زمین خالی^۲، آماده پذیرش هر مطلب است، و این‌که: فراگیری در کودکی، مانند نقشی روی سنگ باقی می‌ماند. به عنوان نمونه در جریان بهائیت طرحی به نام

۱. با بهره‌گیری و اقتباس از مقاله «چرا فرقه‌ها، خطرناکند؟» در کتاب *فرقه‌ها در میان ما*، مارگارت تالرسینگر، ویژه نامه سروش (کژراهه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۶۱

۲. «قلب الحدث كالارض الخالية ما القى فيها من شئ قبلته» و نیز سفارش ائمه در فرستادن مبلغان به مناطق دیگر برای هدایت کودک و نوجوان بوده است، *میزان الحکمة*، ج ۱، ص ۱۰۰.

طرح روحی^۱ ارائه شده است که در آن با جدیدترین روش‌های آموزشی و استفاده از ابزار هنری (نقاشی، داستان و جمله سازی و...) به تلقین آموزه‌های انحرافی خود برای کودکان می‌پردازند.

آنان بر اساس مستندات موجود این کار را حتی در بین کودکان و نوجوانان مسلمان هم انجام داده‌اند که با تأسف باید گفت تا حدودی موفق بوده است و توانسته‌اند؛ پس از مدتی غیرت دینی و اسلامی دختران و پسران را کم‌رنگ کنند.^۲ خوشرویی در برخورد با کودکان، تهیه وسایل بازی و پذیرایی از آنان در هفته‌های متوالی، از عوامل ایجاد انحراف در کودکان مسلمان بوده است. حتی بر اساس اخبار، اخیراً بهائیت و عرفان‌های کاذب در مراکز پیش‌دبستانی فعالیت می‌کنند و در قالب بخش خصوصی به این اقدام می‌پردازند.^۳ این روش‌ها مختص این دو فرقه ضاله نبوده است.

۲-۴. غفلت مردم و حاکمان از تناقض‌ها و انحراف‌های مدعیان

همواره گروه زیادی از سران یا پیروان مدعیان دروغین، دچار شک و تردید می‌شوند، یا حتی به طور کامل از آن فرقه یا تشکیلات دوری کرده، به عقاید پیشین خود باز می‌گردند که تصاویر برخی از آن‌ها (به عنوان نمونه در تشکیلات بهائیت) در بخش مربوط آورده می‌شود. تناقض‌های موجود در عقاید، یا بین عقاید و رفتار، مسأله‌ای است که اگر پیروان توجه کنند

۱. جزوه‌های طرح روحی، موسسه روحی، سال ۱۵۹ تا ۱۶۱ بدیع [به تاریخ بهایی].

۲. شاهد ما تصاویر تهیه شده حاشیه شهر شیراز است که در بخش تصاویر می‌آید.

۳. روز نامه حزب الله، سال دوم، شماره ۴۰۸، ۳۱ فروردین ۱۳۸۷، ص ۱۴.

می‌توانند خود را نجات دهند، ولی عموماً با کار فرهنگی و رسانه‌ای مدعیان، توصیه می‌شود. قرّة العین (زرین تاج) که از یاران اصلی علی محمد شیرازی (مسمّا به باب) است در جریان واقعه بدشت علاوه بر کشف حجاب، منسوخ شدن اسلام را اعلام کرد و گفت: از هنگام ظهور باب، بر هیچ مسلمانی جایز نیست از دستورهای اسلام پیروی کند؛ از هر قیدی آزاد باشید^۱. این در حالی است که باییه با شعار ظهور امام زمان اسلام، قیام کرد.

در همان زمان ناصرالدین شاه به لباس‌های غربی زنانه، متمایل می‌شود و از آن‌ها حمایت می‌کند؛ البته قرّة العین خود را بدعت‌گذار معرفی نمی‌کرد، بلکه در سخنرانی‌های خود می‌گفت: من مظهر فاطمه زهرا هستم [نعوذبالله]؛ لذا به هر چیزی نظر کنم پاک می‌شود. گروهی از مردم واقعاً این حرف را باور کردند. خواهر یحیی دولت‌آبادی (مشروطه خواه بابی، ازلی) سال‌ها قبل، بدون حجاب از منزل خارج می‌شد و در محفل مردان شرکت می‌کرد.^۲

مطالب پیش گفته نشان می‌دهد که:

اولاً: همگامی و همدلی سران فاسد استبداد باعث می‌شود زمینه فعالیت مدعیان بابیت فراهم شود. روشن است که بر اساس روایات مردم به حاکمان خود شبیه‌ترند تا به پدر و مادرشان.

ثانیاً: افرادی که بدنبال آزادی بی‌حد و حصر و هوسرانی بودند، زمینه مناسب برای امیال خود پیدا می‌کردند و با این بهانه به مدعیان می‌پیوستند.

۱. قرّة العین در آمدی بر تاریخ بی‌حجابی در ایران/۱۳؛ به نقل از: فصلنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یویا (مدیر مسئول دکتر سید احمد رهنمایی) شماره ۷ اسفند ۱۳۸۶، مقاله زهرا حاجی پور با عنوان «چادرت را بردار به احترام این میت»، ص ۱۰۹ - ۱۱۱.

۲. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، سند شماره ۱۹؛ به نقل از: مقاله زهرا حاجی پور.

ثالثاً: عناوین مورد سوء استفاده بابتی‌ها در بین مردم جایگاهی والا داشت؛ لذا گروهی از مردم، هرچند با اشتباه در مصادیق به انحراف کشیده شدند. و بابیه آموزه‌های خود را برای مردم، نه به شکل بدعت، بلکه به شکل حقیقت و تحقق وعده‌های الهی معرفی می‌کردند.

فصل سوم:

نقشه‌های مشترک استعمار و دشمنان اسلام

همان گونه که در خلال بحث‌های گذشته روشن شد، نقش دشمنان اسلام در پیدایی، رشد و تقویت مدعیان، امری انکار ناپذیر است. فرستادن جاسوس‌های خاص برای زندگی در دنیای اسلام و سوء استفاده از آموزه‌های مورد اختلاف مسمانان و تشکیل فرقه‌ها و تفرقه در دنیای اسلام از راهکارهای همیشگی دشمنان بوده است. در این جا از تکرار مطالب پیشین خودداری کرده، و تنها به چند نمونه دیگر از جایگاه استعمار اشاره می‌کنیم.

۱. نفوذ استعمار در مراکز و امور فرهنگی

برخی نشریات مبتذل - که از اعضای قدیم حلقه کیان هستند - به گسترش خرافی‌گری و عرفان‌های جعلی مشغول شده‌اند و در آن‌ها عرفان‌های صهیونیستی ترویج می‌شود. همزمان با تلاش امریکا و اسرائیل در ترویج خرافه‌گرایی و شبه عرفان‌های مدرن، جهت‌گیری فعلی برخی نشریات داخلی، نیز در ترویج امثال بودیسم بوده است. یکی از دست‌اندرکاران پیشین یک هفته‌نامه داخلی به نام آقای م. س.، هم اکنون در سازمان سیا حضور دارد و با تلویزیون فارسی امریکا، همکاری می‌کند. این هفته‌نامه

رویکردی جدید را با طرح مطالبی با عناوین «حملات جنّ به انسان ها»، «از مرد بدشگون» و «طلسم شدن در قبرستان» آغاز کرده است و آموزه‌های فرقی چون: بهائیت را منتشر می‌سازد. در حالی که همین افراد، دولت فعلی را به ترویج خرافات دینی متهم می‌کنند.^۱

این خبر و امثال آن نشان می‌دهد که رویکرد جدید گروهی از مردم به مدعیان عرفان، ملاقات با امام زمان و نیز مدعیان نیابت یا مهدویت، از سوی مراکز استعماری دشمن با حمایت مالی، اطلاعاتی و... همراه شده است. همچنین بسیاری از گروه‌های مدعی، مستقیم یا غیر مستقیم از بیگانگان دستور گرفته‌اند، و حتی بیگانگان در این راه برنامه ریزی کرده‌اند.^۲

نمونه دیگر

منابع خبری اعلام کردند: آقای م. الف. رئیس دفتر یکی از مسئولان سابق، سفر بیست روزه‌ای به امریکا داشته، در آن جا با یک رمان نویس برزیلی و مروج عرفان‌های غیر دینی، ملاقات کرده است.^۳

۲. سوء استفاده استعمار از فرهنگ کهن و اصیل ایران و تحریف آن

ایران از زمان فهلویون تا کنون، حکیمانی فراوان داشته، خاستگاه تصوف

۱. روز نامه کیهان، شماره ۱۹۰۴۷، دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۸۹، ۹ ربیع الاول ۱۴۲۹، ص ۲، خبر ویژه با دخل و تصرف.

۲. مانند کنفرانس تشکیل شده در رژیم صهیونیستی با حضور مستشرقین متعصب مانند برنارد لوئیس که در آن، عاشورا و مهدویت را از عوامل اصلی توفیق شیعه شمرند و تحریب آن‌ها را دردستور کار خود قرار دادند.

۳. دو هفته نامه عبرت‌ها، سال ۵۵ شماره ۱۰۵، جمعه ۲۸ صفر ۱۴۲۹، ص ۲.

شرقی بوده است. با ورود اسلام و قرآن، معارف روحانی و عرفانی رونق گرفت. این مفاهیم شیعی با ذوق حکمای ایرانی سازگار بود، از جمله آن مفاهیم منجی، موعود، انسان الهی،... بود. فرقه‌های منحرف نیز با بهره‌گیری از این زمینه‌ها به رشد پرداختند، استعمار نمی‌توانست در ایران شیعی گروهی مثل وهابیت را با کامیابی راه اندازی کند؛ لذا با استفاده از زمینه‌های فرهنگی متناسب موجود در ایران به تدریج فرهنگ افراطی به اصطلاح عرفانی فراتر از قرآن و اهل بیت را ترویج کرد، که جریان بابیت از این نمونه است. تساهل و اباحی‌گری صوفیانه [مانند جریان اخلاقی قره‌العین و دیگر پیروان باب]، سکولاریزم [جدایی دین و سیاست] که بعدها در بهابیت دنبال شد، از این نمونه است. وابستگی‌ها و ارتباط این فرقه‌ها با استعمار (انگلیس، روسیه، آمریکا) و اقدام‌های پنهان آن‌ها همواره مانعی در راه عرفان حقیقی و تشیع و مهدویت اصیل بوده است.^۱

۳. تأثیر اهداف و نقشه‌های استعمار در جذب مردم در جریان‌هایی مثل بابیه و اسماعیلیه

در جریان بابیه، تشکیلات منظم در پیروان و رهبران، انحصار طلبی و خشونت را پدید آورد که اهداف استعماری بیگانگان در مورد ایجاد تروریست‌های به اصطلاح مذهبی را تقویت می‌کرد؛ لذا بابیه، گروه تروریستی خاصی به نام «فصاد الاحدیه» (رگزن‌های خدایی) را، راه‌اندازیه

۱. فصلنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی پویا، نشریه دانشجویی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، شماره ۷ اسفند ۱۳۸۶، مقاله محمد لطیفی، «وهابیت، بهابیت، امتداد دو جریان»، ص ۶۲

کرد، که با ترور، زمینه توفیق موعود دروغین خود را فراهم می‌کردند و این نشانه فریب پیروان در حدّ بالا است. همچنین در جریان شهادت شهید ثالث (ملا محمد تقی برغانی) دستور ترور او توسط قرّة العین (دختر برادر و نیز عروس شهید ثالث) متهورانه و بدون عاقبت اندیشی صادر می‌شود و آن را تکلیف خود می‌شمارد.

اسماعیلیه نیز فرقه‌ای هستند که همانند بابیه فردی به عنوان ناطق را مظهر عقل کل می‌دانسته، و مقامی مانند پیامبران برای او قائل هستند. آنان او را ناسخ شریعت قدیم می‌دانند، و اسماعیل فرزند امام صادق را ناطق هفتم و قائم می‌دانند.^۱

یکی از انشعاب‌های اسماعیله، آقاخانیه هستند که دولت انگلستان به یکی از رهبران آن فرقه لقب «سر» Sir داده است. وی حتی در سال ۱۹۳۷ م. به ریاست عمومی جامعه ملل برگزیده شد. محمد رضا پهلوی نیز به وی لقب «حضرت والا» داد.^۲ نمونه بالا نشان می‌دهد که جریان نفی معاد جسمانی، قرار دادن افراد جعلی در برابر امامت و وصایت حقیقی پیامبر - که شیخیه و اسماعیلیه ترویج می‌کردند - همان جریانی است که استعمار و استبداد به دنبال بهره‌برداری از آن بوده‌اند؛ چون با حمایت رهبران این فرقه‌ها به اهداف خود نزدیک می‌شده‌اند.

۱. فرهنگ فِرَق اسلامی/ ۵۲ و ۵۳

۲. همان/ ۳.

۴. نقش صهیونیسم در بهائیت

یهودیان نقش بسزایی در پیدایی و گسترش بابیه و بهاییه داشته‌اند، یهودیان مشهد مسلمان شدند، و همین افراد تازه‌مسلمان نخستین کسانی بودند که بابی شدند. ورود بابی‌گری به سیاهکل نیز توسط یهودی نومسلمان یعنی میرزا ابراهیم صورت گرفت. این گروه در دایرة المعارف یهود به عنوان یهودیان مخفی (انوسی‌ها) دسته‌بندی می‌شوند، نه مرتدین. این دسته‌بندی را برای فریب افکار عمومی انجام دادند ولی در واقع بنا بر نوشته «والتر میشل» (محقق یهودی)، این‌ها مخفیانه به یهود پای‌بند بودند.^۱ ورود این افراد به محافل بابی و بهایی هم برای ایجاد سیاهی لشکر کسانی بود که بر ضد اسلام قیام می‌کنند.

از طرفی حسینعلی بهاء (مؤسس بهائیت) تجمع و عزت یابی یهود در ارض موعود (فلسطین) را مطرح می‌سازد.^۲ و عباس افندی رهبر دوم بهایی، در سال ۱۹۰۷م. فلسطین را محل تحقق وعده‌های الهی در بازگشت سلطنت داوودی و حکومت قوم یهود، معرفی می‌کند.^۳

۵. نقش مراکز فرهنگی استعمارگران غربی

علاوه بر جریان دامنه‌دار سینمای هالیوود که در بسیاری از تولیدات خود به

۱. فصلنامه فرهنگی، اجتماعی سیاسی پویا، نشریه دفتر پژوهش‌های فرهنگی، شماره ۷ (ویژه موانع انسجام اسلامی) اسفند ۱۳۸۶، مقاله منیره فتاحی اردکانی، ص ۷۹-۸۰ و عبدالله شهبازی و فصلنامه تاریخ معاصر ایران/۲۷.

۲. به نقل از: سایت عبدالله شهبازی. /هنگ بدیع، نشریه جوانان بهایی ایران، سال ۱۳۴۷، شماره ۷ و ۸ ص ۲۰۹.

۳. /هنگ بدیع، سال ۱۳۳۰، شماره ۳، ص ۵۳.

تخریب موعود حقیقی ادیان می‌پردازد و جنگ‌ها و خشونت‌های دشمنان اسلام را به پای مبارزه با دجال می‌گذارد حتی در عرصه نمایش‌نامه‌هایی که در کشورهای اسلامی - و از جمله ایران - نفوذ کرده نیز می‌توان ردپای تحقیر و تمسخر آموزه‌های مهدویت را یافت (مانند نمایشنامه در انتظار گودو). روشن است که این برنامه‌ها خود، زمینه انحراف افکار عمومی از حقیقت مهدویت و بدبینی آن‌ها به منابع و عالمان اسلامی را فراهم می‌کند و این نیز باعث رشد و تقویت مدعیان دروغین می‌شود.^۱

۱. نک: «مروری بر وضعیت تئاتر ایران...»، جمهوری اسلامی، چهارشنبه، ۱۳۸۷/۱/۲۶ و نیز «هالیوود و تصاویر وارونه از آخرالزمان» کیهان، پنج‌شنبه ۱۳۸۷/۹/۱۴ و منابع مشابه در بحث‌های غرب و آخرالزمان و....

فصل چهارم:

دیدگاه متون دینی درباره عوامل انحراف مدعیان و پیروان آنها

هر چند این موضوع، بحث مستقلى مى‌طلبد، در این‌جا تنها به عنوان تبرک به برخى متون شریف قرآنى و روایى، یا کلمات بزرگان در مورد برخى عوامل (رؤیا و خواب، انحراف علما، جهل مردم) اشاره مى‌کنیم.

از آن‌جا که رؤیا، از دیر باز دستاویز بزرگ بسیاری مدعیان مقامات روحى قرار گرفته است، مناسب به نظر مى‌رسد که اندکى به خصوصیات انواع آن، بپردازیم. اکثر روان‌شناسان و زیست‌شناسان علت خواب (رؤیا) را بالا رفتن میزان سمّ خون و تحریک اعصاب مى‌دانند.^۱

قرآن کریم، خواب را از جمله آیات الهى بر شمرده است.^۲

در روایات نیز، خواب را «برادرِ مرگ» و بیدارى را، «زندگى پس از مرگ» خوانده‌اند.^۳

درباره انواع رؤیا در قرآن و روایات مى‌توان چنین گفت:

۱. فاطمه میر شمسى، «خواب و رؤیا از دیدگاه اسلام و دانش جدید»، پایان‌نامه کارشناسى ارشد، ۱۳۷۰، ص ۷-۱۴.

۲. روم/ ۲۳.

۳. النوم اخ الموت، الحمد لله الذى احيانا بعد ما اماتنا واليه النشور.

۱. رؤیاهای صادق، تنها در مورد انبیای الهی یا صالحان به کار رفته است. «یا ابراهیم قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا» (صافات/۱۰۵)
 «لَقَدْ صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ» (فتح/۲۷)
 «الرويا الصالحة التي يراها المرء الصالح او يراها له» (بحار الانوار، ج ۶۱، ۱۹۲)
 ۲. رؤیاهای باطل

قرآن کریم و نیز روایات به رؤیاهای بی‌اساس اشاره می‌کنند. «قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ» (یوسف/۴۴)
 الرويا ثلاثة بشرى من الله، تحزين من الشيطان و... (بحار الانوار، ج ۶۱ ص ۱۶۱)
 در مورد تفکیک رؤیای حقیقی و دروغین، روایت صریح نیز وارد شده است. به عنوان نمونه: حضرت امام صادق علیه السلام در بیان این تفکیک به «مفضل» فرموده‌اند:

«فكر كن اي مفضل! در خواب‌ها چگونه تدبیر کرده است حق تعالی که ممزوج گردانیده است راست آن‌ها را به دروغ، به جهت آن که اگر همه راست می‌بود هر آینه همه مردمان پیغمبران بودند و انبیا را امتیازی از سایر مخلوق انسانی نبود».^۱

تعبیرات بزرگان

جیش بن ابراهیم تفسیری: «خواب بر سه قسم است ... و سیم اضغاث احلام و خواب اضغاث احلام را چهار گروه مردم می‌بینند، یک گروه، کسانی

۱. کامل‌التعبیر/؟؟؟؟؟.

که طبعشان به فساد رفته باشد؛ دویم: مستان...»^۱.

علامه طباطبایی در *المیزان* (ج ۱۵، ص ۲۵۵ به بعد) بیان می‌کند که قرآن به هر سه دسته خواب اشاره می‌کند: «... دسته دوم: رؤیاهایی که به دلیل مشکل بودن و آشفتگی، تعبیر ندارد».

به طور کلی در روایات مطالب قابل توجهی در مورد موضوع ما وجود دارد:
۱. برخی از حالات در واقع حالت عروج و طیّ عوالم را دارد و هرگز با رؤیا برابر نیست؛ مثل معراج حضرت رسول.

۲. رؤیاهای واجب‌العمل که انسان در آن دستور و مأموریت بگیرد، مربوط به پیامبران و اولیای خاصّ الهی است، نه مردم عادی!

۳. انتشار بسیاری از رؤیاها بین مردم توصیه نشده است؛ زیرا باعث انحراف و ... می‌شود.

۴. تنها بخش کوچکی از رؤیاها براساس حقایق معنوی، و بخش وسیعی مربوط به سوءهاضمه، وسوسه‌های نفسانی و دغدغه‌های زندگی است.
غفلت از موارد فوق باعث گمراهی بسیاری از مدعیان و پیروان آنها شده است.

قران و منحرفین

﴿قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبْتُ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾^۲

پس وای بر کسانی که مطالبی را با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند:

۱. توحید مفضل/ ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲. بقره/ ۷۹.

این از طرف خداست، تا بهای اندکی بستانند. پس وای بر آن‌ها از آنچه دست‌هایشان نوشت، و وای بر آن‌ها از آنچه (از این راه) به دست می‌آورند!

نکته‌ها و پیام‌ها

۱. خطر دانشمندان دنیا پرست را مطرح می‌کند.
۲. بدعت، دین‌سازی، دین‌فروشی و استحمار مردم، از جمله خطرهایی است که از ناحیه‌ی دانشمندان فاسد، جامعه را تهدید می‌کند. «يَكْتُبُونَ... يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ».
۳. مردم به صورت فطری علاقه‌مند به مذهب هستند؛ لذا بسیاری از شیادان، سخنان خود را به نام دین و مذهب به مردم تحویل می‌دهند. «يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ».
۴. یکی از انگیزه‌های بدعت و افتراء، رسیدن به دنیاست. «ثَمَنًا قَلِيلًا» تفسیر نور، ج ۱، ص: ۱۴۶

۵. از بدترین درآمدها، در آمدِ دین‌فروشی است. «وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ».
۶. شدیدترین عذاب‌ها متوجه کسانی است که به تفکر و اعتقاد مردم خیانت می‌کنند.

مراجعه به‌شأن نزول آیه نیز نشان می‌دهد عوام یهود، فریب برخی عالمان دنیا طلب را خوردند و موعود حقیقی را نپذیرفتند و عده‌ای با طمع ثروت و موقعیت ایمان نیاوردند و گروهی به اصطلاح برای اهداف مذهبی (تقویت اعتقاد در مردم) به وسایل باطل مثل دروغ‌پردازی پرداختند. نمونه این موارد در مدعیان فعلی نیز دیده می‌شود.

چهل از عوامل فریب مردم از دیدگاه قرآن

منحرفان از چهل مردم و حتی مقدسات نیز سوء استفاده می‌کنند، در همین زمینه اگر هنر با هوای نفس همراه باشد خطرناک‌تر است؛ لذا در بحث سامری گفته می‌شود وی دریافت‌هایی داشت که گروهی از آن بی‌خبر بودند [بصرت بما لم یبصروا] و از مذهب بر ضد مذهب استفاده کرده است «من اثر الرسول»^۱ از سوی دیگر عده‌ای گفته‌اند: سامری ابتدا به درجه عالی ایمان رسیده بود و می‌توانست چیزهایی را ببیند که دیگران نمی‌توانستند ببینند؛ لذا توانست جای پای جبرئیل را ببیند، ولی در غیاب موسی خواست رهبری قوم را به دست گیرد، همانند بلعم باعورا، و زبیر بن العوام که با وجود مقام علمی و معنوی دچار هوای نفس شدند.^۲

نظریکی از علما درباره انحراف‌های مهدوی در عراق

آیت‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض از مراجع شیعی عراق درباره گروه‌های مدعی ارتباط با امام زمان گفت: هدف آن‌ها منحرف کردن اندیشه عامه مردم است. خبرگزاری قرآنی ایران اعلام کرد که آیت‌الله العظمی فیاض با نام بردن گروه انصارالمهدی و دیگر گروه‌های منحرف فرقه‌ای، بیکاری و عدم هوشیاری مردم را از عوامل شکل‌گیری این فرقه‌ها دانست و این که فقر مادی و معنوی مردم، زمینه سوء استفاده مدعیان را فراهم می‌کند. وی کم‌کاری و عدم اهتمام دولت (عراق) را نیز از عوامل دیگر این انحراف‌ها دانست.

۱. قرائتی محسن، تفسیر نور، تهران ۱۳۸۳، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۷، ص ۳۸۴.

۲. تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۱۷۹.

ضمیمہ:

تصاویر

[illegible][illegible]

استفاده از القاب و
عنوان‌های برای قریب
از مردم مخصوص

فريب مردم از راه القاب و عناوين و عكس

A high-contrast, black and white photograph of a person's face, heavily shadowed and framed by a decorative border. The image is grainy and has a stark, almost graphic quality. The person's features are partially obscured by deep shadows, with light catching the forehead, nose, and cheekbones. The face is framed by a thick, dark, textured border that resembles a heavy curtain or a decorative frame. The overall effect is one of mystery and dramatic intensity.

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والصلاة والسلام على من لا نبي بعده
والله اعلم بالصواب

1. *Pharmaceutical industry*—The pharmaceutical industry is the largest of the three industries, with sales of \$10.5 billion in 1990. It is the only industry in the sample that has a significant number of firms with sales exceeding \$1 billion. The industry is characterized by a high degree of concentration, with the top 10 firms accounting for 40% of total sales. The industry is also characterized by a high degree of innovation, with a large number of new drugs being developed each year.

[illegible]

مستند بریتانیا (بریتانیا، ۱۹۸۸)؛ و همچنین در مورد نقش زنان در توسعه و رفاه اجتماعی (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵).

بسم الله الرحمن الرحيم

1. *Journal of the American Medical Association*, 1997; 277: 1033-1036.

1. *Journal of the American Statistical Association*, 92(439), 1003-1010.

فيم هـ

4 44

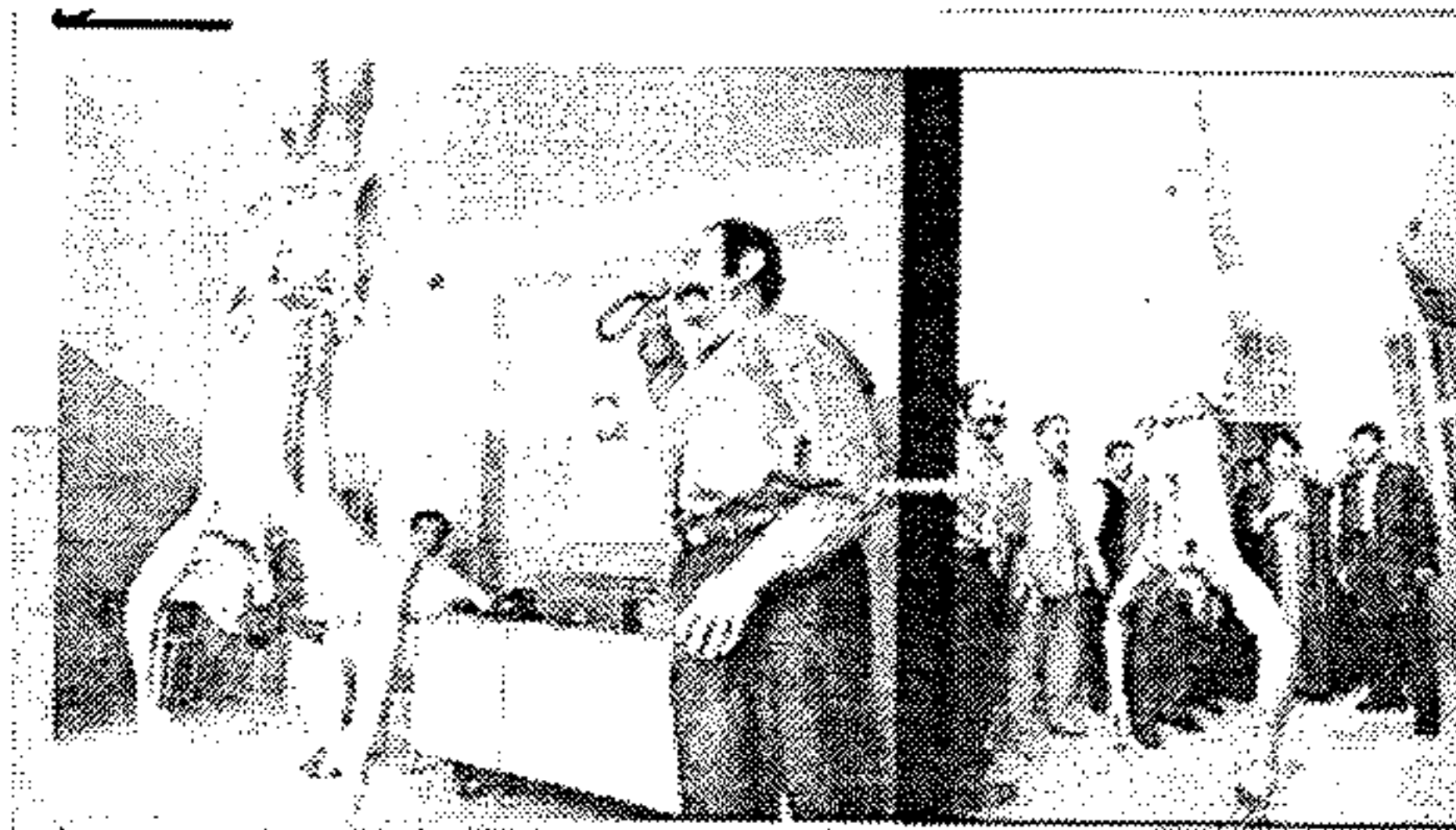
به گفته مقامات محلی،
در قبایل تلسنجوین
برکتگاه و دهمه هون
قدحی سال ۱۳۹۶
به عباد و ضعیفیت
ماده شیمیایی ناشناخته و
نور سال ۲۰۰۳ پانویز
بگفتن خودی
تکامل شد
تکامل و تکامل به

فَرِيبَ مَرْدَمِ اَز رَاہِ چہرہ و ظواہر

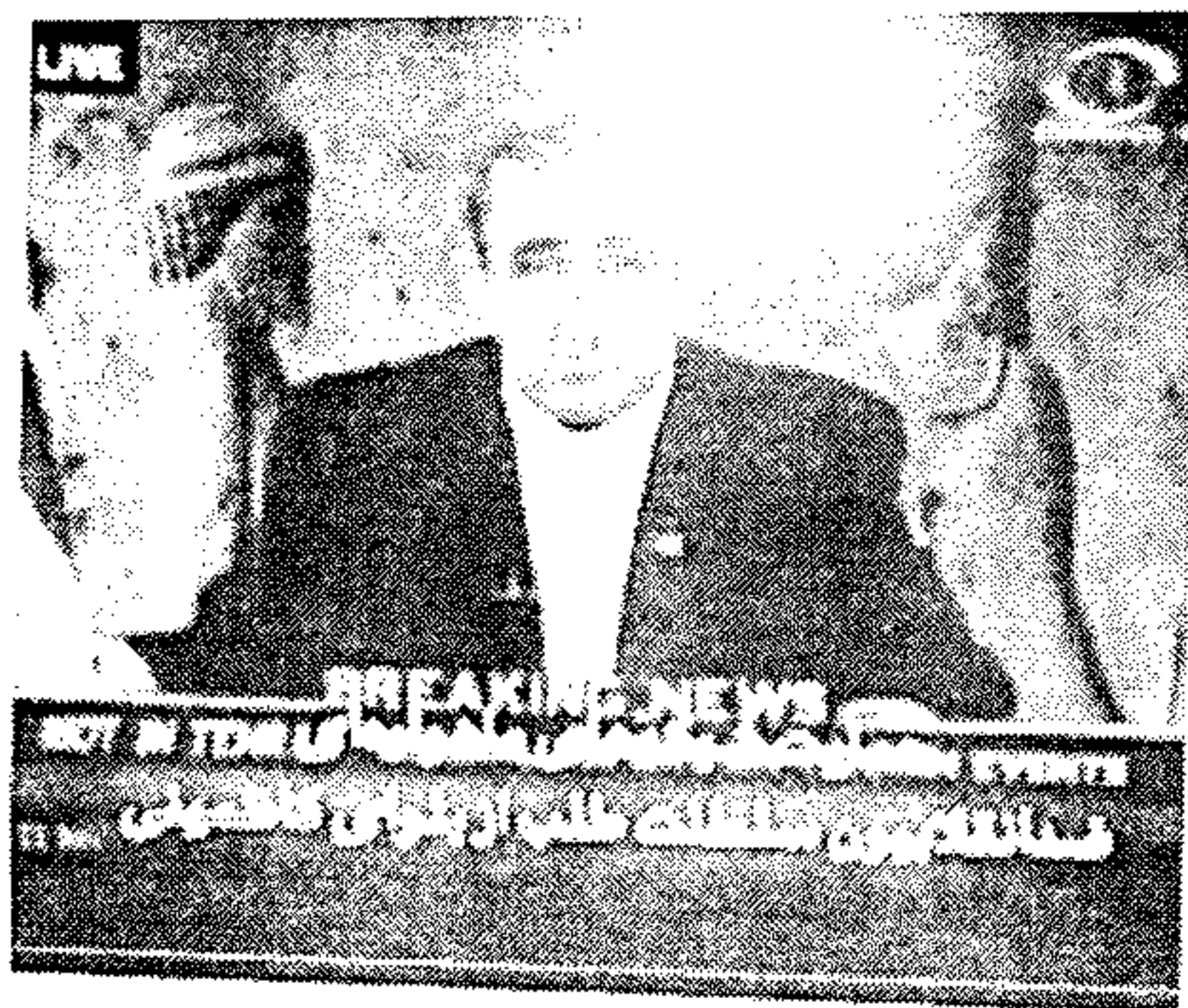


نقش استعمار در تقویت فرقه‌ها

مراسم اهدای نشان (سر) و یا (نایت هود): بالاترین نشان دولتی انگلیس به عبدالبهاء (رهبر دوم بهائیان به دلیل خوش خدمتی و کمک به انگلیس برای اشغال فلسطین (و عامل تشکیل اسرائیل) سند آلودگی دستان بهائیت به خون‌های ۶۰ ساله فلسطین و لبنان.



نقش حکومت‌های فاسد (پهلوی) در نفوذ فرقه‌ها و فعالیت تبلیغی آن‌ها
 سمت چپ: تصویر آرش (شکنجه‌گر بهائی در زندان ستم‌شاهی طاغوت)،
 سمت راست: مونتاژ همان تصویر با تصویر دیگر توسط بهائیان - مدعی
 صداقت - برای تخریف چهره نظام اسلامی.



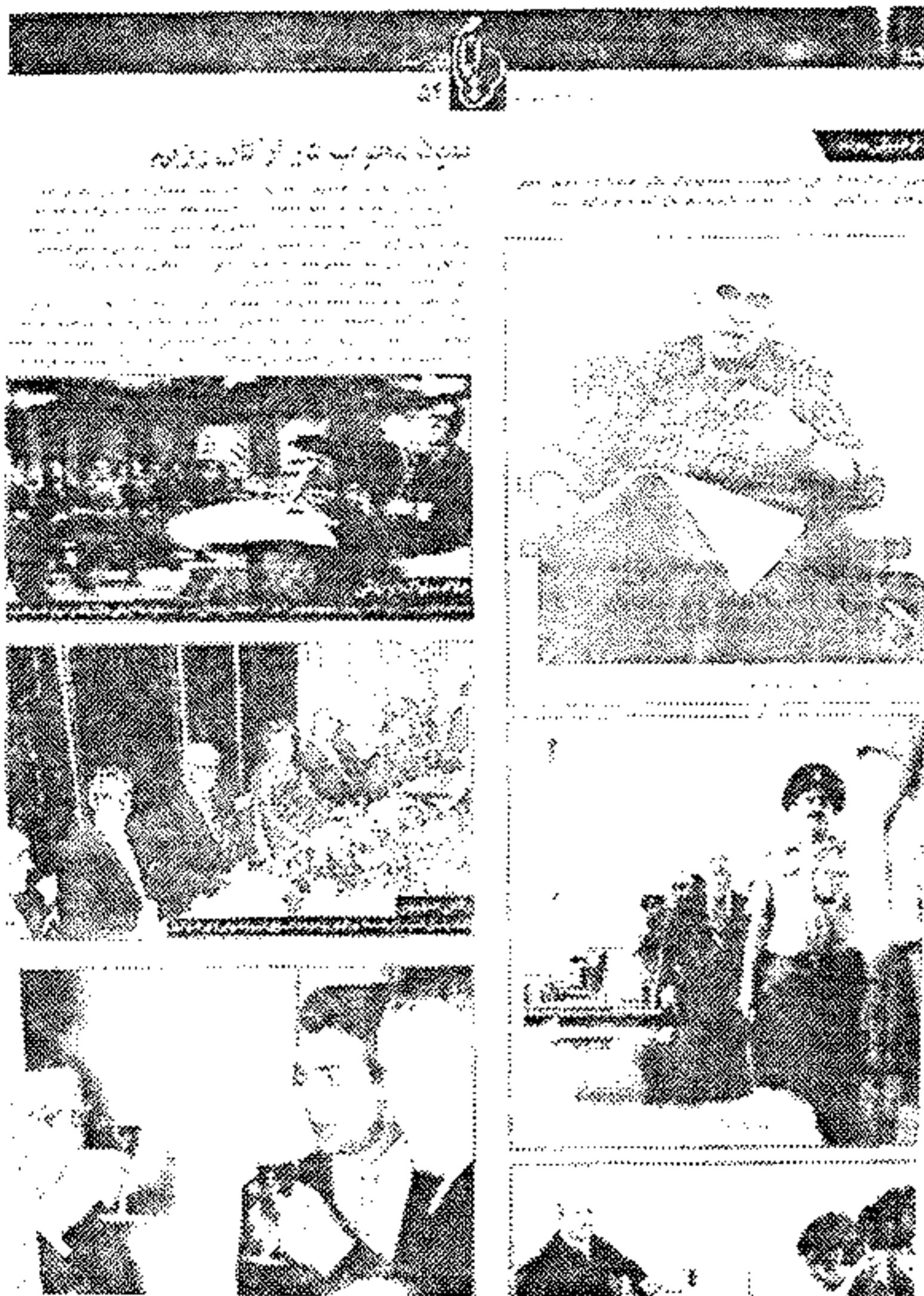
نقش استخبار و شبکه‌های خارجی در تقویت فرقه‌ها



پیوند فرقه‌ها و مدعیان با استعمار



نقش علما در هدایت مردم و نجات آنها از فرقه‌ها



پیوند حکومت‌های فاسد با مدعیان

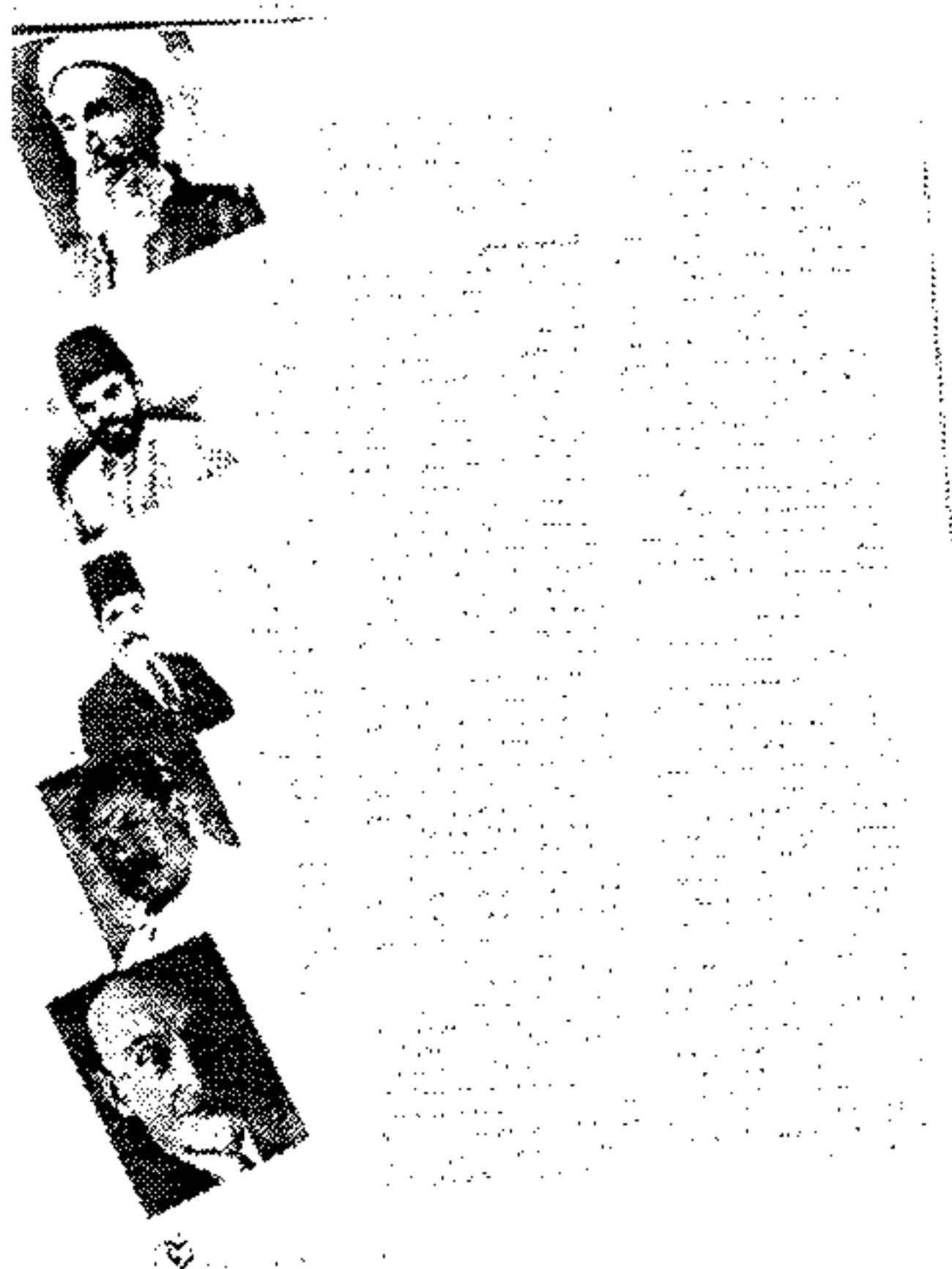
برخی از عناصر تأثیرگذار بهائیان در زمان طاغوت: هویدا، ثابت پاسال،
ایادی، صنیمی و ...



جلسه مشترک هیأت مدیره و هیأت عامل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران
در سالن اجتماعات هتل تهران، روز شنبه ۱۳۸۵/۰۵/۰۵

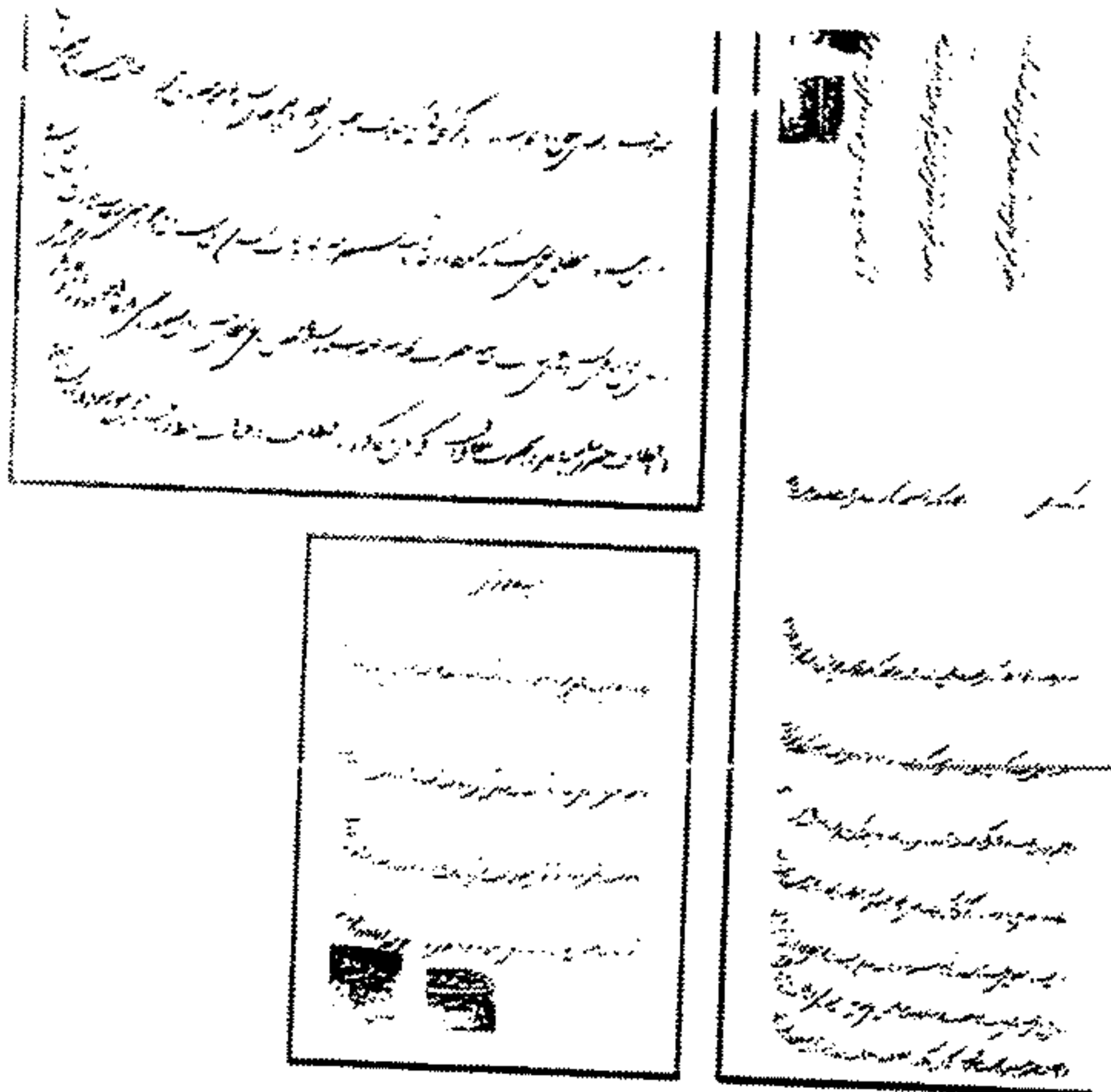


پیوند استعمار و فرقه‌ها
جلسات وابستگان طاغوتی بهائیان با بیگانگان



غفلت مردم از بازگشتگان و توبه کنندگان از مسیر انحراف‌ها
در بالا نام افراد سرشناس بهائیت را می‌بینیم، که به دامن اسلام بازگشتند. از
بالا به پایین:

- گلپایگانی: نویسنده و متفکر بهائیان؛
- میرزانعیم: عنصر فرهنگی مشهور بهائیان؛
- آیتی: مبلغ، متفکر و نویسنده و محرم راز سرای بهائیان؛
- صبحی: همراه و همراز سرای بهائیان و مبلغ آنان؛
- دولت‌آبادی: عنصر فرهنگی و فعال بهائیان.



این توبه نامه میرزا علی محمد یاسر به خط خود وی
در روز ۱۳۰۳ قمری ۱۲۸۳ شمسی

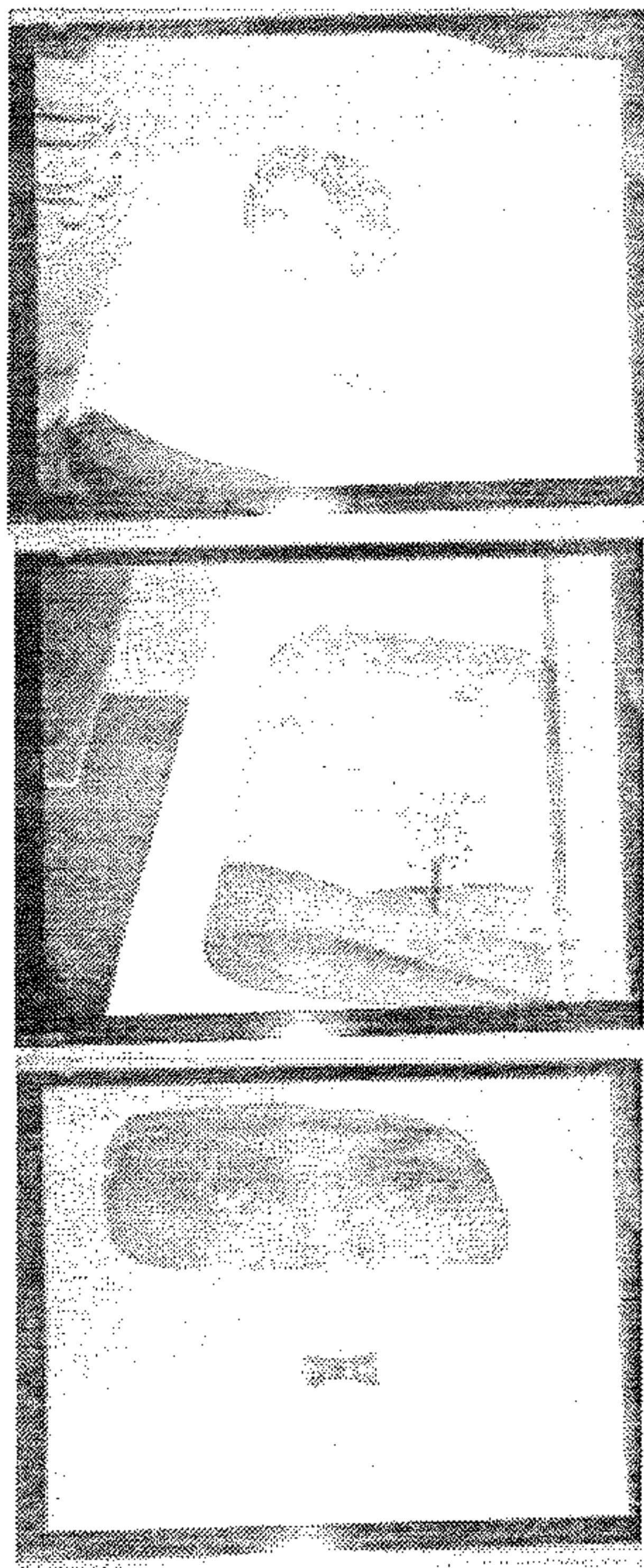
غفلت مردم از تناقض های مدعیان [ادعاها و توبه باب] = بخشی از توبه نامه:
[اگر کلماتی که خلاف رضای او بود از قلم جاری شده، غرضم عصیان
نبوده ... این بنده را مطلق علمی نیست که منوط به دعائی باشد ... و
مدعای نیابت خاصه حضرت حجت علیه السلام را ادعای مبطل می دانم، این بنده را
چنین ادعائی نبوده و نه ادعای دیگر ...].



(۴)

پیرانچ معجزه‌ها

غفلت پیروان از تناقض‌های در مدعیان و رفتارها و گفتارهای آنان
 زرین تاج - مشهور به قرۃ العین - عروس و دختر برادر شهید ثالث که
 دستور قتل عمو و پدر شوهر خود را صادر کرد (به دلیل مخالفت آن شهید
 با انحرافات زمان). این زن که بایه او را - نعوذ بالله - مظهر حضرت زهرا
 می‌دانستند از اولین یاران علی محمد باب بود او در بدشت نیشابور کشف
 حجاب کرد. او که بدون طلاق شوهر خود را رها کرده بود و همراه جوانان
 بابی شیفته خود سفر می‌کرد حتی در هزار جریب با یک جوان بابی غریبه به
 نام بارفروش به حمام رفتند و ... سرانجام در اثر مفاسد بالا، مردم او را در
 تهران کشتند. این بود داستان زنی که مدعی قیام به همراه امام زمان بود و
 نسخ اسلام را اعلان کرد و روی بابیان و بهائیان مدعی پاکدلی و امیان و
 محبت با تمام ادیان را سفید کرد.

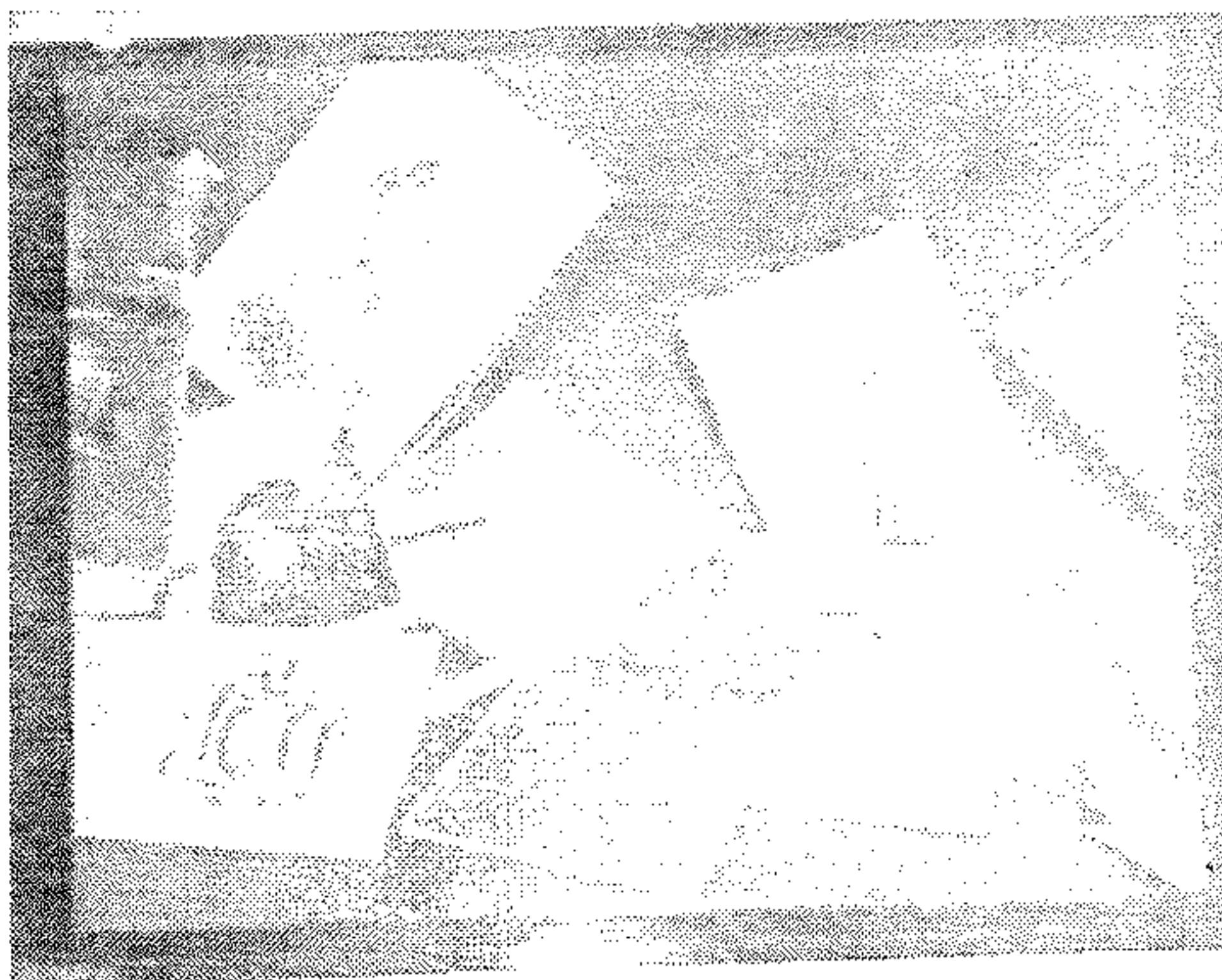


سوء استفاد از تصاویر و خواب‌نامه‌ها در فریب مردم و تلقین ارتباط با غیب

و ...



حمایت رسانه‌های غربی و استعماری از برنامه‌های مدعیان



نشر آثار با استفاده از کپی برداری برای فریب مردم

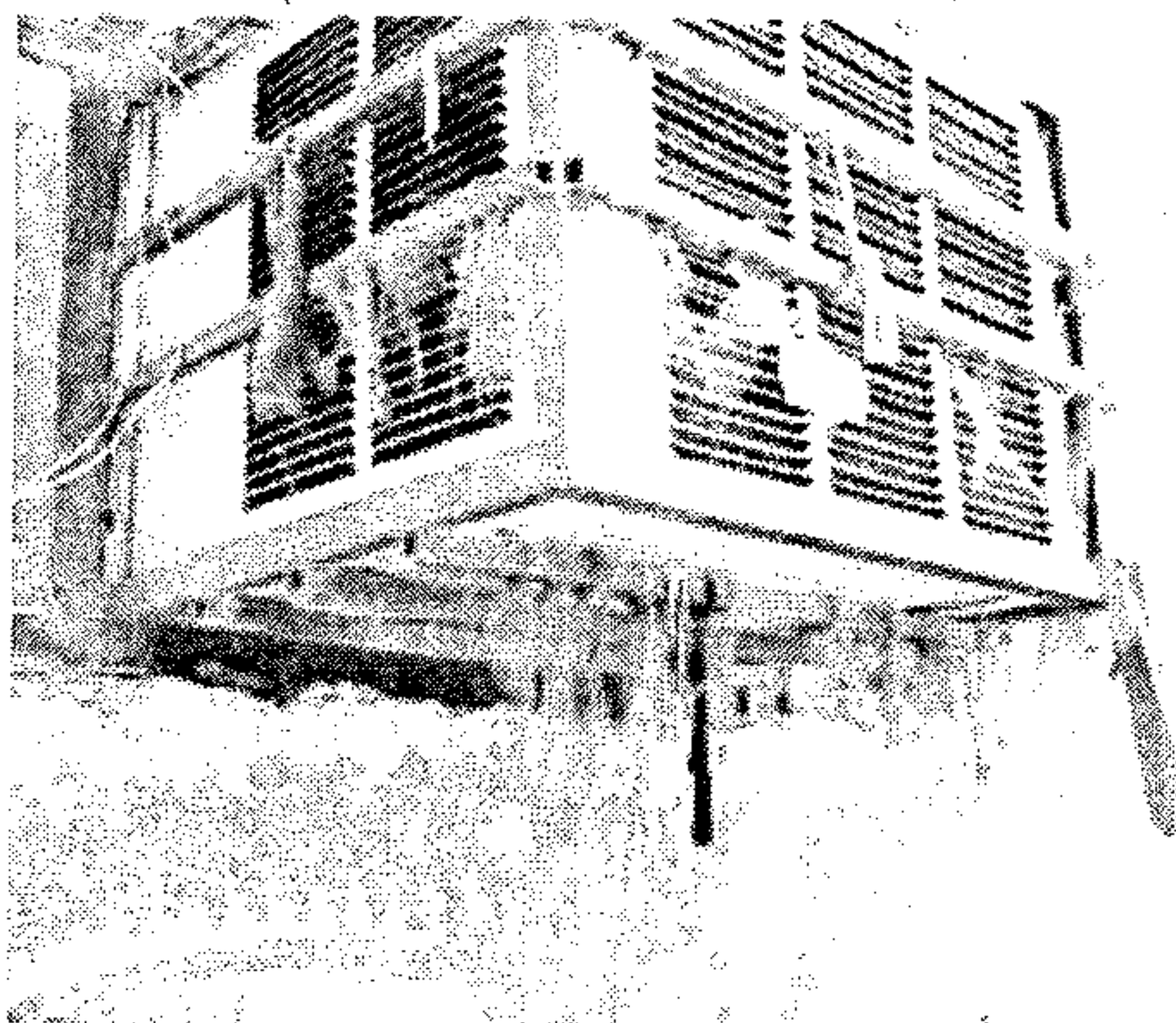


سوء استفاده از احساسات دینی مردم در مقدسات
در بحث توسل و تبرک به نام و نشانه‌های اهل بیت علیهم‌السلام

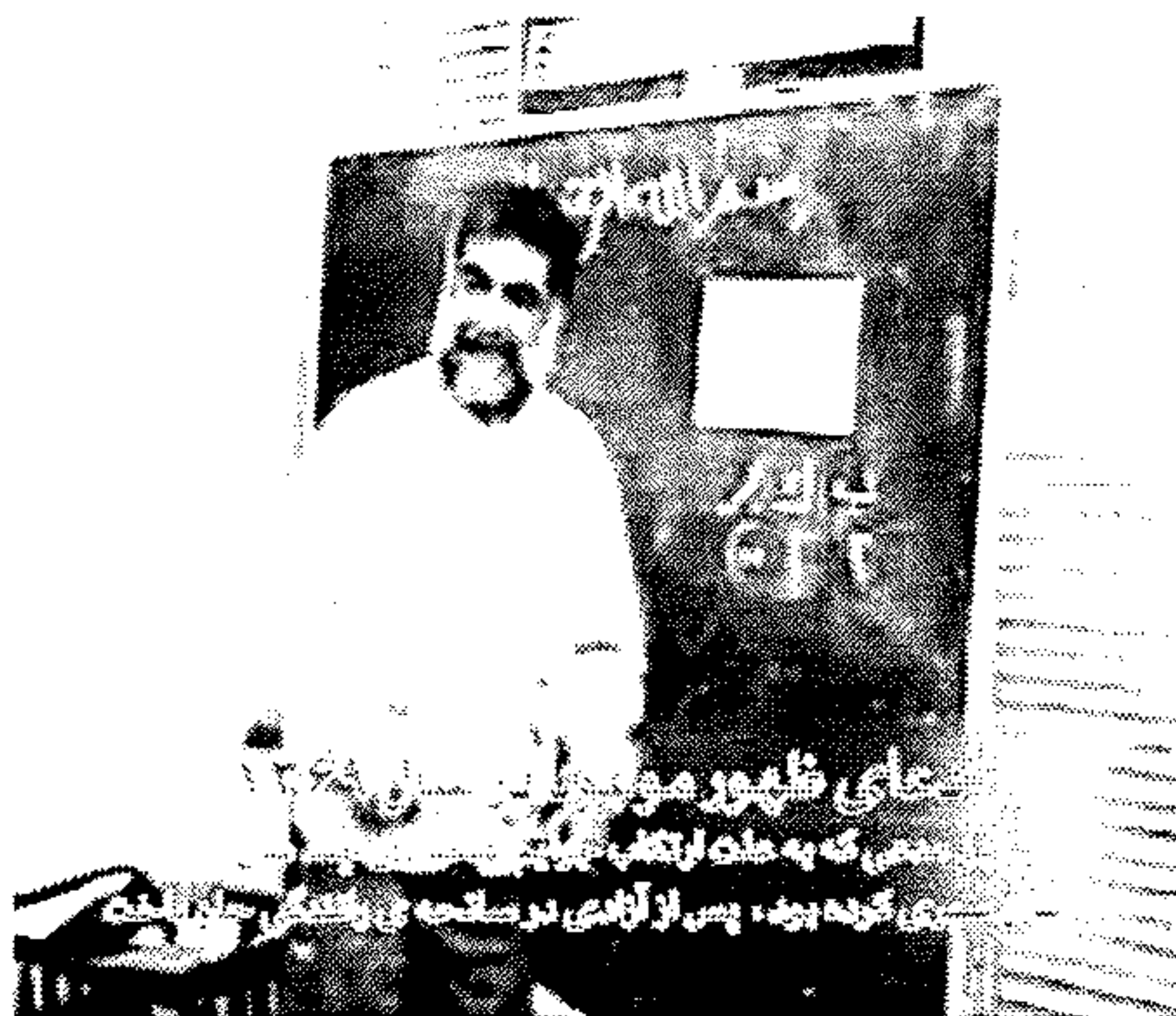


اعتراف به پرداخت خراج به
پسر خانم مدعی

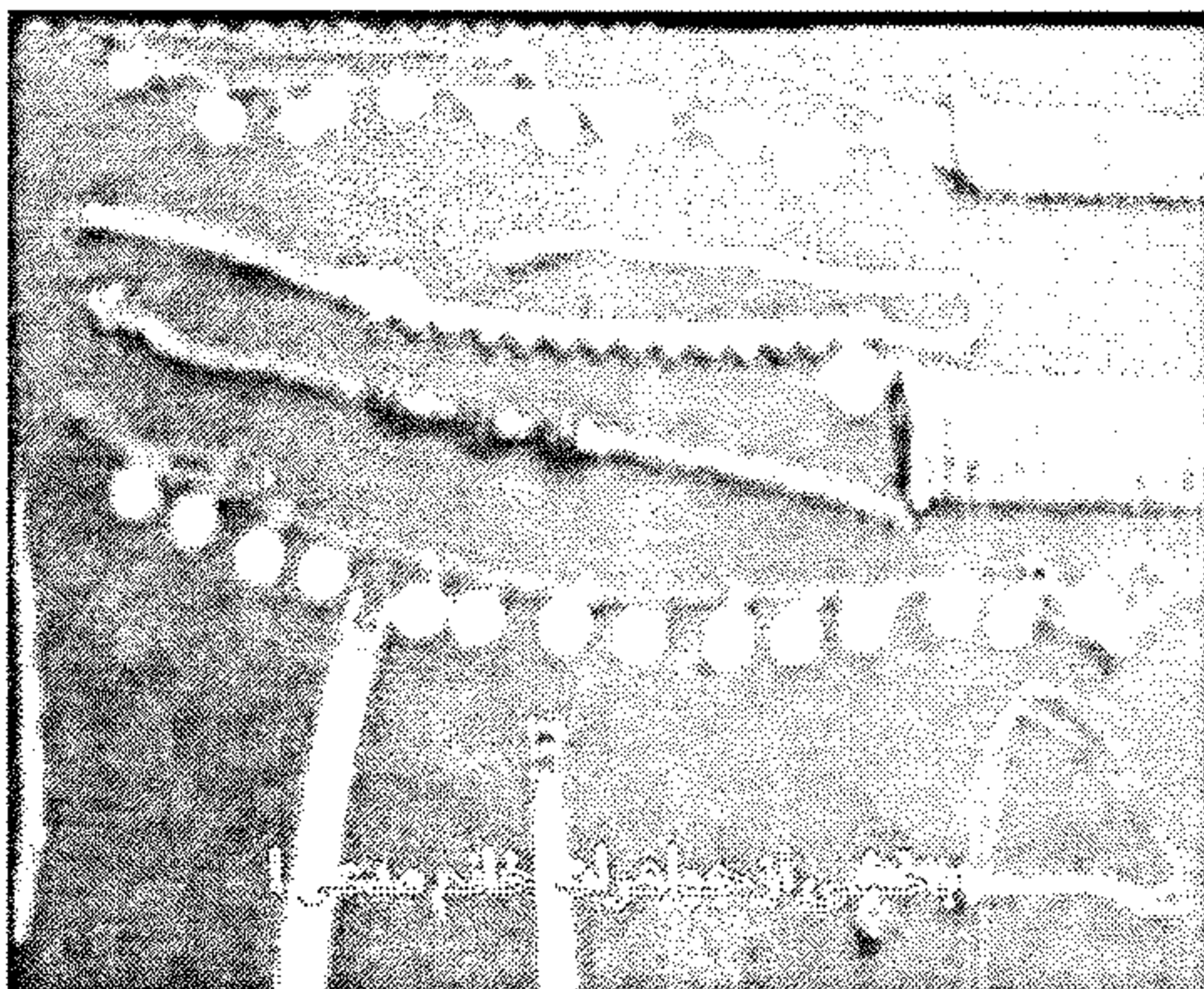
سوء استفاده مالی از اعتقادات دینی مردم



سوء استفاده از احساسات دینی مردم در مقدسات

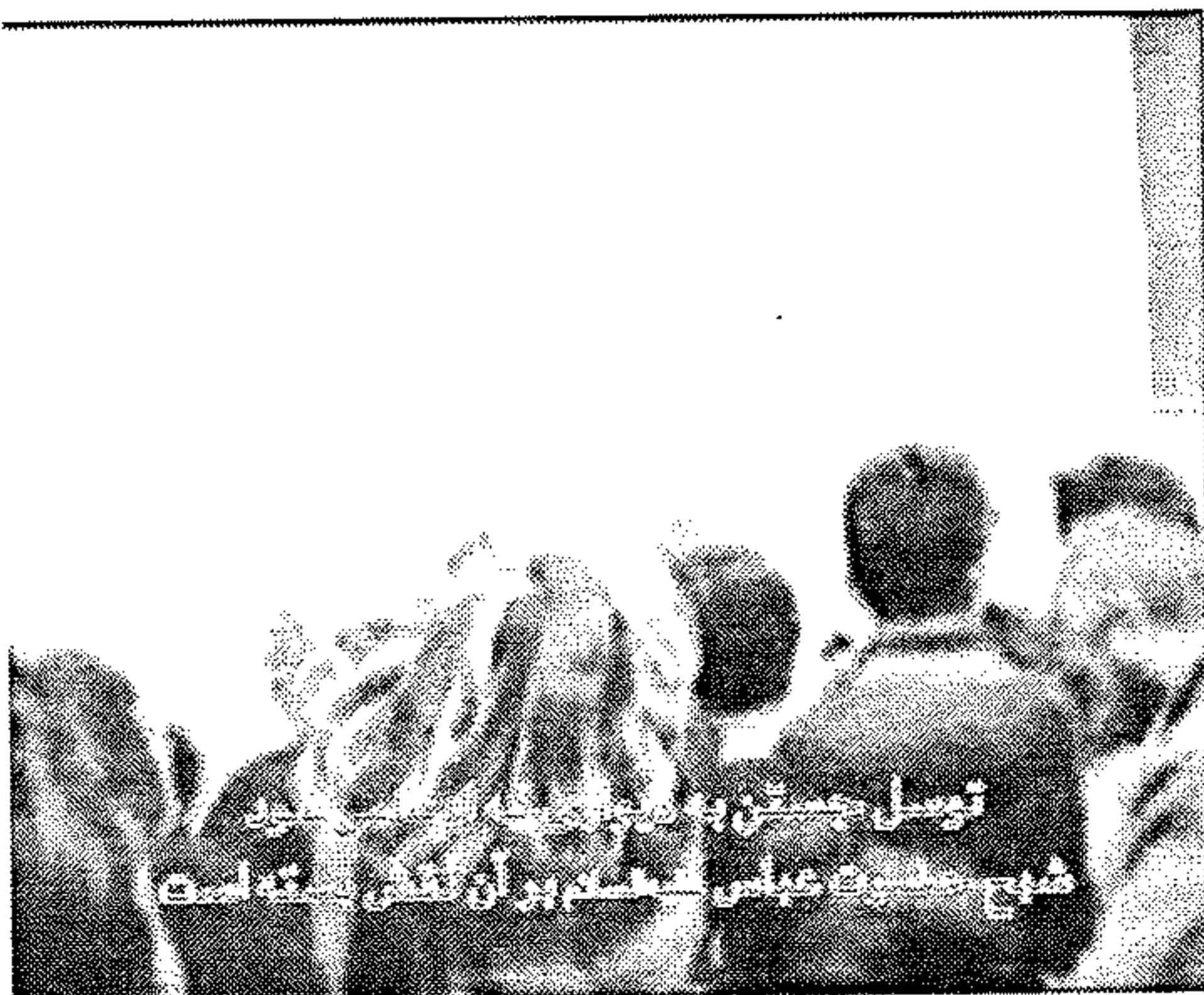


سوء استفاده مالی از اعتقادات دینی مردم
(بهره‌برداری غیر صحیح از بحث توسل و نیز علوم حروف و اعداد)

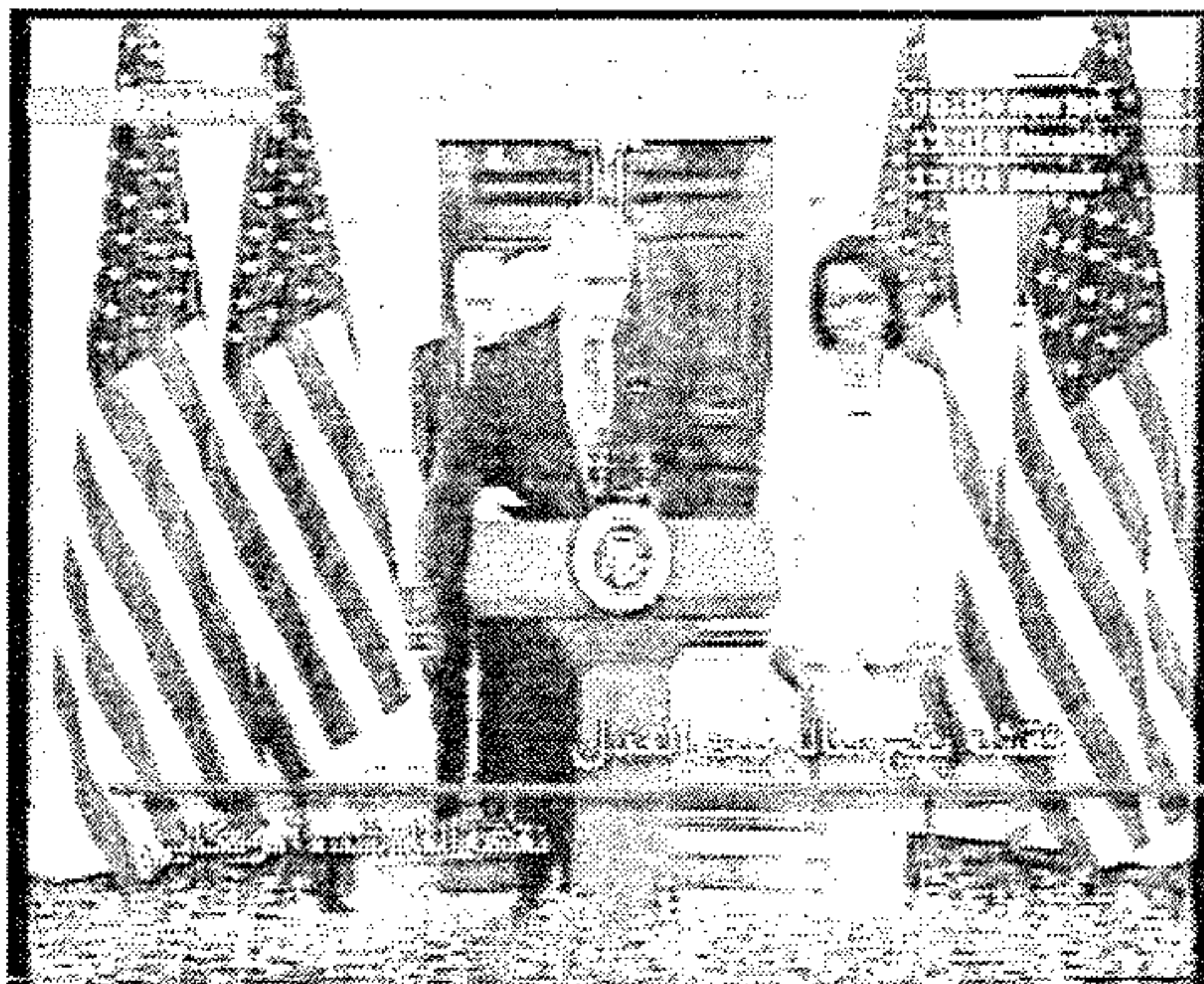




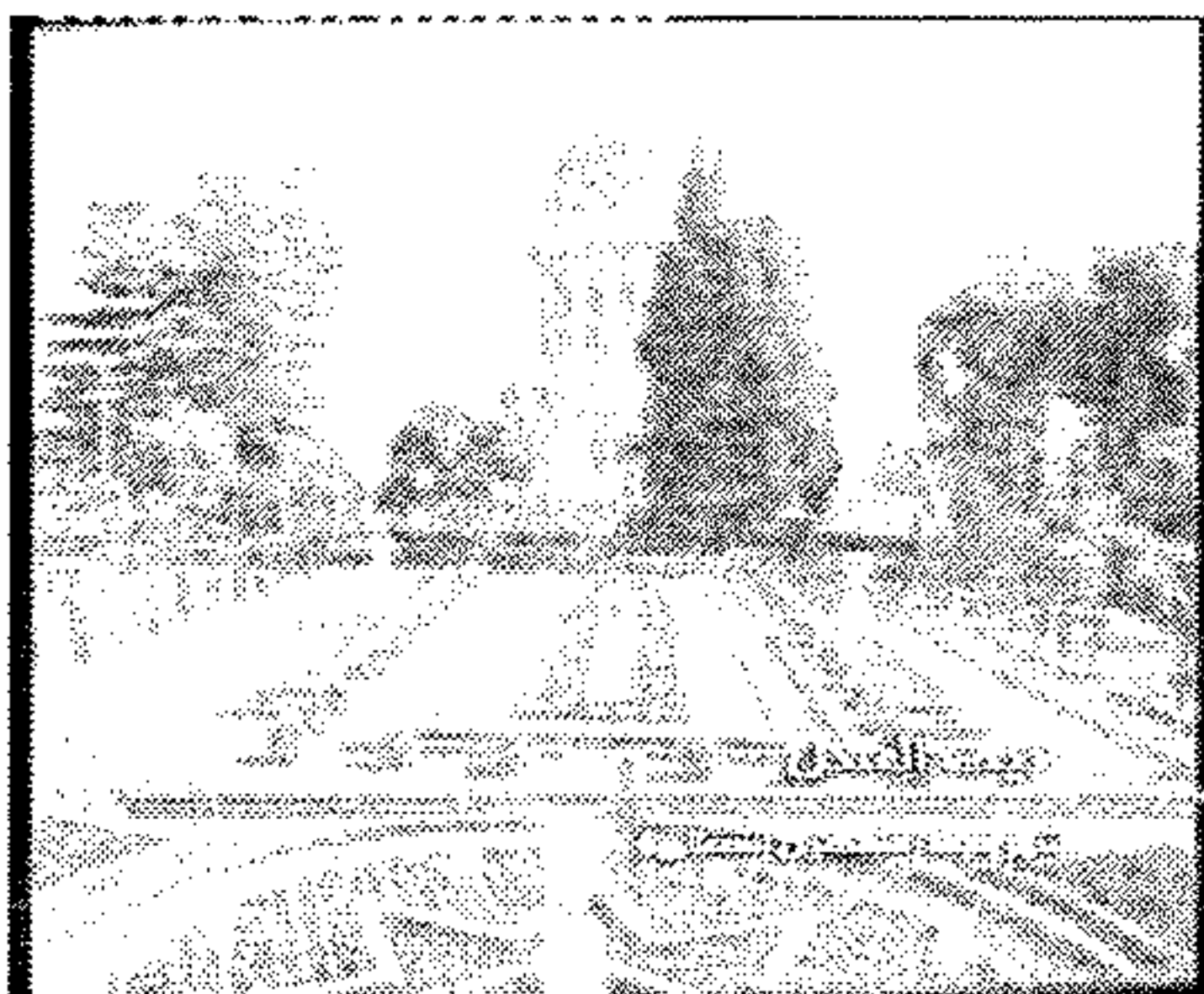
سوء استفاده از جهالت مردم در مورد مبانی اعتقادی (بحث‌های امامت و نیابت) و بهره‌برداری مالی



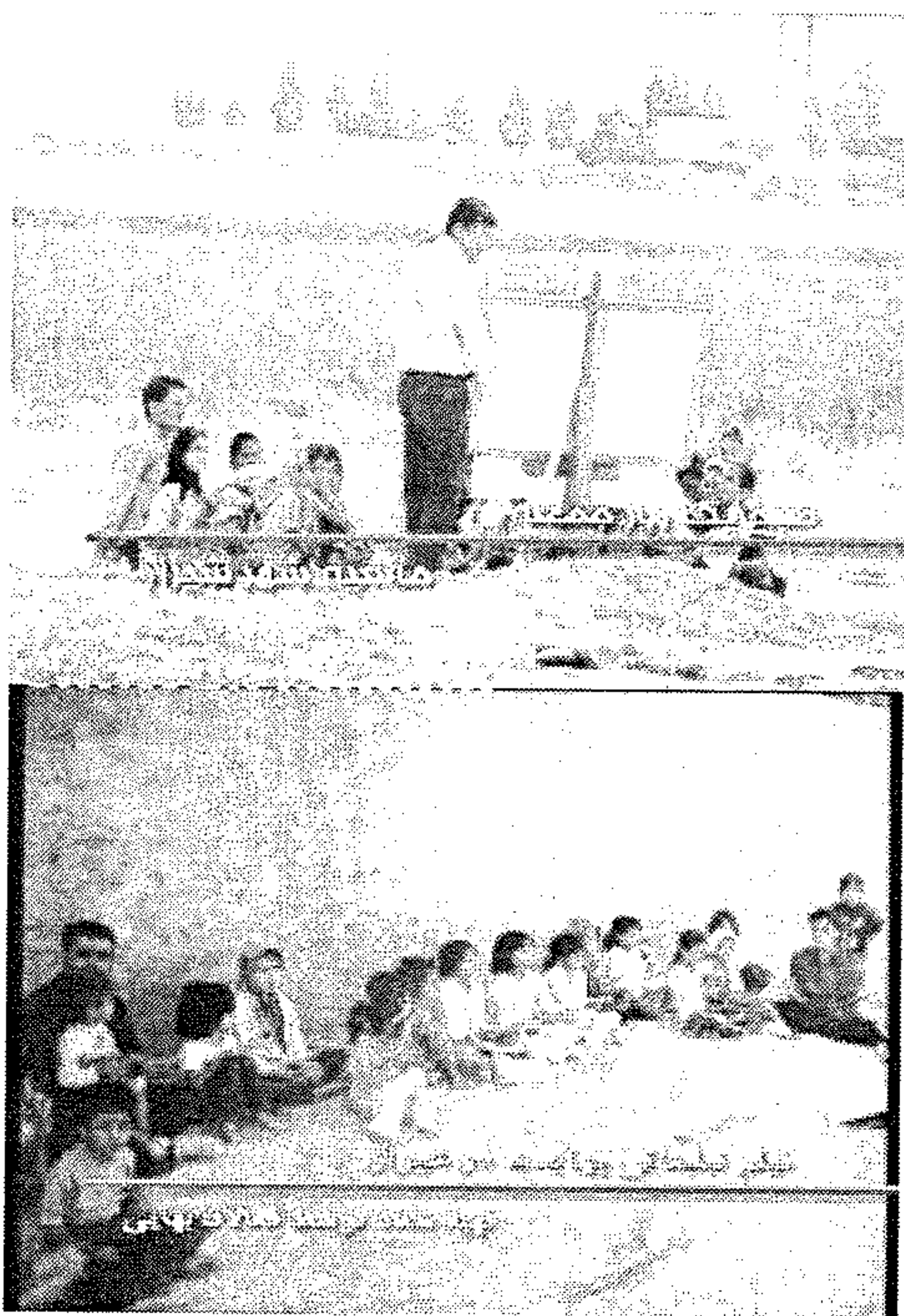
سوء استفاده از جهالت مردم در مورد مبانی اعتقادی و بهره‌برداری مالی و غیرمالی از مردم



حمایت قدرت‌ها و رسانه‌های غربی و استعماری از برنامه‌های مدعیان



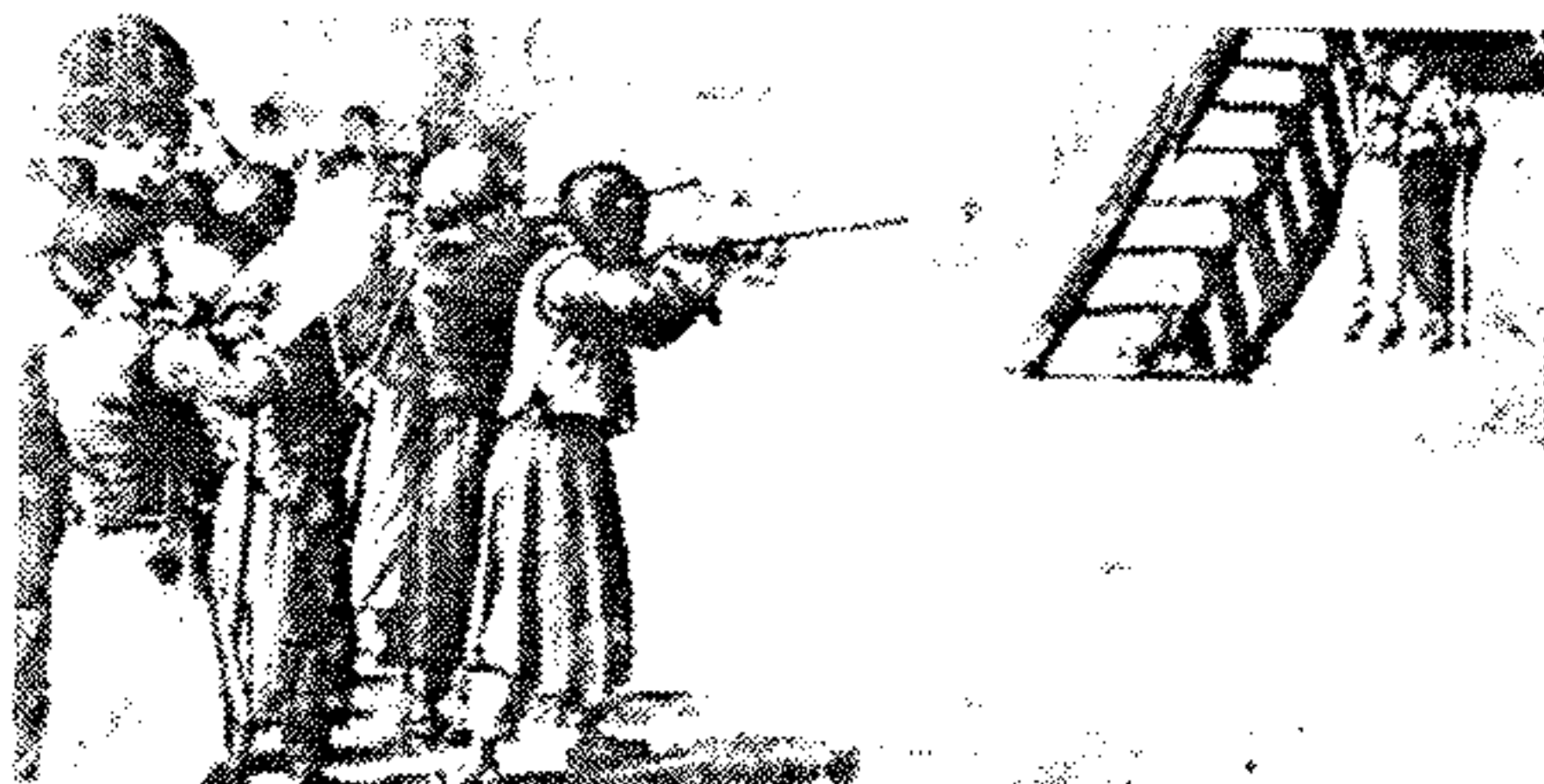
مرکز اداری و (به اصطلاح) روحانی بهایان واقع در حیفا [فلسطین اشغالی]:
نماد وابستگی مدعیان



تغییر اعتقادات از کودکی توسط مدعیان
و جذب جوانان و نوجوانان به آیین خود به انگیزه کلاس‌های فرهنگی، هنری



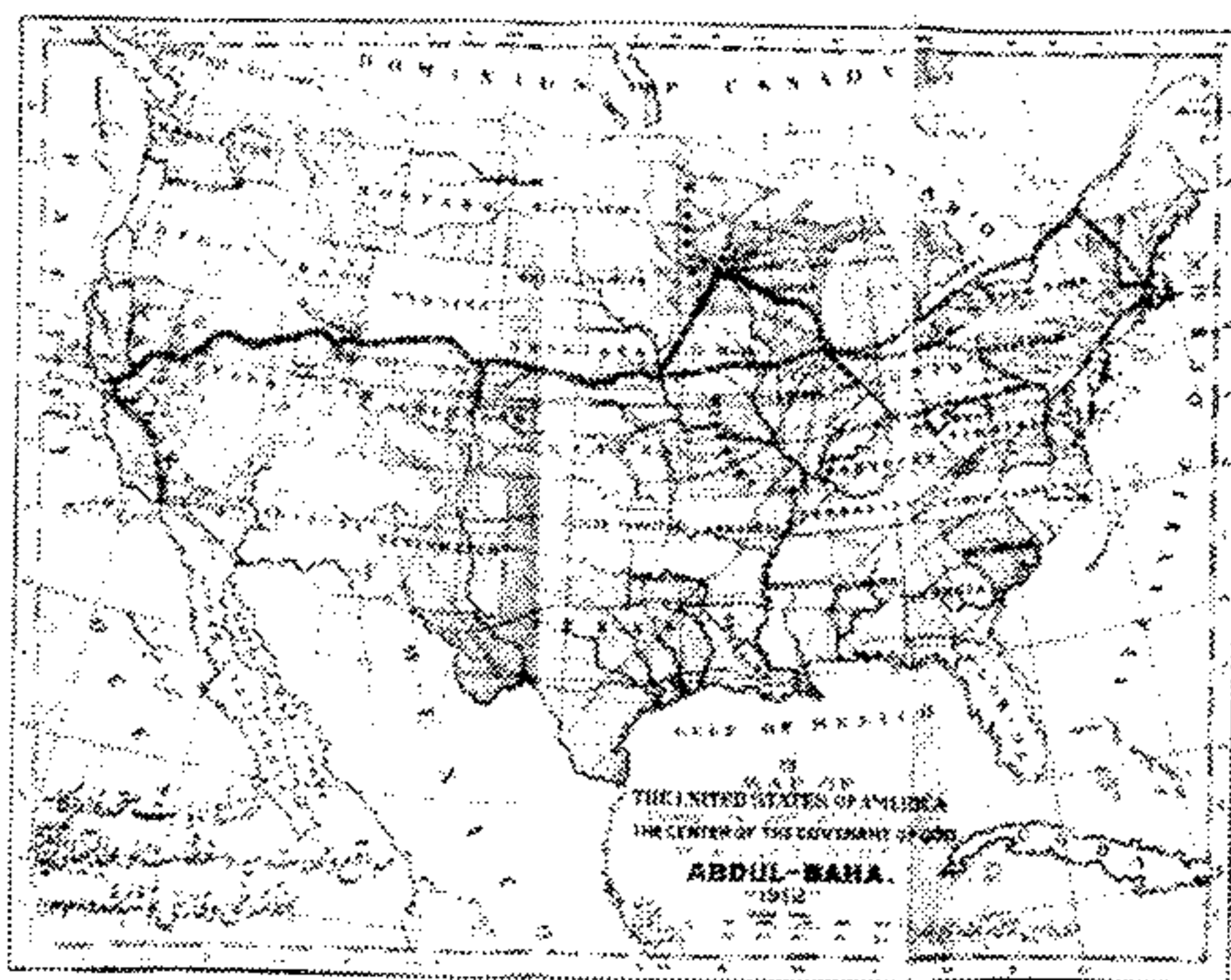
نفی آرام و تدریجی حساسیت‌های دینی، عفت و ... از راه ایجاد اختلاط
زنان و مردان مسلمان



این تصویر در سال ۱۹۱۲ میلادی در شهر واشینگتن، آمریکا، توسط یک خبرنگار گرفته شد. در آن زمان، گروهی از سربازان و افسران نظامی در حال تمرین با سلاح گرم بودند. در پس‌زمینه، تعدادی از زنان و کودکان نیز دیده می‌شوند که به تماشای تمرین ایستاده‌اند.

حساسیت استعمارگران به حوادث مربوط به مدعیان

[تصویربرداری و ضبط حادثه اعدام علی محمد باب توسط عوامل روسیه]



بدائع الانار، جلد اول

فعالیت‌های بلند مدت فرقه‌ها

● اسم اعظم



اسم اعظم رمزی است از رموز الهیه • سطوح ثلاثه
 عبارتند از: عالم حق، عالم امر و عالم خلق •
 دو ستاره صرفین رمزی از ظهور جمال الهی و حضرت اعلی
 است که بصورت هیکل انسانی^{ست} مرکب از سر، دودست
 و دویا (و چهارخا) ارکان اربعه بیت توحید میباشند •
 (یا) یا (ها) ترکیب شده و اسم اعظم از آن نقش
 ظاهر شده است •

کتاب مجموعه ای از مطالب دیانت بهائی باختصار، صفحه ۷۲
 [سوء استفاده از علوم حروف و اعداد (ابجد) برای اثبات
 حقانیت خود]



تصویر مرکز بهاییان (فعالیت‌های مدعیان): سوء استفاده از عناصر
فرهنگی و نمادهای ملی

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، رضا برنجکار، مؤسسه فرهنگی طه، دوم، قم، زمستان ۱۳۷۹.
۳. از احساء تا کرمان، نورالدین چاردهی، گوتنبرگ (مهر)، اول، ۱۳۶۲.
۴. اعترافات (۲)، چگونه اسلام را نابود کنیم؟، عباس عطایی اصفهانی، انتشارات حضرت عباس.
۵. الثورة المهدیه و اصول السياسة البريطانية فی السودان، دکتر جلال یحیی، مكتبة النشر و الطبع، النهضة المصرية، قاهره، ۱۹۵۹ م.
۶. العین، خلیل فراهیدی، تحقیق دکتر مهدی المخزومی، الثانية، دارالهجرة، صدر عراق، ۱۴۱۰.
۷. القادیان و القادیانیه، دراسات و تحلیل عرفی علمی، ابوالاعلی مودودی و احسان‌الهی ظهیر.
۸. القادیانیه، دراسات و تحلیل، احسان‌الهی ظهیر، (۱۹۴۱ - ۱۹۸۷)، اداره ترجمان السنة اللاهور، پاکستان.

۹. القادیانیه، دراسات و تحلیل، احسان الهی ظهیر، اول، پاکستان، ۱۳۷۸.
۱۰. القادیانیه، سلیمان ظاهر العاملی، تحقیق محمد حسن طالقانی، غدیر، الاولى، بیروت ۱۴۲۰ق.
۱۱. الکواکب الدریة فی مآثر البهائیه، عبدالحسین آیتی (آواره).
۱۲. انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی، اسماعیل رایین، مؤسسه تحقیقاتی رایین لندن، ۱۹۷۸ م.
۱۳. براهین احمدیه، غلام احمد قادیانی، ج ۱، انتشارات سفیر هند، ۱۸۸۰ م.
۱۴. تاریخ السودان الحديث، ضرار صالح ضرار، (دارمکبه الحیاة) الرابعة، بیروت، ۱۹۶۸ م.
۱۵. تاریخ ایران در دوره سلطنت قاجاریه، علی اصغر شمیم، ۱۳۷۵.
۱۶. تاریخ جامع بهائیت، بهرام افراسیابی، مهر فام، دهم، تهران، تابستان ۱۳۸۳.
۱۷. تاریخ مشروطه ایران، احمد بن قاسم کسروی، امیرکبیر، پنجم، تهران، ۱۳۴۰.
۱۸. تاریخ نبیل، نبیل زرندی.
۱۹. تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳.
۲۰. تفسیر هدایت، مترجمان بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
۲۱. چهل شب با کاروان حسینی، علی یعقوبی، مؤسسه فرهنگی به سوی ظهور، اول، تهران، ۱۳۸۲.
۲۲. حضرت نقطه اولی، محمد علی فیضی، آذر ۱۳۵۲.
۲۳. خاطرات انحطاط و سقوط، فضل الله مهتدی صبحی، به کوشش علی امیر مستوفیان نشر علم، اول، تهران، ۱۳۸۴.
۲۴. خاطرات سیاسی کینیاز دالگورکی در ایران، تصحیح عبدالعلی یاسینی نسب، انتشارات صبور، اول، قم، ۱۳۸۲.
۲۵. خاطرات مستر همفر، ترجمه علی کاظمی، نشر اندیشه‌های اسلامی، چهارم، قم، ۱۳۸۴.

۲۶. دفع اوهام توضیح المرام فی الرد علی القادیانیه، سلیمان الظاهر العاملی، تحقیق سید محمد حسن طالقانی، الغدیر، بیروت. ۱۴۲۰.
۲۷. دیانت بهایی، آیین فراگیر جهان، ویلیام هاجرود و گلاس مارتین، مؤسسه معارف بهایی.
۲۸. رساله تیر شهاب در راندن باب خسران مآب، حاج محمد کریم خان کرمانی.
۲۹. رساله سی فصل، حاج محمد کریم خان کرمانی.
۳۰. روضة الصفای ناصری، میرزا رضا قلی خان هدایت (کاتب قاجار).
۳۱. رهبران ضلالت، علی امیر مستوفیان، مؤلف، اول، تهران، ۱۳۸۶.
۳۲. سایه شوم، خاطرات بازگشته از بهائیت، مهناز رؤوفی، مؤسسه کیهان، اول، تهران، ۱۳۸۵.
۳۳. شیخی گری، بابی گری، مرتضی مدرّسی، کتابفروشی فروغی، دوم، خرداد ۱۳۵۱.
۳۴. شیخی گری، بابی گری، یوسف قضایی، آشیانه کتاب، اول، تهران، ۱۳۸۲.
۳۵. ظهور الحق، فاضل مازندرانی، مطبعه ازردگان، تهران، (م ۱۲۸۴).
۳۶. غریب الحدیث، ابن سلام، تحقیق محمد عبدالمعیدخان، الاولى، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۸۴.
۳۷. فتنه باب، اعتضادالسلطنه، اول، بابک، تهران، ۱۳۳۱.
۳۸. فرّق و مذاهب کلامی، علی ربانی گلپایگانی، مرکز جهانی علوم اسلامی، چهارم، قم، تابستان ۱۳۸۶.
۳۹. فرقه‌شناسی، بخش یکم، جزوه درسی کارشناسی ارشد فرّق و مذاهب، عزالدین رضا نژاد، دفتر تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی.
۴۰. فرهنگ فارسی معین.
۴۱. فرهنگ فرّق اسلامی، محمد جواد مشکور، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، پنجم، تهران، ۱۳۸۶.

۴۲. فرهنگ نامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، اول، تابستان ۱۳۸۳.
۴۳. فصلنامه تاریخ معاصر ایران، عبدالله شهبازی، ش ۲۷.
۴۴. فلسفه نیکو، ح. نیکو.
۴۵. قرن بدیع، شوقی افندی، ترجمه نصرت الله مودت، مؤسسه ملی مطبوعات امری، تهران.
۴۶. قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، علمیه اسلامیة، دوم، تهران، ۱۳۸۲.
۴۷. کافی، محمد بن یعقوب (کلینی).
۴۸. کشف الحیل، عبدالحسین آیتی، اول، تهران، ۱۳۲۶.
۴۹. مجمع الرسائل، حاج کریم خان کرمانی.
۵۰. معجم مقایس اللغة، ابوالحسن احمد بن فارس زکریا، تحقیق عبدالسلام هارون، مکتب الاعلام اسلامی.
۵۱. مکتب شیخی، هنری کربن، ترجمه فریدون بهمنیار، تابان، تهران، ۱۳۸۴/۱۹۱۷ م.
۵۲. نامه‌ای از سن پالو، امان‌الله شفا، تصحیح محمد باقر بهبودی، دارالکتب الاسلامیه، اول، تهران، اسفند ۱۳۴۹.
۵۳. نبوت و امامت، علی اللهوردیخانی.
۵۴. نجم الثاقب، میرزا حسن نوری طبرسی، نشر جاویدان.
۵۵. نخبه‌کشی در جامعه‌کشی، محمد علی مهمینی، ۱۳۷۷، تهران، نشر ثالث.
۵۶. واپسین جنبش قرون وسطایی در دوران فتودال، محمد رضا فشایی، جاویدان، اول، تهران، ۱۳۵۵.
۵۷. هدیه الطالبین، حاج محمد کریم کرمانی، سعادت، سوم، کرمانی.
۵۸. هشت بهشت، میرزا احمد روحی و آقا خان کرمانی، از انتشارات بایان، تهران.

۵۹. اندیشه‌ها و جنبش‌های سیاسی اجتماعی در جهان عرب، رایین، ترجمه یوسف عزیزی، اول، ۱۳۷۸.

۶۰. بابی‌گری و بهایی‌گری، محمد محمدی اشتهاردی، گلستان ادب، دوم، قم، ۱۳۸۵.

۶۱. بهائیت در ایران، سید سعید زاهدانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سوم، تهران، تابستان ۱۳۸۴.

۶۲. تاریخ هجده ساله آذربایجان (ضمیمه مجله پیمان)، ۱۳۳۱.

۶۳. تبلیغ (۱۹)، ویژه نامه محرم الحرام ۱۴۲۹، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، معاونت جامعه و نظام، مدیریت سیاسی.

۶۴. تلخیص تاریخ نبیل زرنندی، اشراق خاوری، لجنه ملی نشر آثار امری، تهران، ۱۳۲۸.

۶۵. توحید مفضل، ترجمه علامه مجلسی.

۶۶. رَحِیقِ مَخْتُوم، اشراق خاوری.

۶۷. سیری در کتاب‌های بهاییان، رضا سلطان‌زاده، دوم، تهران.

۶۸. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید.

۶۹. ظهور و سقوط پهلوی، حسین فردوست، اطلاعات، اول، تهران، ۱۳۶۹.

۷۰. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی و سیاسی پویا، نشریه دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ویژه نامه موانع انسجام اسلامی، اسفند ۱۳۸۶، (مقاله منیره فتاحی اردکانی).

۷۱. قرن بدیع (از کتب بهائیت).

۷۲. کامل‌التعبیر، جیش بن ابراهیم تفلیسی.

۷۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی.

۷۴. کتاب ظهور الحق، فاضل مازندرانی.

۷۵. ماجرای باب و بهاء، مصطفی طباطبایی، روزنه، دوم، تهران، ۱۳۷۹.

۷۶. مجله پویا، ویژه عارف‌نمایان، شماره ۶ دفتر پژوهش‌های فرهنگی، زمستان ۱۳۸۶.

۷۷. ناسخ التورایخ، ؟؟؟؟، تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامی، ۱۳۸۵.

۷۸. نقطة الکاف، میرزا جانی کاشانی، به سعی و اهتمام ادوارد براون، مطبعة بریل لیدن هلند، محرم ۱۳۲۹ ق.
۷۹. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی.

مقالات و پایان نامه‌ها

۸۰. آگاهی از رهبریت مستتر، جزوه شاگردان سابق ع. و.، ۱۳۸۲/۸/۱۰.
۸۱. ادعاهای قادیانی، مجاهد علی بهشتی، مجله مشرق موعود، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.
۸۲. اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب، محمد بهی، رئیس سابق دانشگاه، ترجمه سید حسین سیدی، آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۷۷.
۸۳. پیوند و همکاری بهائیت و صهیونیسم، محمد رضا نصوری، انتظار، شماره ۱۸، ۱۳۸۵.
۸۴. تأسیس شرکت اسلامی، علی ابوالحسنی منذر، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۸۶۰، ۴ مرداد ۱۳۸۶.
۸۵. جزوات طرح روحی، مؤسسه روحی، ۱۵۹ تا ۱۶۱ بدیع بهایی.
۸۶. جزوات مدعیان دروغین کشف و کرامات، مراکز قضایی و اطلاعاتی، مرداد ۱۳۸۵.
۸۷. جلسات سخنرانی ع. و. در جمع شاگردان و پیروان، ۱۳۸۴/۷/۹ و ۱۳۸۴/۶/۲۹.
۸۸. جهت اطلاع، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۲۰۴ سه‌شنبه ۱۳۸۶/۸/۲۹.
۸۹. جهت اطلاع، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۱۸۵، یکشنبه ۱۳۸۶/۸/۶.
۹۰. جهت اطلاع، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۲۴۲، شنبه ۱۳۸۶/۱۰/۱۵.
۹۱. جهت اطلاع، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۲۵۰، چهارشنبه ۱۳۸۶/۱۰/۲۶.
۹۲. چادرت را بردار به احترام این میت، مقاله زهرا حاجی پور، فصلنامه پویا، شماره ۷، اسفند ۱۳۸۶.

۹۳. چرا فرقه‌ها خطرناکند؟، مقاله‌ای از مارگارت تالی سینگر، ویژه نامه کثر راه، سروش، سازمان صدا و سیما، اسفند ۱۳۸۶.
۹۴. حکم نافذ آقا نجفی، موسی نجفی.
۹۵. خبر روزنامه کیهان، شماره ۱۸۹۶۸، شنبه ۱۳۸۶/۹/۱۷.
۹۶. خبر ویژه، روزنامه کیهان، شماره ۱۹۰۴۷، ۱۳۸۶/۱۲/۲۷.
۹۷. خبر ویژه، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۹۸۶ یکشنبه، ۱۳۸۶/۱۰/۹.
۹۸. خبر، جمهوری اسلامی، شماره ۸۲۳۵، دوشنبه ۱۳۸۶/۱۱/۱.
۹۹. خبر، جمهوری اسلامی، شماره ۸۲۵۰، چهارشنبه ۱۳۸۶/۱۰/۲۶.
۱۰۰. خواب و رویا از دیدگاه اسلام و دانش جدید، پایان نامه کارشناسی ارشد، فاطمه میر شمسی، ۱۳۷۰.
۱۰۱. دو هفته نامه عبرت‌ها، سال ۵، شماره ۱۰۵، ۲۸ صفر ۱۴۲۹.
۱۰۲. سخنان معاون وزیر آموزش و پرورش، روزنامه حزب الله، سال دوم، شماره ۴۰۸، ۱۳۸۷/۱/۳۱.
۱۰۳. سخنرانی دکتر برهانی، نشست ۵۹، مؤسسه فرهنگی انتظار نور، سال ۱۳۸۶. بررسی خلق و خوی مدعیان.
۱۰۴. سخنرانی لیلۃ القدر، علی اللهوردیخانی، ۱۳۸۴/۸/۴.
۱۰۵. سلسله درس‌های تفسیر قرآن و اخلاق، جلسه ۳۰۱، (سوره بقره، ۱۳۸۴/۱۲/۱۰)، مکتب القرآن، تبریز.
۱۰۶. شیخیه، بستر پیدایش بابیت و بهائیت، عزالدین رضانژاد، مجله انتظار بنیاد فرهنگی مهدی موعود، شماره ۴، قم، ۱۳۸۱.
۱۰۷. قادیانی، نقش استعمار در پیدایش و گسترش، مقاله مجاهد علی بهشتی، مشرق موعود، مؤسسه آینده روشن، بهار ۱۳۸۶.

۱۰۸. قرۃ العین در آمدی بر تاریخ بی‌حجابی در ایران، مقاله سینا واحد، فصلنامه پویا، شماره ۷ اسفند ۱۳۸۶.
۱۰۹. مستشرقان و مهدویت، سید رضی موسوی گیلانی، مجله انتظار، بنیاد فرهنگی مهدی موعود شماره ۱۸، ۱۳۸۵.
۱۱۰. مقاله خبری از هفته‌نامه افق حوزه علمیه، سال ۶، شماره ۱۷۸، ۱۷ بهمن ۱۳۸۶.
۱۱۱. نامه جمعی از شاگردان سابق خانم الف. به آیت‌الله شبستری، ۲۰/۱۰/۱۳۸۶.
۱۱۲. وهابیت و بهابیت، امتداد دو جریان، محمد لطیفی، فصلنامه فرهنگی و سیاسی و اجتماعی پویا، نشریه دانشجویی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، شماره ۷، اسفند ۸۶.

مجلات، نرم‌افزارها و سایت‌ها

۱۱۳. آهنگ بدیع (ارگان رسمی بهاییان)، سال ۱۸، شماره ۱۳۴۴.
۱۱۴. آهنگ بدیع (ارگان رسمی بهاییان)، سال ۵، شماره ۱۹ و ۹.
۱۱۵. آهنگ بدیع، نشریه جوانان بهایی ایران، سال ۱۳۴۴، شماره ۷ و ۸، سال ۱۳۳۰، ش ۳.
۱۱۶. بهابیت آنگونه که هست، ویژه‌نامه جام جم، صدا و سیمای جمهوری اسلامی، ۶ شهریور ۱۳۸۶.
۱۱۷. جامع تفاسیر نور، نسخه ۲.
۱۱۸. زمانه، ماهنامه اندیشه سیاسی و تاریخ سیاسی ایران معاصر، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، سال ۶، مهر ۱۳۸۶.
۱۱۹. لوح فشرده شعبده شیطان، مرکز فرهنگی معراج.
۱۲۰. شهروند، هفته‌نامه خبری و تحلیلی، سال دوم، شماره ۲۰، یکشنبه ۲۲/۷/۱۳۸۶.
۱۲۱. کتاب خانه اهل بیت، نسخه اول.

۱۲۲. نرم افزار موعود، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مدیریت حوزه علمیه اصفهان.

۱۲۳. ویژه نامه کثر راه، تأملی در عرفان های دروغین، جام جم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، اسفند ۱۳۸۶.

۱۲۴. [http://www. Alghameh.net](http://www.Alghameh.net).

۱۲۵. <http://www. Bahaiview.com>.

۱۲۶. <http://www.mouood.org/control/view/۶۰۱۳/۲>.

۱۲۷. <http://www.iranianuk.com/article/php>